

یادداشت مترجم

اینک بخش پایانی ترجمه کتاب « صدارت سردار محمد داوود خان ۱۹۶۳-۱۹۵۳ خدمت خوانندگان ورجاوند پیشکش میگردد. در این بخش با تذکر دستاوردهای پهناور سردار محمد داوود خان به اشتباهات گسترده و تباهن وی در قبال پاکستان و بدلیل داعیه پشتونستان، با در نظر داشت موقف شدید امریکا و روابط تنگاتنگ با اتحادشوروی پرداخته شده است. مترجم بیشتر از آنچه در متن کتاب توسط نگارنده ارجمند اکثر پویا آمده نوشته و فقط نکاتی برجسته از لابلای کتاب را در اینجا ردیف مینماید:

* - سیاستی که شالوده آن همکاری با اتحادشوروی بود، به پندار رییس حکومت (افغانستان) نزدیکی افغانستان با اتحادشوروی باعث نگرانی ایالات متحده و غرب شده و در نهایت محمد داوود تصمیم داشت در موقف واشنگتن نسبت به حمایت از پاکستان تغییر بمیان آید. مگر انکشاف بعدی حوادث نشان دادند که ایالات متحده نه تنها سیاست دفاع اش از پاکستان پیرامون پشتونستان دگرگون نه کرد بلکه تقویه حمایت نظامی آنرا تحکیم هم بخشید.

* - در چرخش داوود به سوی اردوگاه سوسیالیستی برخورد های سخت، دور نا اندیشانه، غیر محتاطانه و بیشتر خشن و توهین آمیز دیپلماسی امریکایی با افغانستان آنروزه و شخص محمد داوود نقش عمده را داشتند.¹ با وجود تلاش مخالفان محمد داوود در درون کشور و خارج از آن که به وی تاپه «سردار سرخ» را ویا حتی بیشتر از آن رهبر سیاسی که بدون قید و شرط به اتحادشوروی وابسته بوده و به «شورویها تمام عرصه های زندگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی افغانها را داده است»، زدند، در واقعیت او بمثابه میهن دوست حقیقی مشی پیگیرانه، خلل ناپذیر و بکلی مستقلانه را که پاسخگوی منافع ملی کشور در عرصه سیاست داخلی و خارجی بود، پیشبرده و هیچگاهی شخص هوادار شوروی و بویژه که «سرخ» نبود.

* - صدراعظم داوود با برقراری مناسبات نیکو با اتحادشوروی پیش از هر چیز میخواست توانمندی (پونتسیال) نظامی- سیاسی همسایه نیرومند شمال را به حل معضله پشتونها جلب کند. چنانچه محمد داوود در جریان مذاکرات رسمی و غیررسمی مخفی و گفتگوهای بارها به جانب شوروی کمک مشورتی شان را پیرامون راه اندازی و پیشبرد جنگ پارتیزانی در مناطق قبایل پشتون در خاک پاکستان را مطرح میکرد. او در این موارد نیتش را مبنی بر مجبور ساختن پاکستان به پذیرش شرایط کابل پیرامون فزیه پشتونستان، پنهان نمیکرد.²

جانب شوروی در همه مراحل طرح این مسأله همواره از دادن کمک بطور قاطع خودداری میکرد. چنانچه در جریان سفر ماه اکتوبر سال ۱۹۶۱ هیأت عالیرتبه شوروی به کابل در رأس مارشال و.د. سوکولوفسکی به محمد داوود مستقیماً خاطر نشان شد که تأکید وی برای حل نظامی معضله پشتونستان نتیجه یی ببار نیآورده و تلاشهایش برای در دادن جنگ پارتیزانی در خاک پاکستان که عضو پیمان سیاتو است، باعث کشاندن پای اتحادشوروی به جنگ پهناور در منطقه که میتواند به جنگ سوم جهانی بیانجامد، شود.³ همچنان به درخواست محمد داوود برای تدریس شیوهها و اشکال جنگ پارتیزانی بر شالوده تجارب جنگ کبیر مهبینی شوروی بادر نظر داشت مشخصات جغرافیایی منطقه به افسران افغان توسط آموزگاران شوروی پاسخ قاطع رد داده شد.

* - افغانستان در سالهای ۱۹۵۰-۱۹۶۰ روابط دیپلماتیک را با بیش از ۴۰ کشور برقرار نموده بود. آنچه مربوط به ابرقدرتها میشود، باید گفت که در دوره زمانی یادشده این مناسبات همگون نبودند. از نگاه سیاسی و ایدیولوژیکی کابل به هیچیک از اینها وابستگی نداشت، گرچه محمد داوود خان تلاش مینمود هم از واشنگتن و هم از مسکو کمک بدست آورد. مگر ایالات متحده کمک به افغانستان را به قبول پیش شرطهای معینش مبنی بر شمولیت در بلوکهای نظامی سنتو و سیاتو و خودداری از داعیه پشتونستان مشروط میساخت. داوود خان نه تنها خواستار کمکهای مادی و نظامی- تخنیک از ایالات متحده و اتحادشوروی بود، بلکه پشتیبانی آنان را در امر سیاستش پیرامون پشتونستان نیز میخواست که فقط از سوی اتحادشوروی محسوس بود.

¹ - <http://afg-hist.ucoz.ru/publ/8-1-0-12> -

² - همانجا - <http://afg-hist.ucoz.ru/publ/8-1-0-12>

³ - <http://www.afghanistan.ru/doc11223.html> -

* - افغانستان در دوره صدارت محمد داوود خان دوباره به مسأله پشتونستان پرداخت. پندارها، مرامها و سیاست محمد داوود پیرامون «معضل پشتونستان» که منافع کمتر از نیم نفوس افغانستان را هم بازتاب نمیکرد، باعث تیره گی مناسبات افغانستان با پاکستان که با آنکشور افغانستان روابط تنگاتنگ ملی و مذهبی داشت، شد.⁴

* - در مسأله مرزهای دولتی پاکستان به اصل تغییر ناپذیر حقوق بین المللی دولت وارث استدلال میکرد. کرسی نشینان کراچی (پایتخت آزمون پاکستان، مترجم) به معاهدات بیشمار عقد شده میان اداره هند برتانوی و زمامداران افغان (در گذشته) اشاره میکردند. بویژه معاهده عقد شده در پاییز سال ۱۸۹۳ میان امیر عبدالرحمان خان و نماینده زمامداران برتانوی م. دیورند در این راستا نقش تعیین کننده داشت.

بنابر این موافقتنامه استعمارگران برتانیایی بخشی از خاکهای افغانستان را که در آن بیشتر قبایل پشتون زیست داشتند، به هند برتانوی ملحق نموده و کنترل سیاسی بالای قسمت بزرگ قوم پشتون را بدست آوردند.

افغانستان عهدنامه فوق را فقط در سال ۱۹۱۹، زیر فشار اوضاع (بعثت خطر جنگ جدید با انگلستان) برسمیت شناخت. مگر در سال ۱۹۴۹ کابل موافقتنامه های پیشین افغانستان- بریتانیا را باطل شمرده و اعلام کرد که خط دیورند را همچون مرز پاکستان- افغانستان برسمیت نمیشناسد.

* - داوود خان و حکومتش رسماً از جنبش آزادیبخش ملی پشتونهای برون مرزی با اتکا به فورمول عدم شناخت پشتونستان به مثابه بخشی از پاکستان، بدون اینکه این پشتونها خود در این امر علاقمندی داشته باشند، پشتیبانی میکردند. همینگونه با تأکید باید نوشت، که موضوع آزادی کامل پشتونستان بشکل علنی و رسمی نه از سوی محمد داوود و نه از سوی دیگر زمامداران دولتی افغان مطرح میشد.

* - در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۳ محمد داوود خان در مصاحبه با تحلیلگر امریکایی جیمز سپین⁵ پندارش را نسبت به پشتونستان بیان کرد. بگفته این تحلیلگر او در این مصاحبه اش بسیار خونسرد بوده و به پاکستان پیشنهاد کرد در مورد پشتونستان یک ریفراندوم را راه اندازی کند. در این مصاحبه صدراعظم تلاش میکرد علاقمندی امریکاییها را جلب کند، چون او سخت از همکاری نظامی ایالات متحده با کشورهای همسایه ایران و پاکستان در هراس بود. وی از عدم همکاری نظامی امریکه با افغانستان گلایه میکرد. تحلیلگر امریکایی میگفت که محمد داوود خان نمیدانست، چرا امریکا به افغانستان ارزشی قابل نیست. صدراعظم افغانستان میگفت که امریکاییها سیاست شان در قبال افغانستان را پیش از اینکه افغانستان اولویتهایش را در سیاست خارجی با ابر قدرتها بگویند، باید معین کنند. او میگفت که رفع اختلافات پیرامون پشتونستان به سیاست صادقانه پاکستان در این مسأله وابسته است. صدراعظم داوود هم در این مصاحبه و هم در گفتگوها با جانب پاکستانی موقف متعادل را در مورد پشتونستان مراعات میکرد.

* - و ایالات متحده بالاخره موفقش را در قبال افغانستان و پاکستان مشخص ساخت. بتاريخ ۱۹ می سال ۱۹۵۴ امریکا با پاکستان موافقتنامه کمک نظامی را عقد نمود. این امر باعث نگرانی جامعه و زمامداران افغان شد که آنرا بمثابه خطر به صلح و امنیت منطقوی تلقی میکردند.⁶

* - پس از عقد پیمان ترکیه- پاکستان که زیر سرپرستی امریکا صورت گرفت، فشار بالای افغانستان بیشتر شد تا انکشور را برای پیوستن به این پیمان و خودداری از سیاست بیطرفی وادارند.⁷ باید خاطر نشان گردد که جنبش پشتونستان در رأس فقیر ایپی که مبارزه اش را در کوهستانهای منطقه عشایر پیش میبرد، بیشتر یک جریان قبیله یی بود تا ملی. هنوز ملت واحد پشتون وجود نداشت، و نه همه قباایل و سران آنها از پندار مبنی بر ایجاد دولت واحد پشتون، آنهم بدون شالوده دینی دفاع میکردند. کوهنشینان ایجاد حکومت اسلامی پاکستان را چیزی دیگر بغیر از حکومت بیگانه انگلیس میپنداشتند. برای پشتونها مبارزه بر ضد حکومت همکیش دشوار بود، چون شعار جهاد دیگر جذبه نداشت. گرچه فقیر ایپی قادر شد در ماه جنوری ۱۹۵۰ تمام نیروهای پاکستانی را از منطقه قباایل بیرون کند، با آنهم مجبور شد، واقعیت الحاق وزیرستان را به تشکیل پاکستان بپذیرد.

⁴ - Fraser-Tytler W.K. Afghanistan. 3d edition. - New York, 1967. P. 320. -

⁵ - James Spain-

⁶ - История Афганистана с древнейших времен до наших дней / Под ред. Ю.В. Ганковского. - М., 1982.

- تاریخ افغانستان از دوران باستان تا امروز/ تحت نظر ی. و. گانکوفسکی. مسک ۱۹۸۲. ص. ۲۷۱ - ... ۲۷۱ - C.

⁷ - مانجا. -

* - جنبش پشتونستان در کوهستانها را پژوهشگر سویدنی ای. یانسون «تجارت کهن سیاسی اسپها»⁸ مینامد. این جنبش بیشتر در خارج از ساحه قبایل پشتون پاکستان در افغانستان حمایت میگردد و همچنان هند و اتحاد شوروی بنوبه خود آنرا در این راستا پشتیبانی میکردند.

* - افغانستان در دوره صدارت محمد داوود خان دوباره به مسأله پشتونستان پرداخت. پندارها، مرامها و سیاست محمد داوود پیرامون «عضل پشتونستان» که منافع کمتر از نیم نفوس افغانستان را هم بازتاب نمیکرد، باعث تیره گی مناسبات افغانستان با پاکستان که با آنکشور افغانستان روابط تنگاتنگ ملی و مذهبی داشت، شد.⁹

خلیل و داد جنوری سال 2016 شهر لاهه

⁸ - Jansson E. India, Pakistan or Pakhtunistan. - Uppsala, 1981. ۱۹۸۱. نشر اوپسالا،

⁹ - Fraser-Tytler W.K. Afghanistan. 3d edition. - New York, 1967. P. 320. -

۳.۲ مناسبات افغانستان با کشورهای غربی

در مرحله نخستین حکومت محمد داوود افغانستان و آلمان غرب فعالانه بهم نزدیک شدند. در سال ۱۹۵۴ در لندن میان سفارت‌های دو کشور تبادل نامه‌ها پیرامون برقراری مناسبات دیپلماتیک صورت گرفت. در ماه سپتامبر ۱۹۵۴ حکومت افغانستان اگریمان سفیر جمهوری فدرال آلمان هرمان کیورینگ را صادر کرد.¹⁰ همچنان پس از نیم سال حکومت آلمان غرب اگریمان وزیر صحت عامه غلام فاروق را که بحیث سفیر افغانستان در بن تعیین شده بود، نیز صادر نمود.¹¹ بقول روزنامه انیس در ماه دسامبر سال ۱۹۵۴ سرپرست وزارت اقتصاد عبدالرووف هنگام سفر به آلمان غرب طی یک کنفرانس مطبوعاتی از گسترش همکاریهای اقتصادی میان افغانستان و آلمان فدرال در عرصه‌های پلانگذاری و ساختمان مؤسسات صنعتی، راه‌ها، ساختارهای آبرسانی و غیره پروژها در ولایات شمال افغانستان سخن زد.¹²

در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۵ سرپرست وزارت مالیه عبدالملک و رییس اداره تجارت وزارت اقتصاد ملی محمد سرور به آلمان غرب برای یک سفر کاری رفتند.¹³

همچنان در اکتوبر ۱۹۵۵ وزارت فواید عامه افغانستان با شرکت آلمانی «کوکس» قراردادی را در باره کارهای پژوهشی و آماده سازی طرح پروژه آبیاری امض نمودند.¹⁴ در همانسال بر مبنای قرارداد عقد شده با کمپنی «کوکس»، نخستین گروه انجیران آلمان غربی برای طرح پروژه ساختمان میدان هوایی به کابل آمدند.¹⁵ بر علاوه وزارت فواید عامه قرارداد دیگری را با شرکت آلمانی زیمنس درباره ساختمان عمارت نو مهمانخانه کابل و ساختمان جدید با تجهیزات نو تیلیفونخانه مرکزی عقد نمود.¹⁶ همچنان با شرکت نامبرده زیمنس قرارداد ساختمان خط تیلیفون میان کابل- مزار شریف¹⁷ و تمدید خط تیلیفون- تلگراف میان کابل- قندهار- سپین بولدک بسته شد.¹⁸

در سال ۱۹۵۷ هیأت اقتصادی آلمان فدرال به کابل آمد.¹⁹ به منظور گسترش همکاریهای تکنیکی، اقتصادی و بازرگانی در ماه می همان سال نیروگاه برق سروبی که بهمکاری شرکت زیمنس ساخته شده و برق کابل را تأمین میکرد، به بهره برداری سپرده شد. در مراسم گشایش این نیروگاه رییس شرکت پیتر فون زیمنس شخصاً اشتراک کرده بود.²⁰ در همانسال شاروالی (شهرداری) کابل قراردادی را با شرکت نامبرده برای تأمین تجهیزات برقی و دستگاههای سینمایی²¹، تنویر شهر و همچنان تهیه دستگاههای رادیویی موج کوتاه بست.²² علاوه بر این میان شاروالی کابل و شرکت آلمانی دیگر موسوم به «هاینمان» نیز قراردادی پیرامون ساختمان مرکز گرمی آبی مسجد جامع پل خشتی امضا شد.²³

در سال ۱۹۵۷ میان افغانستان و آلمان فدرال معاهده تأمین وسایل سیستم کانالیزاسیون کابل و همچنان میان شرکت کوکس و وزارت فواید عامه قراردادی پیرامون ساختمان و بازسازی پوهنتون (دانشگاه) کابل عقد شد.²⁴

¹⁰ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۵۴ -

¹¹ - انیس مورخ ۹ فیبروری سال ۱۹۵۵ -

¹² - روزنامه انیس مورخ ۲۰ دسامبر سال ۱۹۵۴ -

¹³ - روزنامه اصلاح مورخ ۲۴ اکتوبر سال ۱۹۵۵ -

¹⁴ - روزنامه انیس مورخ ۳۰ اکتوبر سال ۱۹۵۵ -

¹⁵ - روزنامه اصلاح مورخ ۳۱ اکتوبر سال ۱۹۵۵ -

¹⁶ - روزنامه اصلاح مورخ ۲۷ فیبروری سال ۱۹۵۵ -

¹⁷ - روزنامه انیس مورخ ۲۶ اکتوبر سال ۱۹۵۵ -

¹⁸ - روزنامه اصلاح ۱۵ فیبروری سال ۱۹۵۶ -

¹⁹ - انیس مورخ ۸ می سال ۱۹۵۷ -

²⁰ - آرشیف وزارت خارجه روسیه: АВП РФ. . Ф. 042. Оп. 69. Д. 1. П. ... -

²¹ - همانجا -

²² - همانجا -

²³ - همانجا -

²⁴ - همانجا -

همچنان آلمان غرب به افغانستان در آموزش قطعات و واحدهای وزارت داخله کمک فعال می‌سازد. در سال ۱۹۵۷ بنا به دعوت قوماندانی عمومی ژاندارم و پولیس مشاور آلمانی در امور ژاندارم آلبرت ویزیل به کابل آمد.²⁵

بکمک آلمان غرب در کابل مکتب میخانیکی ساخته شد که مدیر آن کارشناس آلمانی هرمان دیتریخ بود. پسانها کاردار سفارت آلمان فدرال از مکتب میخانیکی بازدید کرده و به رییس تعلیمات تخنیکی و وزیر معارف محمد حیدر مواد آموزشی بصری تخنیکی را با تجهیزات لابراتواری بخشید.²⁶

طوریکه از نمونه های بالا برمیآید، محمد داوود علاقمندی اش را به آلمانها پنهان نکرده و در زمان صدارتش بطور همه جانبه میکوشید تا این مناسبات را گسترده تر ساخته و تحکیم بخشد.

مناسبات افغانستان با کشور بزرگ دیگر غربی- فرانسه بنابر سیاست سرکوبگرانهء حکومت آنکشور در مراکش (مغرب) و الجزایر و بدلیل آنکه حکومت افغانستان از تلاشهای مردم مسلمان اینکشور برای استقلال پشتیبانی میکرد، تیره بود. در ماه سپتامبر ۱۹۵۵ وزارت خارجه افغانستان به سفیرانش در فرانسه، انگلستان و ایالات متحده امریکا دستور داد که به حکومت اینکشور ها نگرانی حکومت افغانستان بعلت رویدادهای شمال افریقا را بیان نمایند.²⁷ در سال ۱۹۵۶ صدراعظم هند ج. لعل نهر و پیشنهادی را مبنی بر حل صلح آمیز مسأله الجزایر طرح کرد، که هدف آن پشتیبانی از دولتهای شمال افریقا برای استقلال شان بود. افغانستان ازین ابتکار حمایت کلی اش را اعلام کرد.

مگر صرفنظر از موضع جدی حکومت محمد داوود خان در برابر سیاست استعماری فوانسه در مراکش و الجزایر و پشتیبانی کابل از موضع مصر در مسأله کانال سویز، افغانستان میکوشید با فرانسه مناسباتش را گسترده سازد. چنانچه بتاريخ ۶ جنوری سال ۱۹۵۹ نخستین قرارداد بازرگانی و همکاری تخنیکی میان افغانستان و فرانسه عقد شد. این قرار داد را از سوی افغانستان وزیر تجارت شیرزاد و از طرف فرانسه سفیر فرانسه در کابل کریستیان پل امضاً نمودند.²⁸

تا اینزمان افغانستان در درازنای سالیان زیاد بصورت عنعنوی مناسبات گرم با فرانسه داشت، بویژه در عرصه های تخنیکی، فرهنگی و علمی. آموزگاران، طبیبان و باستانشناسان فرانسوی در افغانستان کار کرده و به افغانها در بخشهای گوناگون کمک میکردند. بسیاری از دانشجویان افغانی و منجمه شخص ظاهرشاه و صدراعظم محمد داوود همانسانیکه

²⁵ آرشیف وزارت خارجه روسیه: -...: 83, 1. П. 69, Д. 042. Оп. 1957. Ф. АВП РФ.

²⁶ - همچنا.

²⁷ - روزنامه اصلاح مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۵۵.

²⁸ - یادداشت مترجم:

قابل یاد آورست که در دوره صدارت سردار محمد داوود مناسبات افغانستان با کشورهای دیگر اروپایی نیز آغاز شده و با تحکیم یافتند.

چنانچه در پایان سال ۱۹۵۴ سفیر افغانستان در انگلستان نجیب الله (تورویانا) از همتای هالندی اش در لندن وزیر پیشین امور خارجه آقای د. ا. ستیکر درخواست نمود ببیند، آیا دولت هالند آماده است روابط متقابل دیپلماتیک با افغانستان را ایجاد کند. نجیب الله در مذاکرات سال ۱۹۵۰ با لامپینگ سهیم بوده و بناً پیشبرد طرحهای قبلاً ارایه شده را پیشنهاد میکرد. او در نظر داشت همزمان بحیث سفیر غیر مقیم در دنهاگ (لااهه) ایفای وظیفه کند. در ماه جولای ۱۹۵۵ جلسه نهایی دیپارتمنت جنرال سکرتری (وزارت امور خارجه) تصمیم نهایی را گرفته و فیصله نمود که به دهلی جدید مأموریت نمایندگی غیر مقیم در کابل نیز واگذار شود. بدلیل سیاسی گزینه اینکه سفارت کراچی نمایندگی هالند را کند، رد شده و طرح تهران بععل عملی و بویژه فقدان راه مناسب مواصلاتی غیر معقول پنداشته شد. بناً گزینه دهلی بمثابه بازیگر بزرگ سیاسی در این عرصه با در نظر داشت اینکه افغانها خود دهلی نو را ترجیح میدادند بمیان آمد.

بالآخره هلیب (سفیر هالند در دهلی)، در سال ۱۹۵۶ بکار آغاز کرده و در ماه اکتوبر همانسال به کابل رفت تا اعتماد نامه اش را بحیث سفیر غیر مقیم تقدیم حکومت افغانستان کند. این کار در واقع آغاز عملی روابط سیاسی و قونسلوی افغانستان و هالند بود.

پسانها جانشین هلیب یونکر خ. بیلایرتس فان بلوکلاند در ماه اپریل ۱۹۶۱ در کابل پس از ۱۱ روز انتظار قادر شد، اعتمادنامه اش را بحیث سفیر (غیرمقیم) به شاه افغانستان تقدیم کند. دیده شود: فراز و فرود تاریخی، مناسبات دوجانبه افغانستان- هالند، اثر آ. ث. فان در زوان، ترجمه خلیل وداد سایت کابل ناته:

بیشتر یادآوری شد در فرانسه آموزش دیده بودند.²⁹ آنها از نزدیک با فرهنگ و رسوم فرانسه آشنایی داشتند که در امر داشتن مناسبات دوستانه میان دو کشور مؤثر بود.

در هنگام صدارت محمد داوود مسأله انکشاف مناسبات متقابلاً مفید میان افغانستان و فرانسه و عقد قراردادی برای همکاریهای بازرگانی و تخنیکی بمیان آمد.³⁰ عقد قرارداد یاد شده بتاريخ ۶ جنوری سال ۱۹۵۹ گام مهمی در راستای تحکیم روابط میان دو کشور بود. با بستن این قرارداد، افغانستان امکان آنرا بدست آورد تا نه تنها کمکهای تخنیکی را بدست آورد، بلکه میتوانست به فرانسه، مواد خام مانند پشم، پنبه، قره قل، پوستهای حیوانات دیگر، میوههای خشک، نباتات دارویی و دانه های روغنی که فرانسه به آنها ضرورت داشت صادر کرده و از آنجا فرآوردههای صنعتی فرانسوی مانند تجهیزات و وسایل ساختمان بند و انهار، ابزار برقی، سامانها و ماشینها برای پیشبرد کارهای عام المنفعه، وسایل تخنیکی برای کشف و استخراج نفت، تجهیزات و وسایل لازمی برای امور کشاورزی، مخابرات، هوانوردی، وسایل لازمی برای کشف معادن، تجهیزات برای صنایع نساجی، موترها، ظروف چینی، رابر، مواد کیمیایی و خوراکی را وارد نماید.³¹

در زمانیکه نرخ فرانک پول رایج فرانسوی، کاهش یافته بود، این قرار داد عامل مؤثری در افزایش خریداری کالاهای فرانسوی شد که افغانستان هم به این فرآوردهها و هم فروش کالاهای افغانی سخت ضرورت داشت.

در آنروزها در بسیاری از کشورهای جهان از رهبر کاریزماتیک فرانسه جنرال دوگل به نیکی یاد میکردند. زمانیکه او بقدرت رسید حکومت محمد داوود خان امیدوار بود که معضل الجزایر حل و فصل خواهد شد. در آنوقت مردم الجزایر برضد تسلط فرانسه مبارزه میکرد. زمانی که جنرال دوگل پست نو اش را احراز کرد، مبارزه در الجزایر حادثتر از گذشته شد.³² حکومت محمد داوود همانند کشورهای بیشمار اسلامی نگران آن بود که رهبر نو فرانسه کدام مشی را پیشرو خواهد گرفت. گرچه رهبری فرانسه در آنزمان بفعالیتش برضد جنبش آزادیبخش الجزایر ادامه داد، مگر محمد داوود امیدوار بود که حکومت فرانسه به اقدامات عاقلانه یی برای حل این معضل دست یازد. در نتیجه این مسأله مطابق خواست مردم الجزایر حل و فصل شده و آندولت استقلالش را بدست آورد.³³

۲.۴ روابط افغانستان به ابرقدرتها

حتی در پایان سالهای ۴۰ در کابل از تلاشهای متجاوزانه مسکو میهراسیدند. در اینباره عبدالمجید زابلی وزیر اقتصاد هنگام سفر سال ۱۹۴۸ اش که تلاش داشت قرضه یی باندازه ۱۱۸ میلیون دالر را بدست آورد، یادآوری کرده بود. وزیر نامبرده همچنان تقاضای کمک نظامی را برای امنیت داخلی در صورت شورش ممکن قیابل کرده بود. مگر واشنگتن به یک تهدید توانمند دیگر یعنی تهدید شوروی علاقمند بود. و این موضوع را عبدالمجید زابلی بخوبی درک میکرد، چنانچه او گفته بود که افغانستان میتواند در یک جنگ احتمالی علیه شوراهای نقش مثبتی را بازی کند: «افغانستان خوب تسلیح شده و مورد حمایت ایالات متحده امریکا میتواند، از پیشروی شورویها بسوی هندوکش جلوگیری کند و این امر سهمی به پیروزی نیروهای مسلح غرب است... البته، زمانیکه جنگ آغاز شود، افغانستان میتواند، شکست بخورد و اشغال شود. مگر روسها توان آنرا نخواهند داشت تا اینکشور را مطیع خود سازند. افغانستان میتواند و توانایی آنرا دارد تا یک جنگ پارتیزانی (چریکی) را در درازمدت به پیش ببرد».³⁴

۲۹ - امین الله دریچ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور ۲۰۰۷ م. ص. ۳۰۴ -

۳۰ - روزنامه اصلاح، مورخ ۸ جنوری ۱۹۵۹ م. -

۳۱ - همانجا: روزنامه اصلاح، مورخ ۸ جنوری ۱۹۵۹ م. -

۳۲ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۳ جنوری سال ۱۹۵۹ م. -

۳۳ - خیرنامه مطبوعاتی افغانستان مورخ ۱۳ جنوری سال شماره ۹، ۱۹۵۹ -

۳۴ - امین الله دریچ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور ۲۰۰۷ م. ص. ۳۳۸ -

امین الله دریچ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ۲۰۰۷ م. ص. ۳۳۸ -

مگر اداره ترومن علاقه‌ی بی‌برداشت‌های احساساتی و امکانات توانمند افغانستان که توسط وزیر افغان شدند، نشان نداد. برای ایالات متحده امریکا معضلات هند و پاکستان اولویت داشته و افغانستان در آن زمان برایشان کدام ارزش ویژه و یا استراتژیکی را نداشت.

اداره واشنگتن به افغانستان توصیه کرد، در صورت جنگ با اتحادشوروی موقف بیطرفی اش را حفظ کند. همزمان امریکا نمیخواست با افغانستان بسیار نزدیک شود، چون میهراسید، هر نوع فعالیت غرب در اینکشور شاهی باعث تحریک اقدامات شورویها برای استقرار کنترل شان شود، چون از نگاه جیوپولیتیکی اتحادشوروی بمراتب نزدیکتر به افغانستان بود.

درسالهای ۵۰ سفارت ایالات متحده در کابل شرایطی را به حکومت افغانستان پیشنهاد کرد که در صورت قبول آنها اینکشور اسلحه امریکایی را بدست میآورد: جلوگیری از نفوذ اتحاد شوروی؛ برقراری مناسبات دوستانه با امریکا؛ تامین امنیت داخلی در کشور و جستجوی راههای حل معضله رویارویی افغانستان- پاکستان.³⁵

گرچه ایالات متحده و افغانستان پیش از پیدایش پاکستان روابط شان را برقرار کرده بودند، پس از ایجاد آنکشور (پاکستان. مترجم) ایالات متحده امریکا علاقمند انکشاف فعال همکاری با افغانستان بویژه در عرصه نظامی نبود. پاکستان برای ایالات متحده امریکا به نزدیکترین متحد در منطقه تبدیل شد، بنابراین امریکا به اینکشور کمکهای فزاینده‌ی بی‌ازجمله در امر تقابل فزاینده آن با افغانستان روی مسأله «خط دیورند» و پشتونستان ارائه میکرد.

در سال ۱۹۴۹ در زمانیکه بحران سیاسی میان افغانستان و پاکستان پیرامون معضله پشتونستان بوجود آمد، کابل نگران توان نظامی اش بود. در گام نخست محمد نعیم خان بوسیله سفیرش در واشنگتن از ایالات متحده خواستار کمک شد. همچنان محمد داوود خان که در آنزمان در کابینه شاه محمود خان وزیر دفاع بود، از ایالات متحده امریکا تقاضای خرید اسلحه را کرد. پیش از این در سال ۱۹۴۷ زمانیکه صدراعظم شاه محمود خان سفر کاری به ایالات متحده داشته، از امریکا خواستار کمک نظامی شده بود، واشنگتن علاقمند دادن کمک نشده و برای ارائه آن یکسلسله شرایط سخت را پیشکش نمود: صد درصد پیش پرداخت خریداری اسلحه، انتقال آنها با امکانات خودی تا افغانستان و دادن ضمانت از سوی ملل متحد که اسلحه نامبرده فقط به اهداف دفاعی بکار خواهد رفت.³⁶

خودداری ایالات متحده از دادن اسلحه به افغانستان نشان داد که باوجود آرزومندی افغانستان آنکشور علاقمند گسترش همکاری نظامی نیست. بدون همکاری ایالات متحده افغانستان نمیتوانست، ترانزیت اسلحه امریکایی از طریق بندر کراچی و یا انتقال آن از راه ایران را ممکن سازد. هویدا بود که امریکاییها بخاطر همسویی روابط شان با پاکستان نمیخواستند به افغانستان کمک کنند.

در سال ۱۹۵۰ ایالات متحده با گسیل نم‌اینده شان به کابل نقش میانجی در رویارویی افغانستان و پاکستان را بعهده گرفت. بوعلاوه، اهداف استراتژیکی واشنگتن فراتر از معضل پشتونستان بود. با تشویق کابل به اینکه به تقاضای پاکستان پاسخ مثبت دهد، امریکا حتی در آنزمان میخواست افغانستان را به بلوک نظامی ساخته و پرداخته خودش که قرار بود، ساحه‌ی «از باسفور تا کشمیر» شامل ترکیه، ایران، افغانستان و پاکستان را دربر گیرد، بکشاند. مگر کابل به امر پیوستن به برنامه‌های استراتژیکی غرب در منطقه آمادگی نشان نداد، چون امیدوار پشتیبانی ایالات متحده از داعیه پشتونستان نبود.³⁷

در سال ۱۹۵۳ صدراعظم محمد داوود خان از خطر همکاری یکجانبه ایالات متحده و پاکستان که بی‌ثباتی و برتری نظامی پاکستان نسبت به افغانستان را دربر داشت، گفته و از امریکا خواست با افغانستان نیز همکاری نماید. مگر امریکاییها باز هم از پذیرش این درخواست به بهانه مسأله ناهل پشتونستان خودداری کردند.

35- امین الله دریخ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ۲۰۰۷ م. ص. ۳۰۱-۳۰۲.

36- محمد اکرام اندیشمند، ما و پاکستان سال ۲۰۰۷، ۲۶۲-۲۶۳.

37- Коргунов В.Г. История Афганистана XX век. - М., 2004. С. 301.

کارگون و. گ. تاریخ افغانستان در قرن بیست. م. سال ۲۰۰۴. ص. ۳۰۱.

در ماه دسامبر ۱۹۵۴ معاون رییس جمهور امریکا ریچارد نیکسن از کابل بازدید کرد.³⁸ در جریان مذاکرات طرفین مسأله کمک اقتصادی به افغانستان را بحث نمودند. با تماس به معضله افغانستان- پاکستان، نیکسن پیشنهاد کرد، بهتر است، افغانستان با خودداری از خواسته‌هایش پیرامون پشتونستان به رفع تنش میان دو کشور کمک کند. این موضع نیکسن برای محمد داوود غیر قابل پذیرش بوده و او را وداشت بزودی برای جلب کمک به اتحاد شوروی مراجعه کند. نیکسن در مصاحبه با آمر ژانس باختر سید قاسم رشتیا در برابر سواش که منافع ایالات متحده در افغانستان چیست، پاسخ داد: «افغانستان خیلی از ما دور است. برای ما دشوار است در این کشور منافع داشته باشیم».³⁹

«شما از افغانستان بازدید کردید و میدانید که این کشور آزادیخواه است که توانسته از استعمار جهانی استقلالش را بدست آورد. پندار شما درباره این کشور چیست؟». «این برایم رومانتیک است، مگر ما از تلاش افغانستان برای استقلال پشتیبانی میکنیم».

در پاسخ به آخرین پرسش مبنی بر اینکه آیا ایالات متحده امریکا حاضر است در این کشور سرمایه گذاری کند، نیکسن گفت: «ما نمیتوانیم در کشوری سرمایه گذاری کنیم که قوانین اش را نمیدانیم. تا زمانیکه ضمانتهای لازم را نداشته باشیم، نمیتوانیم سرمایه گذاری کنیم». این موضوع را پسانها کارمند برجسته اداره دولتی ایالات متحده امریکا و کارمند پیشین سفارت امریکا در کابل لیون پولادا نیز تأیید کرد.⁴⁰

در سالهای ۶۰ در اسناد محرم وزارت خارجه امریکا که پسانها علنی شدند، دیپلمات امریکایی در افغانستان اگنوس وان وارد⁴¹ به حکومتش توصیه میکرد در امر برقراری مناسبات عادی میان افغانستان و پاکستان همکاری کرده و همچنان در عرصه نظامی به افغانستان کمک کند چونکه به نظرش کمک نظامی به افغانستان به حل رویارویی با پاکستان کمک میکند. مگر رهبری واشنگتن مشورتهایش را نادره گرفت. در آنسالها افغانستان بارها برای جلب کمک نظامی به ایالات متحده مراجعه کرد، مگر شرط امریکا برای این کمک چشمپوشی افغانستان از داعیه پشتونستان بود. با اینهم مذاکرات با ایالات متحده در سطوح گوناگون پیشبرده میشدند. مگر شرایط اعطای کمک نظامی همچنان برای افغانستان غیر قابل پذیرش بودند.⁴²

ایالات متحده با دقت مراقب روابط کابل و کراچی (پایتخت آنزمان پاکستان. مترجم) پیرامون پشتونستان بود. به این منظور در کابل چهره‌های رسمی و غیر رسمی ایالات متحده حضور یافتند. چنانچه وان انگرت عضو انجمن دوستان شرق میانه و فرستاده پیشین ایالات متحده امریکا در افغانستان به کابل آمد.⁴³ همچنان بتاریخ ۲۴ جون ۱۹۵۴ نیکولس ج. تیتچر کارمند اداره دولتی ایالات متحده برای بررسی حجم کمکهای ممکن امریکا از کابل دیدن کرد.⁴⁴ در ماه جولای ۱۹۵۴ مقاله‌یی در روزنامه انیس⁴⁵ نشر شد که در آن خبر داده شده بود، نویسنده امریکایی دونالد ویلبر که سه سال پیش از آن به این کشور آمده و کتابی و یک سلسله مقالات در باره افغانستان نوشته است، دوباره آمده است. اینبار وی گویا برای پژوهش تاریخ و انتوگرافی پشتونستان آمده بود. پس از یکماه اداره عملیات خارجی ایالات متحده شش نفر کارشناسش را برای کمک تخنیکی و اجرای پروژه وادی هلمند گسیل کرد.⁴⁶

بتاریخ 25 اکتوبر ۱۹۵۴ ویلیام سپین عضو سازمان خاورمیانه (فوند فوردر) وابسته به دانشگاه کولمبیا و اتنوگراف که مسأله پشتونستان را تحقیق میکرد، به کابل آمد.⁴⁷

38- روزنامه انیس مورخ ۱۴ دسامبر سال ۱۹۵۴ م.-.

39- ظاهر طنین. افغانستان در قرن بیستم. (۱۹۹۶-۱۹۰۰)، تهران سال ۲۰۰۴ م. ص. ۱۰۵.

40- Poullada, Leon B. Afghanistan and the United States: the Crucial Years // The Middle East Journal.- Spring 1981 Vol. 35, №2. C. 184.

41- Agnus van Ward-

42- امین الله دریچ. افغانستان در قرن بیستم. پیشاور ۲۰۰۷ م. ص. ۳۳۸.

43- آرشیف وزارت خارجه اتحاد شوروی: ABП PФ. Ф. 042. 1954. Оп. 666. Д. 1. П. 83...

44- همانجا...

45- همانجا...

46- خبرنامه سفارت امریکا در کابل 24 جولای سال ۱۹۵۴.

47- همانجا.

در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۴ باز هم افغانستان از ایالات متحده تقاضای کمک تسلیحاتی کرده و به این منظور محمد داوود برادرش محمد نعیم خان را از کابل فرستاد، تا وی با وزیر خارجه ایالات متحده جورج فوستر داليس در بنباره مذاکره کند. پس از دوماه بالاخره امریکاییها به جانب افغانی و همچنان سفیر پاکستان در واشنگتن از نتیجه گفتگوها چنین خبر دادند: «پس از بررسی همه جانبه درباره کمک نظامی ایالات متحده به افغانستان تصمیم گرفته خواهد شد». ولی داليس روی خودداری افغانستان از داعیه پشتونستان پافشاری میکرد. افغانستان از سوی خود نارضایتی جدی اش را بخاطر افشای مواد مذاکرات پیرامون تحویل اسلحه اعلام کرد.⁴⁸

در ماه نوامبر سال ۱۹۵۴ نماینده اداره شهرداریهای امریکا روبرت کلیفورد⁴⁹ به کابل آمد. همچنان نمایندگان ویژه رییس جمهور و وزیر خارجه امریکا مانند جیسینت، ماگگی و ریچارد برای مذاکرات و مشوره با رهبران افغانستان به کابل آمدند، تا آنها را معتقد سازند، مسأله پشتونستان را از اجندای شان بردارند، چون پاکستان یگانه دهلیز رساندن انواع گوناگون کالاها از ایالات متحده امریکا بود.

ریچاردز جیمز⁵⁰ با مقامات رسمی افغانستان پیرامون دکترین آیزنهاور مذاکراتی را پیرامون کمک مستقیم به افغانستان در صورت «تهدید کمونیستی» پیش میبرد. برای بحث روی این دکترین محمد داوود جلسه شورای وزیران را دایر کرد. در نتیجه فیصله شد، افغانستان در صورتی پیشنهاد ایالات متحده را بپذیرد که از آن واژه «تهدید کمونیستی» برداشته شود، چون افغانستان را نه اتحادشوروی و نه چین تهدید میکنند. پس از آن امریکاییها با درک نزاکت مسأله از پیشبرد بیشتر مذاکرات خودداری کردند.⁵¹

مرام نمایندگان نامبرده امریکایی آن بود که افغانستان را تطمیع نمایند تا دکترین آیزنهاور را با اصول همکاریهای اقتصادی آن بپذیرد.

محمد داوود سیاست بیطرفی را حفظ کرده و تلاش میکرد مناسبات عادی را با ایالات متحده برقرار کند. او مینداشت که با پیشبرد سیاست عدم انسلاک میتوان به همکاری اقتصادی هردو ابر قدرت امیدوار بود. محمد داوود همانند سلف اش شاه محمود برای پیشبرد موفقانه سیاست اقتصادی و بویژه مدرنیزه کردن اردو میخواست از امریکا کمک بگیرد، مگر بقول برادر زاده اش عزیز نعیم، ایالات متحده درخواستهایش را برای دفاع از منافع ملی افغانستان نپذیرفته و به آنکشور پیشنهاد کرد تا بعضویت پیمان بغداد درآید.⁵² واشنگتن با درک بیهودگی تلاشهایش بویژه پس از تدویر لویه جرگه سال ۱۹۵۵ که بدوام بیطرفی افغانستان تأکید کرد، بتدریج از فشارش بالای اینکشور کاست مگر تلاشهایش را برای کشاندن افغانستان به ساحه نفوذش ادامه داد.⁵³

در سال ۱۹۵۵ میان دوکشور یک اختلاف نظر دیگر نیز پدید آمد. افغانستان مخالف جدی برسمیت شناختن اسرائیل بود. پیرامون این مسأله مبارزه شدید سیاسی درگرفت. در ماه جنوری حکومت افغانستان به حکومت انگلستان و امریکا بخاطر دادن اعتماد نامه سفیران شان جهت کار در اسرائیل احتجاج کرد.⁵⁴ سپس فعال سیاسی امریکایی خانم او. لورد به کابل آمد و با وزیر امور خارجه و اعضای دیگر حکومت ملاقات کرد. او. لورد با آنها مسایل مربوط به روابط امریکا و افغانستان را بحث کرده و بقول برخی منابع این خانم در گفتگوها با محمد نعیم خان موضع ایالات متحده را نسبت به اسرائیل توضیح داد.⁵⁵ همچنان یک گروه از اعضای کنگره امریکا به کابل آمده و با صدراعظم ملاقات کردند.⁵⁶ وکلای امریکایی سپس برای مذاکرات بعدی راهی دهلی شدند.⁵⁷

در ماه نوامبر سال ۱۹۵۵ سفیر ایالات متحده در کابل انگوس اوورد با محمد ظاهر شاه ملاقات کرده و مواضع امریکا را پیرامون پشتونستان و اسرائیل توضیح داد.⁵⁸ بقول یک کارمند سفارت امریکا در افغانستان که نخواست نامش افشا شود،

48 - امین الله دریچہ. افغانستان در قرن بیستم. پیشاور ۲۰۰۷. ص. ۳۳۹ - ۳۴۰

49 - انیس مورخ ۲ نوامبر سال ۱۹۵۴ م. -

50 - Richards James-

51 - امین الله دریچہ. افغانستان در قرن بیستم. پیشاور ۲۰۰۷. ص. ۳۴۵

52 - ظاهر طنین. افغانستان در قرن بیستم. (۱۹۹۶-۱۹۰۰)، تهران سال ۲۰۰۴. ص. ۱۰۴ -

53 - Арунова М.Р. Афганская политика США в 1999-1945 гг. - М., 2000. С. 7.

ارونوف م. ر. سیاست امریکا در قبال افغانستان (۱۹۴۵-۱۹۹۹) مسکو ص ۷، ۲۰۰۰

54 - روزنامه اصلاح مورخ ۱۳ جنوری، سال ۱۹۵۵ م. -

55 - روزنامه انیس، مورخ ۱۱ جنوری سال ۱۹۵۵ م. -

56 - آرشیف وزارت خارجه روسیه... 83. Д. 1. П. 83. АВП РФ. Ф. 042. 1954. Оп. 666.

57 - روزنامه انیس مورخ ۱۳ نوامبر سال ۱۹۵۵ م. -

58 - روزنامه انیس مورخ ۲۶ نوامبر سال ۱۹۵۵ م. -

اگوس اوورد، «داوود را نفرین کرده، او را آدم محیل، نا مطمئن و بیبروا مینداشت.» و «دفتر سی. آی. ای. در کابل که بالای اوورد تأثیر بزرگی داشت، همراه با همکاران پاکستانی اش و مخالفان خانواده شاهي دست به توطئه میزد تا رژیم داوود را «بیثبات» سازند. بقول پروفیسور ل. پولادا «انچنین اقدامات امریت دفتر سی. آی. ای. بازیگوشی ناشی از دایم الخمری و کراکتر کوابایی نبوده»⁵⁹ بلکه بکلی مطابق مشی رسمی اداره امریکا پیرامون افغانستان بود.

در سال ۱۹۵۶ زمانیکه آ. اوورد در ملاقات تودییی پیش از برگشت به وطنش با لحن آمرانه به محمد داوود توصیه کرد از کمکهای تخنیکي- اقتصادی و نظامی شوروی خودداری نماید، داوود به همصحبش با تعقل و منطق از خودداری امریکا برای دادن چنین کمکها یادآوری کرده و با قاطعیت توصیه های خودخواهانه آنرا همچون «هیستری امریکایی» رد کرد.

محمد داوود از واقعیت دلایل اقدامات ایالات متحده نسبت به افغانستان بخوبی آگاه بود. مگر همزمان نمیتوانست به تحقیر و خواری به آدرسش از هر جانبی که میبود، تن دهد و کسی را که چنین کاری میکرد با عمل همانند پاسخ میداد. مگر برخورد امریکا نسبت به معضل پشتونستان برای افغانستان همچنان مهمترین مشکل بود. زمانیکه تمام تلاشهای امریکا برای کشاندن افغانستان به بلوکهای نظامی ناکام مانده و پاکستان عضو سیاتو و پیمان بغداد شد، ایالات متحده از پاکستان در امر ایجاد «پاکستان غربی واحد (یونت)» حمایت کرد.⁶⁰

بتاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۵۵ واشنگتن دوباره آمادگی خویش را برای میانجیگری در رویارویی پاکستان و افغانستان نشان داد. بتاریخ ۶ مارچ ۱۹۵۶ سازمان نظامی سنتو که پاکستان عضو اش بود، اعلام کرد خط دیورند را همچون مرز رسمی دوکشور برسمیت میشناسد.⁶¹

در اینزمان پاکستان دوباره مرزش با افغانستان را برست. این امر باعث ترانزیت کالاهای افغانستان از طریق خاک اتحادشوروی شد. حکومت شوروی به این کار موافقت کرد. افغانستان با ایالات متحده امریکا معاهده پی داشت برای کمکهای اقتصادی. مگر این کمک را نمیشد از طریق خاک اتحادشوروی انتقال داد، بنابراین امریکا برای انتقال ترانزیت کالاهایش از خاک ایران دست بکار شد.

ایالات متحده با ادامه و عدهء کمک به افغانستان از اینکشور تقاضا میکرد تا از ادعایش در مقابل پاکستان از داعیه پشتونستان بگذرد. بتاریخ ۹ فیروری ۱۹۵۷ دیپلمات بانفوذ امریکایی چیستر بوولز که درگذشته سفیر امریکا در هند بود، تلاش نمود تا در مسأله ترانزیت کالاهای امریکایی و هندی از خاک پاکستان به افغانستان میانجیگری کند. به این منظور او به کابل آمد. بدنبال وی مسوول اداره همکاریهای بین المللی هالستر نیز بکابل آمد.⁶² همچنان نماینده ویژه رییس جمهور امریکا ریچاردز به کابل آمده، با شاه و صدراعظم ملاقات کرده و از آنجا به پیشاور رفت.⁶³ در اعلامیه مشترک نشرشده در کابل از طرف ایالات متحده اعلام شده بود، که آنکشور از «استقلال افغانستان حمایت میکند».

در مقابل سفر ریچاردز پادشاه افغانستان از کاکایش شاه محمود خان صدر اعظم پیشین خواست تا به امریکا سفر کرده و با شخص رییس جمهور آیزنهاور ملاقات کند. و در ماه فیروری سال ۱۹۵۸ صدر اعظم محمد داوود دعوتنامه د. آیزنهاور را برای بازدید از واشنگتن بدست آورد. بتاریخ ۲۴ جون ۱۹۵۸ محمد داوود به امریکا سفر کرد.⁶⁴ او با رییس جمهور د. آیزنهاور و وزیر خارجه آ. داللس و رییس بانک صادرات و واردات امریکا س. اووگ گفتگو کرده، در کنگره امریکا و سنای آن بیانیه داده و با داللس قرارداد همکاریهای فرهنگی را امضا کرد.⁶⁵

در ماه اکتوبر سال ۱۹۶۱ در اوج تشنج نوبتی مناسبات افغانستان و پاکستان رییس جمهور امریکا جان کنیدی کمک میانجیگرانه اش را پیشکش نمود.⁶⁶ پیشنهاد وی پذیرفته شده و بتاریخ ۲ نوامبر نماینده اداره ایالات متحده لیوینگستون

⁵⁹- Poullada, Leon B. Afghanistan and the United States: the Crucial Years // The Middle East Journal. - Spring 1981. Vol. 35, N^o2. C.184.

⁶⁰- غبار . میر غلام محمد افغانستان در مسیر تاریخ. کابل، ۱۹۶۷، ص. ۳۲۸.

⁶¹- Корзун В.Г. История Афганистана XX век. - М., 2004. С. 320

⁶²- روزنامه انیس مورخ ۱۸ فیروری سال ۱۹۵۷ م.

⁶³- روزنامه انیس از ۳۱ مارچ ۱۹۵۷ و ۳ اپریل ۱۹۵۷ م.

⁶⁴- روزنامه اصلاح مورخ ۲۵ فیروری سال ۱۹۵۸ م.

⁶⁵-Ghaus, Abdul Samad. The Fall of Afghanistan. Pergamon-Brassey's Defense Publishers. - Virginia, USA.

1988. C. 87

⁶⁶-Adamec L.W. Historical dictionary of Afghanistan. 2d edition. - Lanham, London, 1970 C. 360

میرچانت⁶⁷ از پایتختهای هردو کشور بازدید کرد. مگر عادی سازی روابط دوکشور عملی نشد. حکومت افغانستان برای این منظور باز نمودن مرزها را همچون پیش شرط طرح کرد، مگر حکومت پاکستان به این امر تن نداد. قابل یاددانهایی است که با وجود علاقمندی به عادی سازی روابط افغانستان و پاکستان آمریکا اینبار نیز از موضع پاکستان دفاع کرده و افغانستان را ترغیب مکرر کرد تا از داعیه اش پیرامون خط دیورند بگذرد.

در سال ۱۹۶۲ وزی خارجه افغانستان محمد نعیم خان از واشنگتن دیدار کرد. در ملاقات با رییس جمهور جان کندی او تقاضای گشودن راه ترانزیت از ایران را کرد. مگر امریکاییها به این درخواست وقعی نگذاشتند. با اینهم در سال ۱۹۶۲ معاهده بی دربارہ انتقال ترانزیت کالاها از خاک ایران به افغانستان میان حکومت افغانستان و ایران امضا شد.⁶⁸

با نتیجه گیری از اینها میتوان گفت، پشتیبانی یکجانبه ایالات متحده آمریکا از پاکستان در قضیه پشتونستان باعث شد تا بحران دوکشور همسایه بغرنجتر شود. جالب است که پاکستان از این معضله توانست به نفعش بهره برداری کرده و مؤفقتانه روابطش را با ایالات متحده آمریکا گسترش دهد، در حالی که افغانستان که نقش مدافع خلق پشتونستان را داشت، قربانی سیاست ناسنجیده خود شد. ایالات متحده از سوی خود نیز نمیخواست به افغانستان نزدیک باشند، چون هراس داشت که هر نوع فعالیت غرب در افغانستان میتواند با اقدامات متقابل شوروی در راستای کنترل این کشور مواجه شود، زیرا اتحاد شوروی از نگاه جیوپولیتیک به مراتب نزدیکتر به افغانستان بود.

خودداری کابل از پذیرش «دکترین آیزنهاور» شانس افغانستان را برای بدست آوردن کمک ناچیز اقتصادی و نظامی از آمریکا در آنزمان کمتر ساخت. بهر حال، پسانها، بادر نظر داشت کمکهای نظامی شوروی به افغانستان، روابط پنهان آن با اتحاد شوروی و با هراس از اینکه مواضع بی آنهم ضعیف خویش را در آنکشور از دست میدهد، واشنگتن به همکاری با کابل بویژه در عرصه های معارف، کشاورزی، معادن و صنایع تن داد.

مهمترین پروژه همکاری با واشنگتن در تمام دوران صدارت محمد داوود خان قرارداد ساختمان سیستم آبیاری وادی هلمند بود، که پیشتر در سال ۱۹۴۶ با شرکت امریکایی «موریسن نادسن» امضا شده بود.

در سال ۱۹۵۴ مجلس سنا و پادشاه افغانستان توافقنامه بی را با بانک امریکایی صادرات و واردات پیرامون دادن قرضه ۱۸،۵ میلیون دالر برای ادامه ساختمان جاده ها و سیستم آبیاری در وادی رودخانه های هلمند و ارغنداب تأیید کردند.⁶⁹ در ماه نوامبر همانسال بخاطر بازتاب جریان کار سیستم آبیاری یک گروه ژورنالیستان و مستند سازان امریکایی در رأس لوی توماس به قندهار آمد، که در آنجا با سیستم آبیاری آشنا شده و از آن فیلمبرداری کردند. پیرامون سفر این گروه به افغانستان روزنامه انیس نوشت، که افغانها به امریکاییان علاقمندی داشته و میخواهند که در کتابها و فیلمهای شان تغییرات بمیان آمده در افغانستان در ۳۵ سال گذشته بازتاب یابند.⁷⁰

در ماه دسامبر سال ۱۹۵۵ در سه شماره خبرنامه مطبوعاتی سفارت ایالات متحده در کابل گزارشی پیرامون حجم

کمکهای اقتصادی آمریکا به افغانستان در سه سال گذشته پخش شد. در این گزارش چنین ارقام آمده بودند: اداره عملیات

خارجی ایالات متحده برای کمک تخنیکي به اینکشور ۶،۹ میلیون دالر و به وزارت زراعت افغانستان کمکی بلغ بر

۱۲۳،۱ هزار دالر اعطا کرده است.⁷¹

در ماه فبروری سال ۱۹۵۶ میان ریاست پروژه آبیاری هلمند و اداره کمکهای بین المللی آمریکا به ادامه قراردادهای گذشته، موافقتنامه تفصیلی بی برای کمک تخنیکي در ساختمان کانالها، بهبود آبیاری، انکشاف زراعت، صحت عامه، بهداشت و پرورش کادرهای پیداکوژی، عقد شد.⁷²

⁶⁷ -Livingston Merchant

⁶⁸ -Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., 2004. С. 321

کارگون و.گ. تاریخ افغانستان. قرن ۲۰. مسکو، ۲۰۰۴، صفحه ۳۲۱

⁶⁹ - اصلاح، مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۵۴م.

⁷⁰ - روزنامه انیس مورخ ۳ نوامبر سال ۱۹۵۴م.

⁷¹ - Пресс-бюллетень посольства США в Афганистане. Декабрь 1955 г.

بولتن مطبوعاتی سفارت ایالات متحده آمریکا در کابل. دسامبر سال ۱۹۵۵م.

⁷² - همانجا. بولتن مطبوعاتی سفارت ایالات متحده آمریکا در کابل. دسامبر سال ۱۹۵۵م.

مگر استفاده از آب رودخانه هلمند همچنان در روابط با کشور همسایه ایران نقطه اختلاف نظر پنداشته میشد. ایالات متحده آمریکا در حل اختلاف نظر پیرامون استفاده از آبهای هلمند به میانجیگری پرداخت، چونکه خود در آن بعثت پروژه امریکایی ساختمان کانال هلمند ذینفع بود. امریکا را موقف ایران مبنی بر اینکه اجرای این پروژه به حق انکشور در استفاده از آب رودخانه هلمند ضرر میرساند، نگران ساخته بود. بتاريخ ۱۳ مارچ سال ۱۹۵۶ برای اشتراک در مذاکرات پیرامون این مسأله هیأت افغانستان به واشنگتن رفت که در ترکیب آن افراد شامل بودند: سفیر افغانستان در واشنگتن محمد کبیر لودین (رییس هیأت)، عبدالمجید زابلی، مدیر شعبه اول سیاسی وزارت خارجه فضل احمد شیرزاد، سرپرست مدیریت سوم سیاسی وزارت خارجه عبدالحکیم طیبی (مشاور در امور حقوقی) و میر محمد رضا (مشاور مسایل تخنیکي).⁷³

در ماه جون سال ۱۹۵۶ در کابل میان ریاست پروژه وادی هلمند و نمایندگی همکاریهای بین المللی امریکا یک توافقنامه اضافی برای کمک ۵۰۰ هزار دالری برای افغانستان جهت پیشبرد امور مراقبت و کنترل ساختارهای آبیاری، خرید تجهیزات و پرورش انجیران آبرسانی بسته شد.⁷⁴ برای آشنایی با این پروژه گروه بزرگی از کارشناسان امریکایی وارد افغانستان شده و برداشتهای شان را با رییس پروژه آبیاری هلمند در میان گذاشتند.⁷⁵ در ماه جون سال ۱۹۵۷ میان اداره کمکهای بین المللی امریکا و حکومت افغانستان قرارداد همکاری پیرامون اعطای کمک ۷۵،۵ میلیون دالری بدولت شاهی افغانستان برای پیشبرد پروژه آبیاری هلمند امضا شد.⁷⁶ در همانسال کارشناسان بزرگ آبیاری مانند د. ب. فوروز و دکتر بریگس مدیر کالج کشاورزی دانشگاه ایومینگ ایالات متحده جهت آشنایی با حجم کارهای انجام شده ایالات متحده و سرمایه گذاریها برای آبیاری هلمند و پرورش کادرها برای این پروژه در خود افغانستان به آن کشور آمدند.⁷⁷ واشنگتن برای آمادگی کادرها در افغانستان مبلغ اضافی ۸،۲ میلیون دالر را تخصیص داد.⁷⁸

برای تأمین انرژی برق پروژه هلمند برای ساختمان نیروگاه برق دیزلی باتوان ۱۰۰۰ کیلووات قراردادی میان دوکشور بسته شد.⁷⁹ بدنبال این بخاطر تحقق پروژه آبیاری هلمند و ارغنداب میان وزیر مالیه عبدالملک و آمر اداره همکاریهای بین المللی ایالات متحده سپایدر موافقتنامه اضافی یی برای اعطای قرضه یی برای این پروژه به افغانستان عقد شد.⁸⁰

باوجود کارهای مداوم برای این پروژه حیاتی برای افغانستان محمد داوود خان بار بار برخی جوانب کمک امریکاییها برای آبیاری وادی هلمند از جمله بهدرازا کشیدن آن و غیر مؤثریت سیستم آبیاری وادی هلمند که ساختمان آنرا کمپنی امریکایی پیش میبرد، منفی ارزیابی کرد. بقول محمد داوود خان این پروژه به «نماد شرمندگی امریکا» در افغانستان تبدیل شد.⁸¹ البته علت چنین حرفهای تند صدراعظم به آدرس ایالات متحده در وجود خود امریکاییها نهفته بود. بر اساس برآوردهای نخستین انجام شده در سال ۱۹۴۶ اجرای این پروژه توسط شرکت امریکایی «موریسن نادسن» باید به افغانستان بالغ به ۱۷ میلیون دالر تمام میشد، که از حساب ذخایر پوست قره قل افغانی به ارزش ۲۰ میلیون دالر تمویل میشد. این ذخایر افغانستان در دوسال نخستین آن خرچ شده و بحکومت محمد داوود یک پروژه ناتکمیل به ارث رسید.⁸² برای انجام این پروژه قرضه یی اضافی به ارزش ۲۱ میلیون دالر از بانک صادرات و واردات امریکا گرفته شد.

ایالات متحده تا حدودی در تحویلی غله نیز به افغانستان کمک میکرد. در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۶ سفیر افغانستان در واشنگتن محمد کبیر لودین و آمر اداره کمکهای بین المللی امریکا هالستر قراردادی را برای خرید ۴۰ هزار تن گندم امضا کردند.⁸³ در خبرنامه سفارت امریکا در کابل خبری نشر شده بود مبنی بر اینکه بنابه درخواست حکومت افغانستان ایالات متحده امریکا به افغانستان ۵۰ هزار تن اضافه تر گندم را تحویلی میدهد، تا کمکی به رفع کمبود غله بعثت خشکسالی در اینکشور باشد. در بولتن خبری آمده بود که این مقدار غله به افغانستان طور اعانه داده شده میشود،

⁷³ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۳ مارچ سال ۱۹۵۶.

⁷⁴ - آرشیف وزارت خارجه روسیه: .: АВП РФ, 1965. Ф. 0.42. Оп. 68в. Д. 2. П.88

⁷⁵ - همانجا...

⁷⁶ - اصلاح ۱ جولای سال ۱۹۵۷ م.

⁷⁷ - روزنامه انیس مورخ ۲۳ جولای سال ۱۹۵۷ م.

⁷⁸ - همانجا:

⁷⁹ - روزنامه انیس مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۷ م.

⁸⁰ - روزنامه اصلاح مورخ ۳ جولای سال ۱۹۵۸ م.

⁸¹ - Poullada, Leon B. Afghanistan and the United States: the Crucial Years // The Middle East Journal. - Spring 1981. Vol. 35, N°2. C. 184.

⁸² - غبار م. غ. م. افغانستان در مسیر تاریخ، کابل سال ۱۹۶۷، ص. ۲۲۲.

⁸³ - اصلاح ۷ اکتوبر سال ۱۹۶۵ م.

مگر پول بدست آمده از درک فروش آن بحساب خاصی برای استفاده در تمویل پروژههای ساختمانی بکار خواهد رفت. در خبرنامه همچنان تذکر رفته بود که ایالات متحده برای سومین بار به درخواست افغانستان جهت رفع مشکلات ناشی از کمبود غله بعثت خشکسالیهای اخیر پاسخ مثبت داد. در سال ۱۹۵۸ همانند ۱۹۵۶ باز هم به افغانستان ۴۰ هزار تن گندم تحویل داده شد.⁸⁴

اداره کمکهای بین المللی امریکا در سالهای ۵۰ میلادی به ایران جهت انکشاف روستاهایش کمک میکرد. ایالات متحده همچنان به کارشناسان افغان مشورهایی را در جهت بهبود امور روستاها بویژه برنامه انکشاف دهات میداد. به اینمنظور در ماه نوامبر ۱۹۵۶ امریکاییها رییس انکشاف دهات افغانستان نورالحق را به تهران برای آشنایی با شیوه کار اداره کمکهای بین المللی امریکا در ایران دعوت کردند.⁸⁵ پسانها این موسسه به افغانستان ۱۱۶ هزار دالر را جهت پرورش کارشناسان اندازه گیری زمین تخصیص داد.⁸⁶

صنایع معدنی نیز یکی از بخشهای همکاری با افغانستان بود. حتی از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ وزارت معادن و صنایع افغانستان از طریق اداره عملیات بین المللی خارجی ایالات متحده امریکا کمکی باندازه ۲۷۰ هزار دالر را بدست آورد.⁸⁷ و در سال ۱۹۵۶ از طریق همین اداره عملیات بین المللی خارجی ایالات متحده امریکا مبلغی به ارزش ۵،۲ میلیون دالر را کمک شد.⁸⁸ در ماه اپریل سال ۱۹۵۸ نظر به درخواست وزارت معادن و صنایع کارشناسان امور قانونگذاری معادن و همکاریهای بین المللی امریکا هریک میلر و سِرکول به کابل آمدند. آنها در عرصه ترتیب قوانین امور معادن و سروی نفت،⁸⁹ همکاری نموده و در ماه جولای همانسال میان معاون وزارت معادن و صنایع و رییس اداره همکاریهای بین المللی ایالات متحده سپایدر قراردادی پیرامون دادن قرضه ۲۰۰ هزار دالری امریکا برای انجام امور عکاسی هوایی خاک افغانستان امضا شد.⁹⁰

امریکا همچنان به افغانستان در انکشاف هوانوردی ملکی کمک میکرد. به این منظور بدولت شاهی افغانستان قرضه قابل ملاحظه یی اعطا شد. در ماه جون سال ۱۹۵۶ در کابل قرارداد همکاری میان حکومتهای افغانستان و ایالات متحده امضا شده که بر شالوده آن اداره همکاریهای بین المللی امریکا به افغانستان ۵،۱۴ میلیون دالر کمک کرد، که از جمله ۵ میلیون دالر این مبلغ بشکل قرضه درازمدت و بقیه همانند کمک اقتصادی برای رشد هوانوردی ملکی تخصیص داده شده بود.⁹¹ در اجلاس خزانی ولسی جرگه و سنا این موافقتنامه تصویب شد و در ماه نوامبر سال ۱۹۵۶ افغانستان مبلغ وعده داده شده را بدست آورده و همزمان هیأت نماینده گی شرکت امریکایی «پان امریکن» برای مذاکره با شرکت هوانوردی آریانا به کابل آمد.⁹²

نمابندگی همکاریهای بین المللی ایالات متحده در ماه جون ۱۹۵۷ به شرکت آریانا ۲،۳ میلیون دالر را برای خرید هواپیماهای نو تحویل داد.⁹³ برای بررسی چگونگی کمکهای تخنیکی در عرصه هوانوردی ملکی امر بخش همکاریهای بین المللی ایالات متحده چارلز کروود نیز بکابل رفت.⁹⁴ او نیز قراردادی را با وزارت فواید عامه پیرامون همکاری مبلغ ۳۰۰ هزار دالری کمک تخنیکی امضا نمود.⁹⁵ پس از سه ماه طرفین باز هم قراردادی را برای رشد ترانسپورت هوایی افغانستان از جمله ساختمان میدان هوایی بین المللی در قندهار، بستند. جهت امضای این موافقتنامه رییس هوانوردی ملکی عبدالکریم حکیم به واشنگتن رفت.⁹⁶ همچنان طرفین موافقتنامه یی را برای کمک اضافی ۳ میلیون دالری برای اجرای این پروژه امضا نمودند.⁹⁷ کار ساختمان میدان هوایی را همان شرکت «موریسن- ناسون»

84 - بولتن مطبوعاتی سفارت ایالات متحده امریکا در کابل. سال ۱۹۵۸ م.

85 - روزنامه انیس مورخ ۲۹ نوامبر سال ۱۹۵۶ م.

86 - روزنامه انیس مورخ ۳ جولای سال ۱۹۵۷ م.

87 - بولتن مطبوعاتی سفارت ایالات متحده امریکا در کابل. از تاریخ ۱۴ دسامبر سال ۱۹۵۵ م.

88 - روزنامه اصلاح مورخ ۱۹ نوامبر سال ۱۹۵۶ م.

89 - روزنامه اصلاح مورخ ۱۰ اپریل سال ۱۹۵۸ م.

90 - روزنامه انیس مورخ ۱ جولای سال ۱۹۵۸ م.

91 - آرشیف وزارت خارجه روسیه: ...: АВП РФ. 1956. Ф. 042. Оп. 68в. Пор. 2. П. 88.

92 - همانجا.....

93 - روزنامه انیس، مورخ ۱۰ جون سال ۱۹۵۷ م.

94 - خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۱۷ جون ۱۹۵۷ م.

95 - آرشیف وزارت خارجه روسیه: ...: АВП РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Пор. 1. П. 83.

96 - همانجا.....

97 - همانجا.....

پیش میبرد.⁹⁸ بر علاوه در این زمان میان ریاست ترانسپورت افغانستان و اداره همکاریهای بین المللی امریکا یک قرارداد دیگر درباره ساختمان دو ترمیمگاه موتر در شهرهای کابل و قندهار امضا شد.⁹⁹

همچنان امریکا به افغانستان در ساختمان جاده ها کمک میکرد. چنانچه در ماه جولای سال ۱۹۵۸ میان وزیر فواید عامه محمد کبیر لودین و امر اداره همکاریهای بین المللی ایالات متحده سپایدر در کابل قرارداد ساختمان جاده کابل- قندهار- سپین بولدک- قندهار بامضا رسید. مصارف ساختمان این جاده بارزش ۱۸ میلیون و ۹۹۳ هزار دالر از حساب اداره همکاریهای بین المللی ایالات متحده تمویل میشد.¹⁰⁰

حکومت محمد داوود خان از ایالات متحده خواست که در آمادگی کادرهای ملی به افغانستان همکاری کند. در سال ۱۹۵۴ بنابه دعوت وزارت معارف پرفیسوران دانشگاه کولمبیا میلدرت فایرچایلد، کنیت اوین و ویلارد یاکوبسون به افغانستان آمده و بحیث مشاوران در وزارت معارف بکارپرداختند.¹⁰¹ برای هماهنگ سازی فعالیتهای دانشمندان امریکایی در کابل عضو انجمن دوستان خاور میانه امریکا و سفیر پیشین ایالات متحده در افغانستان نیز بکابل آمد.¹⁰²

قابل یاددہانی است که در آنزمان افغانستان کشور دلایزی بوده و از حساب توریزم عواید چشمگیری داشت. در سال ۱۹۵۴ رییس دفتر امریکایی جهانگردی لوس آنجلس هایفل نیز به افغانستان آمد، تا این کشور را به جمع ممالک شامل سفرهای جهانی جلب کند.¹⁰³ همچنان امر بخش توریزم اداره همکاریهای بین المللی کووارگ هم بکابل رفت.¹⁰⁴

ایالات متحده کارمندان وزارت معارف را جهت تبادل تجارب در عرصه فرهنگ، آموزش و رسانه ها نیز به امریکا دعوت مینمود. از جمله در سال ۱۹۵۵ رییس تعلیمات متوسطه وزارت معارف محمد اکرم به امریکا برای آشنایی با سیستم آموزش آنجا رفت.¹⁰⁵ برای آشنایی با کار کتابخانه های امریکا بنا به دعوت «ایشی فونڈیشن» ایالات متحده مدیر مسوول مجله افغانستان محمد نبی کهزاد از آنجا دیدار کرد.¹⁰⁶

ایالات متحده کتابهای تخنیکی را نیز در اختیار موسسات تعلیمی افغانستان قرار میداد. برشالوده آگهی خیرنامه امریکایی در سال ۱۹۵۵ بخش اطلاعاتی سفارت امریکا در کابل به اہسہ تخنیک ثانوی حدود ۲۰۰ جلد کتاب گون گون را بخشید.¹⁰⁷

تبادلہ تجارب در عرصه تعلیمات کشاورزی نیز صورت میگرفت. در سال ۱۹۵۵ مدیر مکتب زراعت وابسته به دانشگاه وایومینگ ایالات متحده هیلتون بریگس بکابل آمد تا همسلکان افغانی را با شیوه تدریس دانشگاه مذکور آشنا نموده و همچنان آنان را با پیشبرد کارهای پژوهشی- علمی در عرصه زمینداری کمک نماید.¹⁰⁸

همچنان از پوهنتون کابل نیز برخی دانشگاههای امریکا سرپرستی میکردند. چنانچه در سال ۱۹۵۵ گروهی از دانشجویان دانشگاه کمبریج برای پیشبرد کارهای علمی و پژوهشی بکابل آمدند.¹⁰⁹ در سال ۱۹۵۷ کارشناس حقوق جنایی دکتور بارت، کارشناس حقوق اداری دکتور میتاشن و متخصص حقوق مدنی دکتور وینسنت برای تدریس در پوهنتون (دانشگاه) کابل به افغانستان آمدند.¹¹⁰ همچنان دکتور هارینگ فرستاده اداره همکاریهای بین المللی ایالات متحده جهت آشنایی با فاکولته طب و دادن مشوره به آنجا برای تهیه برنامه های درسی بکابل آمد.¹¹¹

بر علاوه میان وزارت فواید عامه و معارف از یکسو و اداره همکاریهای بین المللی امریکا از سوی دیگر موافقتنامه بی جهت اعطای کمک برای بهبود و ارتقای ظرفیتهای فاکولته طب کابل به ارزش ۱،۶ میلیون دالر عقد شد.¹¹²

98 - همانجا....

99 - همانجا....

100 - روزنامه انیس مورخ ۲ جولای سال ۱۹۵۸ م.

101 - بولتن مطبوعاتی سفارت ایالات متحده امریکا در کابل. از تاریخ ۱۹ می سال ۱۹۵۴ م.

102 - روزنامه اصلاح مورخ ۴ دسامبر سال ۱۹۵۴ م.

103 - روزنامه انیس مورخ ۴ دسامبر سال ۱۹۵۴ م.

104 - خیرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۲۰ مارچ سال ۱۹۵۸ م.

105 - روزنامه انیس مورخ ۱۶ جنوری سال ۱۹۵۵ م.

106 - روزنامه اصلاح مورخ ۱۸ جنوری سال ۱۹۵۵ م.

107 - بولتن اطلاعاتی امریکا مورخ ۲۵ می سال ۱۹۵۵ م.

108 - بولتن اطلاعاتی امریکا مورخ ۱۶ جون سال ۱۹۵۵ م.

109 - اصلاح مورخ ۲۳ جولای سال ۱۹۵۵ م.

110 - انیس مورخ ۲۵ می سال ۱۹۵۷ م.

111 - انیس مورخ ۱۷ جون سال ۱۹۵۷ م.

112 - اصلاح مورخ ۲۷ جون سال ۱۹۵۷ م.

همچنان ۴ پروفیسور که کارشناسان رشته های علوم طبیعی، ادبیات تجارت و جغرافیای اقتصادی بودند، نیز برای کار به پوهنتون (دانشگاه) کابل آمدند.¹¹³

امریکایی ها به افغانستان در عرصه رادیو نیز همکاری میکردند. چنانچه مدیر برنامه های رادیویی ایالت مریلند ایالات متحده جوزف بیگنر برای کمک به کارمندان رادیوی کابل در بخش نشرات رادیویی مدت یکماه در کابل بود.¹¹⁴ برشالوده توافق میان دفتر خدمات اطلاعاتی و سفارت آنکشور در کابل فیلمساز امریکایی و انزل به آنجا رفت تا در تهیه فیلم سریال مستند کمک نماید.¹¹⁵ دفتر خدمات اطلاعاتی ایالات متحده امریکا به کتابخانه ریاست مطبوعات افغانستان ۱۰۰ جلد کتاب را با محتوای گونه گون علمی و اجتماعی بخشید.¹¹⁶

همینسان بخاطر تبادل تجارب در عرصه های علوم و آموزش نمایشگاهها سازماندهی میشدند، چنانچه سفارت امریکا در کابل نمایشگاه «استفاده انرژی اتمی برای اهداف صلح آمیز» را تدویر کرد.¹¹⁷

باید گفت که آمدن هر شهروند امریکایی صرف نظر از پیشه و مقامش مورد توجه رسانه های افغانی بود. طور نمونه سفر نویسنده مشهور امریکایی میچنر در سال ۱۹۵۵ که جهت جمآوری مواد پیرامون افغانستان برای کتابش به آنجا رفته بود،¹¹⁸ از نظر باز نماند، یا آمدن خبرنگار مجله «لایف» دیوید دوگلاس دونکان بکابل،¹¹⁹ یا بازدید مؤرخ و زندگینامه نویس هارولد لمبو که برای جمآوری مواد برای کتابش پیرامون بابر بنیانگذار سلسله مغلهای اعظم از پایتخت افغانستان بازدید کرد،¹²⁰ یا سفر خبرنگار روزنامه امریکایی «میلوکی جورنال» جان ریپین بکابل جهت آشنایی با افغانستان،¹²¹ و همچنان سفر خبرنگار روزنامه امریکایی «بالتیمور سان» فیلیپ پاتر¹²² همه بازتاب گسترده یافتند.

همچنان خبر بخشش فیلم مستند رنگه پیرامون افغانستان از سوی مدیر کتابخانه سفارت ایالات متحده در کابل بالاندز¹²³ و دادن کاپی شش حلقه فیلم سینمایی امریکایی به ریاست مطبوعات افغانستان از توجه رسانه های افغانی بدور نماندند.¹²⁴

باید گفت که تا سال ۱۹۵۶ کمک امریکا به افغانستان بصورت عموم بشکل کمک تخنیکی ارائه میشد.¹²⁵ دلیل آن این بود که افغانستان در این زمان از ایالات متحده کمک پولی از حساب برنامه های «تعاونی» برای انکشاف اقتصادی اش دریافت نمیکرد. به پندار اقتصاد دان امریکایی پ. فرانک: «گرچه بیطرفی در دروان جنگ سرد رسماً مانعی برای دریافت کمک خارجی اعلام نشده بود... مگر افغانستان از ایالات متحده برای امنیت نظامی اش بدلیل سیاسی کمکی دریافت نکرد».¹²⁶

«از آنجاییکه نفوذ شوروی در خاورمیانه و هند در حال گسترش بود، ایالات متحده باید طوری عمل میکرد، تا مشی سیاسی افغانستان را از راستای منافع شوروی بدور نگهدارد».¹²⁷ «کمک» امریکا به افغانستان بمنظور گسترش نفوذ ایالات متحده در افغانستان و تضعیف روابط اقتصادی اتحادشوروی با افغانستان بود. مگر امیدوارها برای دریافت کمک اقتصادی ایالات متحده امریکا تحقق نیافته¹²⁸ و محمد داوود بیشتر به همکاری شورویها متمایل شد. بویژه پس از کنگره ۲۰ حزب کمونیست اتحادشوروی که در آن دو جهت نو در عرصه بین المللی مشخص شدند:

۱. درک گزینه های بیشتر اعمار سوسیالیزم (با تأیید اصل «انترناسیونالیزم پرولتری»، یعنی کمک به احزاب کمونیست و کشورهای سوسیالیستی)؛
۲. اهمیت مشی همزیستی مسالمت آمیز دولتها با ساختارهای متفاوت اجتماعی.

اصلاح مورخ ۱۸ مارچ سال ۱۹۵۸ م. - 113

آرشیف وزارت خارجه روسیه: - АВП РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Д. 1. П. 83. - 114

همانجا: - АВП РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Д. 1. П. 83. - 115

همانجا: - АВП РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Д. 1. П. 83. - 116

همانجا: - АВП РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Д. 1. П. 83. - 117

آرشیف وزارت خارجه روسیه: - АВП РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Д. 1. П. 86. - 118

- همانجا... - 119

بولتن اطلاعاتی امریکا مورخ ۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۵ م. - 120

آرشیف وزارت خارجه روسیه: - АВП РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Пор. 1. П. 83. - 121

همانجا: - АВП РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Пор. 1. П. 83. - 122

آرشیف وزارت خارجه روسیه: - АВП РФ. 1956. Ф. 042. Оп. 68в. Пор. 2. П. 88. - 123

آرشیف وزارت خارجه روسیه: - АВП РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Пор. 1. П. 83. - 124

خبرنامه سفارت امریکا در کابل: مورخ ۴ اگست سال ۱۹۵۹ م. - 125

- Frank P. Afghanistan between East and West. - Washington, 1960. P. 44. - 126

- همانجا... ص. ۱۴ - 127

- Гуревич Н.М. Внешняя торговля Афганистана в новейшее время. - М., 1981. С. 90. - 128

گوریویچ. تجارت خارجی افغانستان در عصر نوین. مسکو. سال ۱۹۸۱. ص. ۹۰. -

با بستن نخستین قرارداد همکاری در ازمدت تخنیکي- اقتصادی اتحادشوروی با افغانستان آنکشور همکاری منظم را جهت رشد اقتصاد افغانستان آغاز کرد.¹²⁹ در سال ۱۹۵۵ اتحاد نظامی- سیاسی کشورهای جدید سوسیالیستی- یعنی سازمان پیمان و ارسا بشکل قطعی شکل یافت. در آنزمان رهبری شوروی از افغانستان و هند همچون بنیانگذاران جنبش عدم انسلاک حمایتش را اعلام کرد. در سال ۱۹۵۵ قرارداد انتقالات ترانزیت افغانستان- شوروی امضا شد که برای افغانستان امکان استفاده از خاک اتحاد شوروی جهت گذر کالاهایش به کشورهای سومی را مساعد میساخت.¹³⁰ در سالهای ۱۹۵۷-۱۹۶۳ در شهر مسکو مذاکراتی پیرامون همکاری با رهبران بیش از ۲۰ کشور رو به رشد دایر شد. به این منظور با ۲۰ کشور قراردادهای مربوطه عقد شد. به بسیاری از کشورها (مانند افغانستان، جمهوری متحد عربی و هند) کمکهای بزرگ مادی پیشکش میشد، تا رشد آنها را در راستای سوسیالیزم سمت دهند. البته محمد داوود در این امر مرامهای خودش - مبنی بر بدست آوردن هر چه بیشتر کمک از اتحادشوروی در همه عرصه ها از تسلیح و تجهیز ارتش تا پرورش کادرهای نظامی و ملکی در رشته های گونه گون در اتحادشوروی، را دنبال میکرد.

در سال ۱۹۵۶ توافقنامه همکاریهای نظامی (میان افغانستان و اتحاد شوروی) بسته شد که برشالوده آن به افغانستان کربدی بالغ به ۳۲ میلیون دالر با شرایط مناسب جهت خرید تسلیحات و تخنیک حربي داده شده، در ساختمان مؤسسات نظامی کمک شده، و در آمادگی کادرهای ملی در محلات و مؤسسات تحصیلات عالی وزارت دفاع اتحادشوروی همکاری میشد.¹³¹ درست در همین سالها دوره همکاریهای متمر نظامی- تخنیکي دوکشور آغاز شد. از سال ۱۹۵۶ به بعد ارتش افغانستان با سلاح و تخنیک حربي شوروی مجهز شده و در واحدها و قطعات اردوی افغانستان کارشناسان و مشاوران شوروی بکار پرداختند. همچنان بکمک اتحادشوروی تعداد بسیاری از کارشناسان افغان منجمه نظامیان تعلیم یافتند.¹³²

چنانچه در تسلیحات اردوی افغانستان زرهپوش «ب.ب. ت. ار. ۴۰» و «ب.ب. ت. ار. ۱۵۲»، تانک ت-۳۴، ت-۵۴، ت-۱۵۴، جنگنده های سو-۷، میگ-۱۷، میگ-۱۹، هواپیماهای شکاری تعلیمی میگ-۱۵، طیارات بمباردمان ال-۲۸، چرخبالهای جنگی و ترانسپورتهای می-۴ و می-۱۸ و طیارات ترانسپورتهای ایل-۱۴، هواپیمای آموزشی یاک-۱۸، طیاره های ترانسپورتهای یاک-۱۸ و دیسانتی آن-۲، پدیدار شدند. باید گفت که بخشی از این تخنیک حربي و تسلیحات در خود ارتش شوروی مورد استفاده قرار گرفتند و بخشی دیگر از ذخایر آن تهیه شده بودند. از سال ۱۹۵۶ تا سال ۱۹۷۷ مبلغ کل کمک نظامی شوروی به افغانستان به ۶۰۰ میلیون دالر بالغ شد.¹³³

درست در همین سالها بکمک تخنیکي- اقتصادی اتحادشوروی شالوده زیر ساختهای اقتصادی کشور گذاشته شد. محمد داوود مرامهای بلند پروزانه یی داشت: او به همکاری اتحادشوروی باید جهش اقتصاد را ممکن ساخته و اردوی رزمنده و منظم کشور را برای دستیابی به هدف مهم- تامین استقلال و تمامیت ارضی افغانستان که ضامن مهمی در معضله پشتونستان با پاکستان باشد، میساخت. صدراعظم میخواست از رقابت آنزمان دو ابرقدرت که هر کدام میخواستند، افغانستان را بسوی خویش بکشاند، استفاده نماید. او می پنداشت که با پیشبرد سیاست بیطرفی مثبت، افغانستان میتواند، از هر دو جانب کمک لازم را بدست آورد.

با این دلیل حکومت افغانستان از اتحادشوروی درخواست کرد، به آنکشور در عرصه های تخنیکي و اقتصادی و از جمله ساختمان مؤسسات گونه گون همکاری کند. از جمله این مؤسسات که توسط حکومت افغانستان پیشنهاد اعمار آنها شده بود، از فابریکه فلز (میتالورژی) و ذخیره گاه انتقال نفت، برخی مؤسسات آبیاری و غیره میتوان نام برد. برشالوده این تقاضا موافقتنامه همکاریهای اقتصادی دوکشور تدوین شد.

مطبوعات افغانستان توجه گسترده یی به مسایل کمک اقتصادی و تخنیکي اتحادشوروی که بر اساس توافقات ۲۷ جنوری و ۵ اکتوبر سال ۱۹۵۴ به افغانستان صورت میگرفتند، مبذول داشتند. این توافقات ساختمان دو سیلو با آسیاب و

¹²⁹ - Никитиенко Е.Г. Афганистан: от войны 80-х до прогноза новых войн. - М., 2004. С. 4.

نیکیتینکو ای. گ. افغانستان از جنگ در سالهای ۸۰ تا پیشبینی جنگهای جدید. م. سال ۲۰۰۴. م.

¹³⁰ - همانجا... -

¹³¹ - Никитиенко Е.Г. Афганистан: от войны 80-х до прогноза новых войн. - М., 2004. С. 4.

نیکیتینکو ای. گ. افغانستان از جنگ در سالهای ۸۰ تا پیشبینی جنگهای جدید. م. سال ۲۰۰۴. م. ص. ۴.

¹³² - Ляховский А.А. Трагедия и доблесть Афгана / А.А. Ляховский. - 2-е изд., перераб. и

доп.- Ярославль, 2004. С.36.-

¹³³ - کاشانی ناصر مستوری، افغانستان. دیپلوماسی دوچرخه. تهران سال ۱۹۹۲. ص. ۴۲.

کارخانه نانپیزی مربوطه را به ارزش 3 ملیون دالر و قیرریزی خیابانهای کابل را به مبلغ ۲،۱ ملیون دالر ممکن میساخت.

جریان ساختمان سیلو، کارخانه نانپیزی و ذخیره گاه نفت مورد توجه جامعه افغانی و محافل حاکمه بود. از جمله از محل ساختمان کارخانه نانپیزی بارها شخص شاه، صدراعظم و سرپرست وزارت مالیه بازدید کردند. ساختمان سیلو برای افغانستان ارزش بزرگی داشت: با اكمال ساختمان سیلو امکان ذخیره گندم که واردات آن افزایش یافته بود، میسر میشد.

برای انجام کارهای ساختمانی و اسفالت جادههای کابل گروه بزرگی از کارشناسان از اتحادشوروی آمدند. به این منظور در وزارت مالیه مراسم عقد موافقتنامه مربوط به تحویلدهی قیر، ماشینهای راهسازی و ساختمانی، وسایل لابراتواری و وسایط موتردار به ارزش ۲،۱ ملیون دالر جهت قیرریزی جادههای کابل و حومه آن برگزار شد.

در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۴ نخستین بخش تجهیزات و ماشینهای راهسازی و ساختمانی به شهر مزار شریف موصلت کرد. با ارزشدهی سود قرارداد نامبرده روزنامه اصلاح بتاريخ ۲۶ اکتوبر همانسال در سرمقاله اش نوشت که «عقد این قرارداد برای افغانستان از نقطه نظر اقتصادی و مالی اقدام خیلی مفیدی میباشد».

در ماه دسامبر همانسال بکمک کارشناسان شوروی در نزدیکی شهر کابل در سیاه سنگ فابریکه تولید قیر ساخته شد.¹³⁴

در سال ۱۹۵۴ ساختمان ذخیره گاه مرکزی نفت آغاز شد. اتحادشوروی برای ساختمان این ذخیره گاهها در کابل، هرات و مزار شریف به افغانستان ۴۵۰ هزار دالر پرداخت.¹³⁵

در ماه دسامبر سال ۱۹۵۴ در وزارت اقتصاد ملی افغانستان مراسم عقد یک پرتوکل مهم دیگر پیرامون مبادله کالا میان اتحادشوروی و افغانستان برای سال چهارم قرارداد، برگزار شد.¹³⁶ برای پیشبرد مذاکرات در راستای عقد قرارداد ترازیت میان اتحادشوروی و افغانستان هیأت افغانستان که در ترکیب آن رییس دافغانستان بانک حبیب الله رییس شعبه تجارت وزارت اقتصاد ملی عبدالله یفتلی و سفیر افغانستان در اتحاد شوروی غلام یحیی طرزی شامل بودند، به مسکو رفت. در ماه جولای همانسال این قرارداد امضا شد.¹³⁷

بر علاوه مناسبات دوکشور در عرصه فرهنگی نیز گسترش مییافت. در ماه دسامبر سال هیأت فرهنگیان شوروی به کابل آمد. در میدان هوایی کابل از این هیأت رییس پوهنتون (دانشگاه) کابل محمد انس و روسای برخی فاکولته ها و نمایندگان مطبوعات استقبال کردند.¹³⁸

همکاریهای دوکشور در عرصه بهداشت نیز گسترش مییافت. از ۷ تا ۲۵ اکتوبر ۱۹۵۴ در کابل یازدهمین کنفرانس افغان- شوروی برای قرنطین و حفاظت نباتات دایر شد، که با امضای پرتوکلهاى مربوطه پایان یافت. مطبوعات افغانستان منظمأ اخبار این کنفرانس را بازتاب میدادند.

در سال ۱۹۵۵ سیلوی پلخمیری یکی از نخستین پروژهای همکاری تکنیکی- اقتصادی افغان- شوروی ساخته شد.¹³⁹ همزمان در کابل قرارداد همکاری در عرصه تبادلله پست میان افغانستان و اتحادشوروی امضا شد.¹⁴⁰

¹³⁴ - РФАНИ. Ф. 5. Оп. 28 p. 27\5. Д. 251.... بخش تاریخ معاصر

¹³⁵ - همانجا...

¹³⁶ - همانجا...

¹³⁷ - روزنامه اصلاح مورخ ۲ جولای سال ۱۹۵۵ م.

¹³⁸ -- قابل یاددانی است که مناسبات فرهنگی و تبادلله گروههای هنری میان افغانستان و جمهوریتهای آسیای میانه بویژه با تاجیکستان در این دوره نیز صورت میگرفت. چنانچه در سال ۱۹۵۹ حکومت افغانستان میهماندار هیأت فرهنگی- هنری تاجیکستان در رأس نویسنده و شاعر نامور تاجیک عبدالسلام دهاتی در مراسم جشن چهل سالگی استرداد استقلال افغانستان بود. او سپس خاطراتش را ازین سفر در کتابی بنام «پیامهای دوستی» نوشت که در سال ۱۹۵۹ در شهر استالین آباد (دوشنبه امروز) نشر شد. یادواره های این نویسنده را من (وداد) بازنویسی و اصلاح نموده و در سایتهاى گونه گون افغانی نشر نموده ام. جهت معلومات بیشتر سایت کابل ناته دیده شود:

http://www.kabulnath.de/Salae_Haftom/Shoumare_155/Dr.Khalil%20wadad/Dr.K.Wadad.html

¹³⁹ - اصلاح مورخ ۲۱ جولای سال ۱۹۵۵ م.

¹⁴⁰ - اصلاح مورخ ۱۸ اگست سال ۱۹۵۵ م.

مرحله نوین مناسبات دو کشور با سفر دوستانه ۱۵ دسامبر سال ۱۹۵۵ رییس شورای عالی ن. آ. بولگانین و رییس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی ن. س. خروشچف آغاز شد.¹⁴¹ این سفر واقعاً یک رویداد برجسته در مناسبات میان دو دولت بود.

در میدان هوایی کابل هیأت را بشکل تشریفاتی صدراعظم محمد داوود، اعضای حکومت، سران نمایندگیهای کوردیپلماتیک، سفیر اتحاد شوروی در افغانستان م. دگتیار پیشواز گرفتند. همچنان در فرودگاه کابل م. آ. بولگانین نطق کوتاهی را چنین ایراد کرد: «¹⁴² با رسیدن به خاک افغانستان دوست، من و دوستم نیکیتا سرگیویچ خروشچف خوشحالیم تا پیامها و تمنیات نیک ما به مردم افغانستان، که با آنها مردم شوروی از گذشته ها پیوندهای محکم همسایه گی دارند، را برسانیم... مردمان شوروی به احترام و علاقمندی ژرف با مردم دلیر و زحمتکش افغانستان نگر بسته و به تلاش پیگیرشان برای صلح و حفظ استقلال شان ارزش بالایی قایل اند. اتحاد شوروی و افغانستان همهء شرایط لازم را برای رشد مناسبات دوستانه بر شالوده برابری و احترام متقابل به منافع یکدیگر را دارند».

در درازنای راه مهان هوایی تا کاخ ارگ دانشجویان، شاگردان مکاتب، کارمندان دولت و نمایندگان اقشار دیگر اجتماعی کابل با گلها و شعارهای خوش آمدید به رهبران شوروی صف بسته بودند.¹⁴³

اقامت مهمانان شوروی در پایتخت افغانستان از نگاه ملاقاتهای گونه گون و اقدامات دیگر از دیگر هیأتها بکلی متفاوت بود. مهمانان بالای مقبره محمد نادرشاه پدر ظاهرشاه اکلیل گل گذاشته،¹⁴⁴ از موزیم کابل دیدن نموده و با صدراعظم محمد داوود دیدار کردند. از جزئیات ملاقاتها خبر داده نمیشد.¹⁴⁵ ن. آ. بولگانین و ن. س. خروشچف بحضور ظاهرشاه پذیرفته شدند. همچنان با افتخار مهمانان عالیقدر پذیرایی گرمی سازماندهی شده بود.

در محفل ناهار رسمی که بافتخار هیأت شوروی ترتیب شده بود، صدراعظم محمد داوود و ن. آ. بولگانین بیانیه های متقابل دادند. مهمان شوروی معاهده ۲۸ فیروزی سال ۱۹۲۱ و معاهده بیطرفی و عدم تعرض مورخ ۲۴ جون سال ۱۹۳۱ را در امر تحکیم مناسبات دوستانه میان دو کشور با ارزش خوانده و تأکید کردند که رشد مناسبات بازرگانی میان اتحاد شوروی و افغانستان زمینه عقد موافقتنامه تبادلها و کالاها و انجام پرداختها را در سال ۱۹۵۰ مساعد ساخت.

بولگانین اعلام کرد که «اتحاد شوروی در مناسباتش با افغانستان بر شالوده اصول احترام به تمامیت ارضی و استقلال، خودداری از تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی، برابری و بهره متقابل، همزیستی مسالمت آمیز و همکاری اقتصادی عمل میکند».

ما امیدواریم که تماسهای شخصی، برقرار شده میان ما و رهبران افغانستان، باعث انکشاف بعدی و تحکیم مناسبات شوروی- افغانستان خواهند شد.

ما با همدردی به سیاست افغانستان به حل معضل پشتونستان مینگریم. اتحاد شوروی طرفدار حل عادلانه این مشکل که بدون در نظر داشت منافع حیاتی مردمان باشنده پشتونستان ممکن نیست، میباشد. ما میپنداریم که سیاست بیطرفی و عدم اشتراک در پیمانها به بهترین صورتی ضامن تأمین امنیت مردمان، حفظ استقلال ملی شان بوده و در راستای تحکیم صلح کمک میکند».¹⁴⁶

ن. آ. بولگانین و ن. س. خروشچف هنگام سفرشان از فاکولته طب¹⁴⁷ دانشگاه کابل و مکتب حربی نیز بازدید نمودند.

¹⁴¹ - Adamec L.W. Afghanistan's Foreign Affairs to the Mid-Twentieth Century. - Arisona, 1974. P. 266-

¹⁴² - Н.А. Булганин, Н.С. Хрущев. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. - М., 1955. С. 183.-

¹⁴³ - از مواد مصاحبه مولف با سلیمان لایق. -

¹⁴⁴ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۷ دسامبر سال ۱۹۵۵ م.

¹⁴⁵ - همانجا...

¹⁴⁶ - Н.А. Булганин, Н.С. Хрущев. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. - М., 1955 г. С. 185-186.-

¹⁴⁷ - روزنامه انیس مورخ ۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۵ م. -

ن. آ. بولگانین هنگام بیانیه در ضیافت دایر شده بافتخار هیأت شوروی در کلوپ افسران اعلام کرد که «به نشانه دوستی فزاینده و استحکام یابنده میان خلقهای اتحادشوروی و افغانستان» صلاحیت دارد به حکومت افغانستان ۱۵ عراده بس برای شهر کابل و تجهیزات برای شفاخانه نظامی ۱۰۹ بستر را ببخشد.¹⁴⁸

مهمانان شوروی در جشن ورزشی در استادیوم غازی اشتراک کردند. ن. س. خروشچف در برابر حضار بیانیه گرمی ایراد کرد. او یادآوری کرد که «میان اتحادشوروی و افغانستان صرفنظر از سیستمهای متفاوت دولتی و سیاسی مناسبات دوستانه بی وجود دارد، که موفقانه رشد مییابد».¹⁴⁹

هیأت شوروی از سوی خود ضیافتی را در اقامتگاهش در کابل ترتیب داد. در این ضیافت اعضای حکومت افغانستان در رأس صدر اعظم محمد داوود، مأموران عالیرتبه دولتی و رؤسای سفارتها و نمایندگیهای دیپلماتیک مقیم کابل اشتراک ورزیده بودند. در محفل ن. آ. بولگانین بیانیه بی ایراد کرده و سفو هیأت شوروی به افغانستان را چنین ارزیابی نمود: «ما با رضایت کامل میتوانیم خاطر نشان سازیم که حکومت شاهی افغانستان و اتحادشوروی نقاط نظر مشترک بسیاری چه در رابطه به اوضاع بین المللی و چه پیرامون راههای حل معضلات بغرنج بین المللی، دارند.

ما وفاداری خویش به پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز که باید شالوده خلل ناپذیر روابط میان دو کشور ما را بسازند، را اعلام نمودیم.

با اتکا به روحیه صلحدوستی و بخاطر تحکیم مناسبات همسایگی نیک میان کشورهای ما، امروز ما همچنان پروتوکیلی را پیرامون تمدید معاهده بیطرفی و عدم تعرض متقابل را امضا نمودیم. این سند فوق العاده بی است که بر شالوده آن اکنون ۲۵ سال مناسبات همسایگی نیک میان کشورهای ما بنا یافته اند.

اینها بودند، نتایج سفر ما به افغانستان. مگر نتیجه مهم اینست که ما یکدیگر را بیشتر و نزدیکتر شناختیم و ما پیرامون مسایل بیشماری تفاهم کامل و اتحاد نظر داشته و دارای برنامه واضح همکاری میباشیم. همه اینها ما را به رشد مناسبات همسایگی نیک و تحکیم دوستی میان خلقهای اتحادشوروی و افغانستان کمک مینمایند».¹⁵⁰

در پایان سفر وزیر امور خارجه محمد نعیم کنفرانس مطبوعاتی دایر کرد. در پاسخ به پرسشی پیرامون مذاکرات با رهبران شوروی، او خاطر نشان کرد که گفته های ن. آ. بولگانین پیرامون پشتونستان با اهداف سیاست افغانستان مطابقت دارد.¹⁵¹

باید گفت که زمامداران پاکستانی سخنان ن. س. خروشچف و ن. آ. بولگانین پیرامون پشتونستان را همچون پشتیبانی از اندیشه پیوستن پشتونهای افغانستان به پاکستان تعبیر کرده بودند. چنانچه وزیر امور خارجه پاکستان منظور قادر اعلام کرده بود: «ممکن است و منطقی گفته مینی بر اینکه پشتونهای ساکن در خاک پاکستان و افغانستان که ریشه های مشترک داشته و در واقع یک ملت بوده و میخواهند زیر یک پرچم زندگی کنند. این میتواند درفش افغانستان و یا درفش پاکستان باشد. برای اینکه به اراده شان پی برد، باید از آنها پرسید. از آنجایی که چنین سوالی از پشتونهای پاکستان قبلاً پرسیده شده و آنها تصمیم به ماندن در پاکستان را گرفتند، پس اکنون باید به پشتونهای ساکن در خاک افغانستان این پرسش را مطرح کرد و احتمال بزرگ وجود دارد که آنها بخواهند به پاکستان ملحق شوند».¹⁵²

با ارزیابی نتایج سفر هیأت شوروی باید گفت که در نتیجه تبادل نظر میان طرفین تفاهمات زیر بدست آمده بود¹⁵³ :

- حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حکومت شاهی افغانستان تصمیم گرفتند که روابط دوستانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور که هر دو دولت به آن علاقمند اند، را گسترش دهند.

¹⁴⁸ - همانجا... -

¹⁴⁹ - اصلاح مورخ ۱۹ دسامبر سال ۱۹۵۵ م. -

¹⁵⁰ - Н.А. Булганин, Н.С. Хрущев. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и

Афганистане. - М., 1955г. С. 192-196... افغانستان... برما و سفرهای هند، برما و افغانستان

¹⁵¹ - روزنامه انیس مورخ ۱۹ دسامبر سال ۱۹۵۵ م. -

¹⁵² - Pathans. The people of Pakistan. - Karachi 1962 . P119.-

¹⁵³ - АВП РФ. Ф. Посольства СССР в Афганистане. Оп. 62а. Д. 2. П. 86.

- آرشیف وزارت خارجه روسیه، اسناد سفارت اتحادشوروی در کابل:..-

- حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حکومت شاهی افغانستان معتقد اند که خلقها و ملت‌هایی که هنوز از داشتن آزادی و استقلال ملی محروم اند، حق دارند که بر مبنای منشور ملل متحد سرنوشت خویش را بدون فشار از خارج خود تعیین کنند.
- حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حکومت شاهی افغانستان اعلام میدارند که به پنج اصل- احترام متقابل به تمامیت ارضی، عدم تعرض، عدم مداخله در امور درونی یکدیگر که بر شالوده‌های دلایل اقتصادی، سیاسی صورت بگیرد و بر اصول برابری، بهره متقابل و همزیستی مسالمت آمیز استوار باشد،- وفادار اند. این اصول که با تقاهم نظر کلی اشتراک کنندگان کنفرانس کشور های آسیا و افریقا در باندونگ پذیرفته شده اند، بنیان تأمین صلح و تفاهم متقابل میان مردمان جهان را ساخته و با مرامها و اصول سازمان ملل متحد مطابقت دارند.
- حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حکومت شاهی افغانستان میبندارند، که اوضاع کنونی و تشنجات در مناطق شرق دور خطری برای امنیت و آرامش جهانی است. آنان معتقد اند که همهء مسایل بغرنج در شرق دور باید برای امر صلح حل گردند. مسایل مربوط به چین، باید بادر نظر داشت حقوق مردم چین حل شده و منجمله جمهوری خلق چین باید جایگاهش را در سازمان ملل متحد، بگیرد.¹⁵⁴

همچنان آنها یک اعلامیه مشترک پیرامون همکاریهای اقتصادی را بتصویب رساندند. حکومت دو کشور همچنان از گسترش روز افزون مناسبات بازرگانی و اقتصادی ابراز رضایت کردند. همچنان موافقتنامه افغان- شوروی درباره مسایل ترانزیتی امضاً شد که برای رشد روابط بازرگانی خارجی افغانستان و تحکیم عدم وابستگی اقتصادی آن به پاکستان از اهمیت بسیاری برخوردار بود. این موافقتنامه به سرمایه تجاری افغانستان امکانات گسترده‌ی را برای رهایی به بازارهای خارجی مهیا ساخت¹⁵⁵

همزمان رهبران هر دو کشور به یک نتیجه واحد مبنی بر لزوم رشد بیشتر روابط شان بخاطر منافع متقابلاً مفید کشور هایشان رسیدند.

به این منظور حکومت‌های اتحاد شوروی و افغانستان اهمیت انجام کارهای آمادگی نمایندگان باصلاحیتشان بخاطر بررسی شیوه‌های متقابلاً مفید همکاریهای اقتصادی و تخنیکی را در راستای عقد موافقتنامه‌های مربوطه درک مینمودند.

تفاهم شد که نمایندگان باصلاحیت نامبرده در جمله مسایل مربوطه همکاریهای کشاورزی، ساختمان نیروگاههای برق آبی، سیستم‌های آبیاری، ترمیمگاههای موثر در افغانستان و همچنان بازسازی فرودگاه کابل را برررسی نمایند.

حکومت اتحاد شوروی آمادگی اش را در امر کمک تخنیکی و مالی به شکل کریدت برای تحقق برنامه‌های مطروحه در راستای رشد کشور شاهی افغانستان ابراز داشت.

حجم کریدت، پیشکش شده توسط اتحاد شوروی به این منظور که طویل‌المدت بود، بالغ بر ۱۰۰ میلیون دالر میشد. شرایط اعطای این قرضه در مذاکرات بعدی طرفین معین شدند.¹⁵⁶

این کریدت برای ۳۰ سال با در نظر داشت ۲٪ پرداخت سالانه، پس از ۸ سال بعد از استفاده از بخش م عین کریدت مطابق سهمیه سالانه، در درازنای ۲۲ سال با صدور کالاهای افغانی به اتحاد شوروی باید تسویه میشد.

پس از سفر رهبران شوروی به افغانستان جو مناسبات دو کشور طور چشمگیر گرمتر شده و بیدرنگ تحقق مسوولیت‌های قبول کرده اتحاد شوروی آغاز شد. در آغاز سال ۱۹۵۶ مراسم بخشش هواپیمای «ایل ۱۴» که به شاه افغانستان از جانب ن. آ. بولگانین و ن. س. خروشچف هنگام سفر ماه دسامبر سال ۱۹۵۵ شان به کابل و عده داده شده بود، برگزار شد. سپس مراسم بخشیدن ۱۵ عراده بس و تجهیزات برای شفاخانه ۱۰۰ بستر نظامی صورت گرفت.¹⁵⁷

در سال ۱۹۵۶ در افغانستان از ۳۵ مین سالگرد عقد معاهده دوستی میان اتحاد شوروی و افغانستان تجلیل بعمل آمد. در این رابطه روزنامه‌های رسمی سرمقاله‌هایی پیرامون محفل بزرگداشت دایر شده در مسکو را بنشر رساندند. همچنان

¹⁵⁴ - АВР РФ. Ф. Посольства СССР в Афганистане. Оп. 62а. Д. 2. П. 86.

-- همانجا: آرشیف وزارت خارجه روسیه، اسناد سفارت اتحاد شوروی در کابل.

¹⁵⁵ - همانجا....

¹⁵⁶ - روزنامه انیس، مورخ ۱۹ دسامبر سال ۱۹۵۵ م.

¹⁵⁷ - روزنامه اصلاح، مورخ ۲۸ فیبروری سال ۱۹۵۶ م.

سفارت اتحادشوروی در کابل نمایشگاه عکسی پیرامون دوستی اتحادشوروی و افغانستان با محفل وسیعی را دایر کرد.¹⁵⁸

در ماه مارچ سال ۱۹۵۶ موافقتنامه اعطای کمک تخنیکی برای رشد اقتصادی افغانستان امضا شد.¹⁵⁹ همچنان ساختمان ۱۶ پروژه گوناگون در چوکات پلان پنجساله در نظر گرفته شده بود. در آنجمله ساختمان نیروگاههای نغلو و پلخمری، کارخانه ترمیم موتر «جنگلک»، فابریکه تولید کود کیمیاوی در مزار شریف، سه بند در سیستم آبیاری جلال آباد، میدانهای هوایی در کابل و بگرام، شاه راه موتر رو از طریق کوه هندوکش (از راه کوتل سالنگ- مترجم)، بندر رودخانه یی قزل قلعه (شیرخان بندر قندز- مترجم) و غیره شامل بودند.¹⁶⁰

همزمان هیأت شوروی در رأس رییس اداره هواپیمایی ملکی اتحادشوروی جهت مذاکرات برای عقد موافقتنامه پیرامون ارتباطات هوایی دوکشور به کابل آمد. موافقتنامه مذکور امضا شده و در ماه جون ۱۹۵۶ ولسی جرگه افغانستان آنرا تصویب کرد.¹⁶¹

در ماه می ۱۹۵۶ کابل مهماندار هیأت کارمندان پزشکی در رأس آمر دیپارتمنت جراحی عمومی انستیتوت شماره دوم طبی مسکو پروفیسور زایتسیف و عضو هیأت رهبری اکادمی علوم طبی پروفیسور سپیرانسکی، آمر دیپارتمنت بیماریهای چشم انستیتوت طب شهر کویبیشف پروفیسور ایریشوفسکی و آمر دیپارتمنت امراض نسایی و ولادی انستیتوت شماره یکم طب مسکو پروفیسور بودیازنی بود که جهت آشنایی با مؤسسات طبی کابل و خواندن لکچرها به آنجا رفتند.¹⁶² در مقابل هیأت پزشکان افغان نیز بشهرهای اتحادشوروی رفته و با سیستم بهداشت اتحادشوروی آشنا شد.

در همانسال هیأت کشاورزی اتحادشوروی نیز به افغانستان رفته و با شیوه پرورش گوسفند قره قل و کشت پنبه آشنا شد.¹⁶³

به ادامه موافقتنامه های عقد شده در اول مارچ ۱۹۵۶، قراردادی برای کمک تخنیکی به افغانستان در امر مراقبت و خدمات جاده پلخمری- کابل، ساختمان فابریکه کود کیمیاوی مزار شریف و لابراتورهای فزیک و کیمیا از حساب قرضه اتحاد شوروی در وزارت معادن و صنایع عقد شد.¹⁶⁴

در عرصه سیاست خارجی مثنی بیطرفی افغانستان اهمیت بسیاری داشت. در ماه جون سال ۱۹۵۶ ولسی جرگه پروتوکل معاهده بیطرفی و عدم تعرض متقابل از ۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۵ را که توسط وزیران خارجه افغانستان محمد نعیم و ا. ا. گرومیکو امضا شده بود، برای دهسال دیگر تمدید کرد.¹⁶⁵ در این پروتوکل خاطر نشان شده بود که معاهده سال ۱۹۳۱ «پاسخگوی منافع حیاتی جانبین» بوده و در راستای «استحکام و گسترش روابط دوستانه و همسایگی نیک موجود میان مردمان اتحادشوروی و افغانستان» مفید است.¹⁶⁶

از سوی خویش افغانستان نیز از سیاست همسایگی نیک با اتحادشوروی استقبال میکرد. گام مهم در دوره های پسین سفر رسمی صدراعظم محمد داوود به مسکو در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۷ بود.¹⁶⁷ از وی در پایتخت اتحاد شوروی بگرمی استقبال شد. در تالار کلونی کاخ اتحاد شوروی میزبانی به افتخار دوستی اتحادشوروی و افغانستان دایر شد، که در آن صدر هیأت رییس شورای عالی اتحادشوروی ک. وروشیلوف و صدراعظم م. داوود بیانیه های متقابلی را ایراد نمودند.¹⁶⁸

¹⁵⁸ - روزنامه های اصلاح و انیس، مورخ ۲۶ - ۲۸ فیبروری سال ۱۹۵۶ م.

¹⁵⁹ - روزنامه اصلاح مورخ ۲۶ فیبروری سال ۱۹۵۶ م.

¹⁶⁰ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۹ جون سال ۱۹۵۶ م.

¹⁶¹ - روزنامه اصلاح مورخ ۴ می سال ۱۹۵۶ م.

¹⁶² - همانجا....

¹⁶³ - انیس مورخ ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۵۶ م.

¹⁶⁴ - روزنامه انیس مورخ ۱۹ جون سال ۱۹۵۶ م.

¹⁶⁵ - آرشیف وزارت خارجه روسیه: АВР РФ. 1956. Ф. 042. Оп. 68в. Пор. 2. П. 88....

¹⁶⁶ - Независимый Афганистан. Сборник статей. / Отв. ред. Р.Т. Ахрамович. - М., 1958.

C. 31.

افغانستان مستقل. مجموعه مقالات. تحت نظر ر. ت. اخراموویچ... م. سال ۱۹۵۸ م.

¹⁶⁷ - آرشیف وزارت خارجه روسیه: АВР РФ. 1956. Ф. 042. Оп. 68в. Д. 2. П. 88....

¹⁶⁸ - همانجا: АВР РФ. 1956. Ф. 042. Оп. 68в. Д. 2. П. 88....

در ماه فیبروری سال ۱۹۵۷ رادیوی مسکو نشراتش را بزبان پشتو آغاز کرد.¹⁶⁹ باین مناسبت روزنامه انیس متنهای بیانات وزیر فرهنگ اتحاد شوروی ن. میخایلو ف و کاردار سفارت افغانستان در مسکو عبدالقیوم را پیرامون گسترش روابط فرهنگی میان افغانستان و اتحادشوروی بنشر رساند.¹⁷⁰ بخاطر تأمین ارتباطات با کمیته دولتی رادیوی اتحادشوروی هیأت افغانی در رأس گل پاچا الفت رییس «پشتو تولنه» به مسکو سفر کرد.¹⁷¹ همچنان در چوکات توافقنامه همکاریهای فرهنگی سفیر اتحادشوروی در کابل م. و. دگتیار کاپی ۱۵ حلقه فیلم شوروی در باره افغانستان را به رییس مطبوعات افغانستان سید قاسم رشتیا بخشید.¹⁷²

در اینزمان در افغانستان بدقت مراقب رویدادهای سیاسی، اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی در کشور همسایه بودند. چنانچه در ماه نوامبر ۱۹۵۷ از ۴۰ مین سالگرد انقلاب اکتوبر تجلیل بعمل آمد. در سفارت شوروی در افغانستان باین مناسبت محفل بزرگی برگزار شده بود که درباره آن جراید انیس و اصلاح خبر داده بودند. در اجلاس افتخاری شورای عالی اتحادشوروی به مناسبت ۴۰ مین سالگرد انقلاب در مسکو ن. س. خروشچف بیانیه میسوطی ایراد کرد که در پنج شماره روزنامه های اصلاح و انیس بنشر رسید. در جشن نامبرده در مسکو در ترکیب هیأت افغانی س. ق. رشتیا و محمد قاسم وجد اشتراک داشتند که مقاله مربوطه آن بنام «سیزده روز در مسکو» در یکی از شمارههای انیس نشر شد.¹⁷³

در همانسال اتحاد شوروی نخستین قمر مصنوعی را بفضا پرتاب کرد. روزنامه های انیس و اصلاح در چندین شماره خویش خبر مربوط به گشایش نمایشگاه عکس «زندگی مردم شوروی» را که در لیسه حبیبیه گشایش یافته و درباره همین رویداد بود، بازتاب دادند.¹⁷⁴ به افتخار پیروزیهای شوروی در امر تسخیر کیهان انجمن دانشمندان پوهنتون (دانشگاه) کابل تلگرام تیریکیه یی عنوانی اکادمی علوم اتحاد شوروی فرستاد.¹⁷⁵

همزمان میان دوکشور روابط تخنیکی- اقتصادی گسترش مییافت. برشالوده قرارداد اصلی پیرامون کمک تخنیکی شوروی میان وزارت مخابرات افغانستان و شرکت «وستوک اینتورگ»، توافق بعمل آمد تا مواد و سامانه های لازم برای خط تلگراف کابل- مزار شریف و کابل- قندهار¹⁷⁶ تهیه شود، همچنان پسانتر وزارت مخابرات افغانستان از وستوک اینتورگ تجهیزات تلیفونی را بارزش ۴۲۶۶۳۳ دالر بدست آورد.¹⁷⁷ بر علاوه مطابق اطلاعیه آژانس باختراز جولای ۱۹۵۷ برشالوده تفاهم نامه ۳۰ جولای ۱۹۵۷ میان وزارت معادن و صنایع افغانستان و شرکت تخنو اکسپورت اتحادشوروی نیز قراردادی برای جستجوی نفت در نواحی شمالی افغانستان عقد شده¹⁷⁸ و برای این منظور پروفیسور شوروی توایف بحیث مشاور امور تفحص نفت در شمال افغانستان به کابل آمد. به این منظور قرارداد مربوط به عکسبرداری هوایی ترتیب شده و نقشه تخنیکی برای مناطق باقیمانده شمال افغانستان تهیه شد.¹⁷⁹

یک رویداد با ارزش در مناسبات دوکشور در سال ۱۹۵۷ دعوت ظاهرشاه از صدر هیأت ریسه شورای عالی اتحاد شوروی ک. ای. وروشیلوف برای بازدید از افغانستان بود¹⁸⁰، که در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۸ با یک سفر حسن نیت به این کشور رفت.¹⁸¹ او در هنگام اقامت در کابل به دانشگاه کابل ۱۵۰۰ جلد کتاب علمی- تخنیکی را بخشید. شوربختانه که جزئیات این سفر بطور گسترده توسط رسانه ها بازتاب نیافتند. مگر در جریان سفر تصمیم گرفته شد معاون صدراعظم افغانستان بزودی به مسکو سفر کند.

۱۶۹ - АВР РФ. 1957. Ф. 042. Оп. 69. Д. 1. П. 83...: آرشیف وزارت خارجه روسیه.

۱۷۰ - روزنامه انیس مورخ ۱۱ فیبروری سال ۱۹۵۷ م.

۱۷۱ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۸ می سال ۱۹۵۷ م.

۱۷۲ - روزنامه انیس مورخ ۳۰ می سال ۱۹۵۷ م.

۱۷۳ - روزنامه های انیس و اصلاح از تاریخهای ۷، ۱ و ۱۹ نوامبر سال ۱۹۵۷ م.

۱۷۴ - روزنامه اصلاح و انیس مورخ ۶ نوامبر سال ۱۹۵۷ م.

۱۷۵ - روزنامه انیس مورخ ۱۱ نوامبر سال ۱۹۵۷ م.

۱۷۶ - روزنامه انیس مورخ ۲۷ فیبروری سال ۱۹۵۷ م.

۱۷۷ - Информационный бюллетень агентства «Бахтар» от 27.07.1957.

خبرنامه آژانس اطلاعاتی باخترا مورخ ۲۷ جولای سال ۱۹۵۷ م.

۱۷۸ - روزنامه اصلاح مورخ ۸ جنوری سال ۱۹۵۸ م.

- - خبرنامه آژانس اطلاعاتی باخترا مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۵۸ م.

۱۸۰ - روزنامه انیس مورخ ۲۹ می سال ۱۹۵۷ م.

۱۸۱ - АВР РФ. 1958. Ф. Посольства СССР в Афганистане. Оп. 70. П. 88.

..: آرشیف وزارت خارجه روسیه، بخش سفارت اتحادشوروی در کابل.

در ماه دسامبر ۱۹۵۸ وزیر امور خارجه افغانستان محمد نعیم با سفری کاری به مسکو رفت. در میدان هوایی معاون رییس شورای وزیران اتحادشوروی آ. ن. کاسیگین، وزیر خارجه اتحادشوروی آ. آ. گرومیکو و غیره شخصیت‌های برجسته حکومت شوروی از وی پیشواز گرفتند.¹⁸²

مطبوعات افغانستان سفر محمد نعیم را بطور گسترده بازتاب دادند. روزنامه های انیس، اصلاح و هیواد¹⁸³ ابراز امیدواری میکردند که چنین تماسها و تبادلۀ نظر پیرامون خاور میانه گویای علاقمندی جانبین در امر تحکیم امنیت این منطقه و کل جهان و اعتماد ژرف و متقابل طرفین میباشد.

وزیر خارجه هنگام برگشت به وطن با روزنامه نگار آلمانی فون شتوکهاوزن مصاحبه نمود که محتوای آن چنین بود:

«پرسش: والاحضرت، در بیانیه منشورهء چندی پیش درباره مذاکرات تدویر یافته در مسکو آمده است که اتحادشوروی نه تنها کمکهایش را به افغانستان ادامه میدهد، بلکه آنها را گسترش خواهد داد. ماهیت این جمله در چه نهفته است، آیا شما میتوانید درین مورد توضیحات دهید؟»

پاسخ: بخشی از پلان انکشافی کشور که از حساب کریدت ۱۳۳۴ (۱۹۵۵ م.) اجرا میشود، توسط دولت دوست و همسایه ما اتحادشوروی باشرایط خیلی مناسب در اختیار ما قرار داده میشود. طوریکه شما در اعلامیه میبینید، در نتیجه مذاکراتم در مسکو پروگرام فوق الذکر کمک ادامه داده شده و توسعه خواهد یافت. گسترش این برنامه باید در آینده توسط هر دو طرف تأیید شود، مگر بصورت عموم این امر مربوط به پروژهای مواصلاتی خواهد شد.

پرسش: آیا مذاکرات چندی پیش دایر شده در سیاست خارجی افغانستان، از جمله روی معضل پشتونستان مؤثر خواهند بود؟

پاسخ: مفهوم اعلامیه نامبرده هویدا است. در آن تاکید شده که، وزیر خارجه افغانستان باز هم سیاست بیطرفی و صلحجویانه را تأیید کرد. در مورد معضله پشتونستان سیاست ما بدون تغییر باقی میماند. ما همواره میسنویم که اشخاص مسوول یک کشور میگویند، که پشتونها و وطن شان پشتونستان جزء جدایی ناپذیر مملکت شان استند. مگر باید فراموش نکرد که این مسأله و مسایل همانند آن با طرح اظهار نظرهای یکجانبه نمیتواند، حل گردد. افغانستان همیشه طرفدار آن بوده که مسأله پشتونستان با توافق خود پشتونها و با در نظر داشت حق خود ارادیت شان حل و فصل گردد. این راه که درستترین شیوه است باعث تقویت صلح در منطقه ما میشود.¹⁸⁴

یک واقعتی جالب: هنگام سفر محمد نعیم خان در مسکو شهزاده محمد نادر در آنجا مشغول در مان بود. البته تا آغاز سالهای ۵۰ اعضای خانواده شاهی طور عنعنوی به آلمان میرفتند، ولی از پایان سالهای ۵۰ آنها به دوکتوران شوروی اعتماد میکردند.

در آغاز سالهای ۶۰ دوستی و همکاری دوکشور برجسته تر شدند. روزنامه های افغانی از آن ببعده مقالاتی درباره دستاوردهای مردم شوروی، پیرامون نخستین قمر مصنوعی هم‌اند دست‌آوردی بینظیر، عملی و مهم دانش بشری مینوشتند. بقول روزنامه های افغانستان با پرتاب راکت فضایی بسوی م‌هتاب بتاریخ ۲ جنوری سال ۱۹۵۹ که به مدار زمین رسید، اتحادشوروی به پیروزی بی دست یازید که در تاریخ علوم در جهان سابقه نداشت. رسانه های افغانستان خبر میدادند که در سال ۱۹۵۷ اتحاد شوروی راکت قاره پیمای بالستیکی را که قادر بود سر گلوله اتمی را تا خاک ایالات متحده انتقال دهد، مؤفقاانه آزمایش کرد. به اینترتیب دوری ایالات متحده از صحنهء عملیات جنگی اروپا دیگر ضامن امنیت آنکشور نبود. روزنامه های افغانی تأکید میکردند که بکمک این نوع راکتها نخستین قمر مصنوعی زمین پرتاب شده است.¹⁸⁵

مهمترین لحظه در مناسبات افغانستان- اتحادشوروی بنیانگذاری انجمن دوستی و روابط فرهنگی افغانستان- شوروی¹⁸⁶ بتاریخ ۲۸ اکتوبر سال ۱۹۵۹ بود. رییس این انجمن رییس انستیتوت اتنوگرافی اکادمی علوم اتحادشوروی پروفیسور

¹⁸² - روزنامه انیس مورخ ۱ جنوری سال ۱۹۵۹ م. -

¹⁸³ - انیس، اصلاح و هیواد مورخ ۱۶ تا ۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۸ م. -

¹⁸⁴ - روزنامه اصلاح، مورخ ۲۴ جنوری سال ۱۹۵۹ م. -

¹⁸⁵ - АВП РФ. Ф. Посольства СССР в Афганистане. Оп. 62a. Пор. 2. П. 86.

- آرشیف وزارت خارجه روسیه، بخش سفارت شوروی در افغانستان:..

¹⁸⁶ - Adamec L. Historical dictionary of Afghanistan. 2d edition. - London, 1997. C. 357. -

س. پ. تولساوف بود. در ترکیب رهبری انجمن دوستی شوروی- افغانستان که چهره های نامور اجتماعی و دولتی شوروی شامل آن بودند، که با اتوریته لازم ارزش این سازمان اجتماعی را بالا برده و در بسیاری موارد با همکاران افغانی شان روابط مستقیم و کاری بقرار میکردند.¹⁸⁷

کار بخشهای انجمن دوستی که در پروژه های بزرگ افغان- شوروی تطبیق میشد، خیلی مؤثر بود. پروژه کامپلکس آبیاری جلال آباد و فارمهای زراعتی حومه جلال آباد نمونه هایی ازینجمله بودند. با برکت راه اندازی این پروژه که در آن بیشتر از ۱۱ هزار نفر کار میکردند، مشکلات تأمین انرژی و آب آشامیدنی شهر جلال آباد بکمک بهره برداری نیروگاه آبی نغلو (با توان ۶۷ هزار کیلو وات)¹⁸⁸ و سروبی (باتوان ۲۲ هزار کیلو وات)¹⁸⁹ رفع شده، تولیدات فارمهای کشاورزی «غازی آباد» و «هده» بیشتر از تقاضای بازار داخلی بوده و حتی صادر میشد.

انجمن دوستی افغانستان- شوروی که در سال ۱۹۶۰ بنیان گذاشته شد. نخستین رییس این انجمن وزیر عدلیه افغانستان محمد اصغر بود. ایجاد این انجمن محصول بهبود روابط افغانستان- شوروی پس از سفر رهبران دوکشور ن.س. خروشچف و محمد ظاهر شاه به کشور های یکدیگر بود.¹⁹⁰

مناسبات دو کشور در عرصه فرهنگی نیز رشد مینمودند. نخستین بار در سال ۱۹۶۱ نامه های ماکسیم گورکی در باره ادبیات بزبان پشتو چاپ شد که شاعر مشهور افغان گل پاچا الفت آنرا همچون «نمونه تقریظ، نقد ادبی و رهنمای نیکو برای نویسندگان» ارزیابی کرد. بر علاوه شخصیت گورکی خود برای افغانها دلچسپ بوده و آنها وی را محترم میشمردند. نویسندگان نامور افغان چون سید قاسم رشتیا، ظاهر افق، ص. رشتین، س. شپون، ن. تره کی و غیره¹⁹¹ مقالاتی را پیرامون کارنامه های این نویسنده روس نوشته بودند.

با ارزیابی مناسبات افغانستان- شوروی در سالهای صدارت محمد داوود خان، بجا ست گفته شود که حتی در سال ۱۹۵۵ در زمان تدویر لویه جرگه هنگام پذیرش اصول اساسی سیاست خارجی داوود خان از جمله اصل همکاری همه جانبه افغانستان و اتحادشوروی تصویب شد. با برکت کمکهای سخاوتمندانه تکنیکی و اقتصادی اتحادشوروی محمد داوود توانست در دوره صدارتش از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ ثبات نسبی سیاسی را در کشور تأمین کند.

سیاستی که شالوده آن همکاری با اتحادشوروی بود، به پندار رییس حکومت (افغانستان) نزدیکی افغانستان با اتحادشوروی باعث نگرانی ایالات متحده و غرب شده و در نهایت محمد داوود تصمیم داشت در موقف واشنگتن نسبت به حمایت از پاکستان تغییر بمیان آید. مگر انکشاف بعدی حوادث نشان دادند که ایالات متحده نه تنها سیاست دفاع اش از پاکستان پیرامون پشتونستان دگرگون نه کرد بلکه تقویه حمایت نظامی آنرا تحکیم هم بخشید.

تا امروزه روز کارشناسان، سیاستدانان و تاریخنگاران در مورد اینکه آیا سیاست عدم انسلاک افغانستان و نیپوستن به پیمانهای نظامی، رویارویی با پاکستان روی معضله پشتونستان و همکاری نظامی با اتحادشوروی، به نفع افغانستان بوده یا نه، اختلاف نظر دارند. برخی دلایل که افغانستان نمیتوانست به پیمانهای نظامی بیبوند، ناشی از معاهده بیطرفی و عدم تعرض عقد شده در جون ۱۹۳۱ بودند. چنانچه مطابق فصل ۴ و ۵ این معاهده، افغانستان مکلف بود از پیوستن به بلوکهای نظامی ضد اتحادشوروی خودداری کند. در مورد موقف ایالات متحده امریکا، نیکیتا سرگویچ خروشچف در خاطر اتش مینویسد: «امریکا تظاهر میکرد که به افغانستان کمک اقتصادی میکند، مگر در واقعیت آنها منافع خویش را دنبال میکردند. هنگام سفرم به افغانستان به ما هویدا شد که امریکاییها مرام واضحی مبنی بر ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان دارند. امکاناتی را که ما دادیم، بهدر نرفتند. ما دوستی و اعتماد افغانها را کمایی کردیم و آنها بدام امریکاییان نیافتادند. پولهای خرچ شده در افغانستان- در مقایسه با مصارف دفاع احتمالی ما از پایگاه امریکایی قطره هایی در بحر اند. شما میتوانید آن مصارفی را که اجباراً ما برای تحکیم مرزهای ما با افغانستان متقبل میشدیم، تصور کنید».¹⁹²

اودیهف، گ. سایت افغانستان رو. www.afghanistan.ru/doc/6514.html.... - Г. Авдеев. ¹⁸⁷

Гуревич Н.М. Внешняя торговля Афганистана. - М. 1981. С. 161. ¹⁸⁸

گوریویچ، سیاست خارجی افغانستان، مسکو، ۱۹۸۱. ص. ۱۶۱.. قابل یادآوریست که توان کلی بند برق نغلو ۱۰۰ میگاوات بود (مترجم).

Теплинский Л.Б. История советско-афганских отношений 1919-1978. - М., 1988. С. 67 ¹⁸⁹

تیلینسکی ل. ب. تاریخ مناسبات افغانستان- شوروی ۱۹۷۸-۱۹۱۹. مسکو سال ۱۹۸۸. ص. ۶۷.

اودیهف. روسیه و افغانستان. بخش یکم، مسکو. ص. ۱۱-۱۰. 11-10. - Авдеев. Россия - Афганистан. Ч. 1., - М., С. ¹⁹⁰

گراسیمووا آ. س. روسیه و افغانستان مسکو. ص. ۹۴. 94. - Герасимова А.С. Россия - Афганистан. - М., С. ¹⁹¹

АВР РФ. Ф. 071.1965. Оп. 67а.Д. 2. П. 86. ¹⁹²

افسانه ایجاد بلیگ‌ها توسط نظامیان امریکایی در خاک افغانستان که در پندار رهبران شوروی جاگرفتن بود، تا زم‌انی نامعلوم رشد نموده، ماندگار شده و از جمله یکی از دلایل دخول قوای اتحادشوروی در دسامبر سال ۱۹۷۹ به افغانستان شد.

در این میان اتحادشوروی با حمایت از سیاست پشتونستان افغانستان آنکشور را به ساحه نفوذ خویش کشاند که بتدریج وابستگی آنکشور در عرصه های گونه گون از جمله اجتماعی- اقتصادی و نظامی- سیاسی بیشتر شد. صباح الدین کشکی مؤرخ مشهور در مورد مناسبات شوروی- افغانستان چنین گفته است: «واضح بود، چرا شورویها از سردار محمد داوود و سیاستش در قبال پشتونستان حمایت میکردند. شورویها میدانستند، که این امر باعث فاصله افغانستان از غرب و در نهایت وابستگی بیشتر به اتحادشوروی میشود».¹⁹³

با آغاز کمکهای شوروی ایالات متحده با تأخیر آشکار به همکاری اقتصادی به افغانستان آغازید، مگر پهنای این کمکها محدود بود. چنانچه از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۸ اتحادشوروی به اقتصاد و ضروریات ارتش افغانستان ۲،۵ میلیارد دالر کمک کرد، در حالیکه کمک ایالات متحده ۵۳۲،۹ میلیون دالر بود.¹⁹⁴

مناسبات کابل و مسکو با گذشت هر روز بطور آشکارا گسترش یافته و باعث نزدیکی هر چه بیشتر دوکشور میشد. داکتر غنی احمدزی درست میپندارد که یکی از دلایل همکاری دوکشور آن بود که اتحادشوروی نمیخواست در مرزهایش پایگاههای نظامی خارجی را ببیند و افغانستان به گسترش کمکهای اقتصادی نیاز داشت.¹⁹⁵

محمد داوود میخواست با ایالات متحده نزدیک شود، مگر زمانیکه برای امریکا انتخاب میان افغانستان و پاکستان بمیان آمد، گزینه کشور اخیر الذکر جای نخست را گرفت. در آنزمان اتحادشوروی به افغانستان علاقمندی فزاینده پیدا کرد. برای محمد داوود سیاست پاکستان از یکسو خطر جنگی پنداشته میشد و او میخواست به اسلحه شوروی دسترسی داشته و از سوی دیگر اصلاحات اقتصادی را که به تمویل آنها سخت ضرورت داشت، پیش ببرد. در این شرایط صدراعظم افغانستان مجبور بود برای جلب کمک به اتحادشوروی و کشورهای اروپای شرقی مراجعه کند چون آنها کمکهای شان را به هیچنوع شرط و امتیاز از جانب افغانستان وابسته نمیساختند. شرایط دشوار سیاسی افغانستان را مجبور ساختند تا به ساحل شوروی نزدیک شده ولی به آن لنگر نیندازد.

در چرخش داوود به سوی اردوگاه سوسیالیستی بر خوردهای سخت، دور نا اندیشانه، غیر محتاطانه و بیشتر خشن و توهین آمیز دیپلماسی امریکایی با افغانستان آنروزه و شخص محمد داوود نقش عمده را داشتند.¹⁹⁶ باوجود تلاش مخالفان محمد داوود در درون کشور و خارج از آن که به وی تاپه «سردار سرخ» را ویا حتی بیشتر از آن رهبر سیاسی که بدون قید و شرط به اتحادشوروی وابسته بوده و به «شورویها تمام عرصه های زندگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی افغانها را داده است»، زدند، در واقعیت او بمتابه میهندوست حقیقی مثنی پیگیرانه، خلل ناپذیر و بکلی مستقلانه را که پاسخگوی منافع ملی کشور در عرصه سیاست داخلی و خارجی بود، پیشبرده و هیچگاهی شخص هوادار شوروی و بویژه که «سرخ» نبود.

صدراعظم داوود با برقراری مناسبت نیکو با اتحادشوروی پیش از هر چیز میخواست توانمندی (پوتنسیال) نظامی- سیاسی همسایه نیرومند شمال را به حل معضله پشتونها جلب کند. چنانچه محمد داوود در جریان مذاکرات رسمی و غیررسمی مخفی و گفتگوهای بارها به جانب شوروی کمک مشورتی شان را پیرامون راه اندازی و پیشبرد جنگ پارتیزانی در مناطق قبایل پشتون در خاک پاکستان را مطرح میکرد. او در این موارد نیتش را میری بر مجبور ساختن پاکستان به پذیرش شرایط کابل پیرامون قضیه پشتونستان، پنهان نمیکرد.¹⁹⁷

جانب شوروی در همهء مراحل طرح این مسأله همواره از دادن کمک بطور قاطع خودداری میکرد. چنانچه در جریان سفر ماه اکتوبر سال ۱۹۶۱ هیأت عالیرتبه شوروی به کابل در رأس مارشال و.د. سوکولوفسکی به محمد داوود مستقیماً خاطر نشان شد که تأکید وی برای حل نظامی معضله پشتونستان نتیجه بی بار نیآورده و تلاشهایش برای در دادن جنگ

193 - ظاهر طنین. افغانستان در قرن ۲۰، چاپ تهران. ۲۰۰۴ ص. ۱۰۶ -

194 - Bradsher Henry S. Afghanistan and the Soviet Union. - USA, Duke University Press, 1983, C.18. -

195 - ظاهر طنین، افغانستان در قرن بیست، تهران. ۲۰۰۴ ص. ۱۰۶ -

196 - <http://afg-hist.ucoz.ru/publ/8-1-0-12> -

197 - همانجا - <http://afg-hist.ucoz.ru/publ/8-1-0-12> -

پارتیزانی در خاک پاکستان که عضو پیمان سیاتو است، باعث کشاندن پای اتحادشوروی به جنگ پهناور در منطقه که میتواند به جنگ سوم جهانی بیانجامد، شود.¹⁹⁸ همچنان به درخواست محمد داوود برای تدریس شیوهها و اشکال جنگ پارتیزانی برشالوده تجارب جنگ کبیر مهینی شوروی بادر نظر داشت مشخصات جغرافیایی منطقه به افسران افغان توسط آموزگاران شوروی پاسخ قاطع رد داده شد.

با یادآوری موارد نامبرده بی پایگی پندار نویسنده امریکایی ج. کولینز پیرامون اهداف سفر مارشال سوکولوفسکی به کابل که تحت تأثیر فضای «جنگ سرد» ابراز شده، هویدا میشود. برشالوده پرونده جاسوس امریکایی دگروال او. پنکوفسکی، کولینز مینویسد که هنگام سفر سوکولوفسکی گویا مسأله «امکانات گسیل قطعات شوروی به افغانستان در زمان معین برای اشتراک در عملیات مشترک بر علیه پاکستان»¹⁹⁹ نیز با رهبری افغانستان مطرح شده بود. مگر ما به هیچ سند آرشیفی که گواه طرح این مسأله از سوی محمد داوود و یا مارشال و.د. سوکولوفسکی باشد، برنخوریم. آنچه به برخورد اتحادشوروی با قضیه پشتونستان مربوط است، باید گفت که در اوایل رهبری شوروی موقف بیطرفانه داشت، مگر پسانها این امر دگرگون شد.

چنانچه این امر در گذارش ن. آ. بولگانین در اجلاس هیأت ریسه شورای عالی اتحادشوروی بازتاب یافت. او طی این گذارش گفت که باشندگان پشتونستان قبایل مستقل افغان اند. وی تأکید میکرد: «این منطقه توسط امپراتوری بریتانیا در سال ۱۸۹۳ غصب شده و در سال ۱۹۴۷ برخلاف منافع قبایل باشندگان پشتونستان به ترکیب پاکستان شامل گردیده است. ما از خواست عادلانه افغانستان پیرامون اینکه به باشندگان منطقه سرحدی پشتونستان حق آزادانه انتخاب و خود ارادیت داده شود، پشتیبانی میکنیم.»²⁰⁰

و ن. س. خروشچف رییس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی موضع شوروی را پیرامون معضل پشتونستان فرمولبندی چنین کرده بود: «ما درخواست افغانستان در مورد دادن حق بیان آزاد اراده خلق پشتون پیرامون انتخاب همه پرسی آزاد که از آنان پرسان شود، آیا وی میخواهد در مرزهای دولت پاکستان باقی بماند و یا میخواهد دولت نو و مستقل خویش را تشکیل داده و یا به افغانستان ببیوندند، درست میپنداریم.»²⁰¹

و به اینترتیب در دوره زمانی ۱۹۵۳-۱۹۶۳ صدراعظم افغانستان محمد داوود خان توانست تاحد معینی موضع افغانستان را در عرصه بین المللی تحکیم بخشد.

افغانستان در این زمان به عضو فعال جنبش عدم انسلاک که در برابر بلوکهای نظامی- سیاسی سنتو و سیاتو ایجاد شده بود، مبدل شد.

افغانستان در سالهای ۱۹۵۰-۱۹۶۰ روابط دیپلماتیک را با بیش از ۴۰ کشور برقرار نموده بود. آنچه مربوط به ابرقدرتها میشود، باید گفت که در دوره زمانی یادشده این مناسبات همگون نبودند. از نگاه سیاسی و ایدیولوژیکی کابل به هیچیک از اینها وابستگی نداشت، گرچه محمد داوود خان تلاش مینمود هم از واشنگتن و هم از مسکو کمک بدست آورد. مگر ایالات متحده کمک به افغانستان را به قبول پیش شرطهای معینش مبنی بر شمولیت در بلوکهای نظامی سنتو و سیاتو و خودداری از داعیه پشتونستان مشروط میساخت. داوود خان نه تنها خواستار کمکهای مادی و نظامی- تخنیککی از ایالات متحده و اتحادشوروی بود، بلکه پشتیبانی آنان را در امر سیاستش پیرامون پشتونستان نیز میخواست که فقط از سوی اتحادشوروی محسوس بود.

¹⁹⁸ - <http://www.afghanistan.ru/doc11223.html>

¹⁹⁹ - 5 Collins J.J. The Soviet Invasion of Afghanistan. A Study in the Use of Force in Soviet Foreign Policy. - Toronto, 1986. P. 23. -

²⁰⁰ - Н.А. Булганин, Н.С.Хрущев. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. - М., 1955. С.225 - ۲۲۵. ص. ۱۹۵۵، مسکو. برما و افغانستان. مسکو.

²⁰¹ - همانجا... -

فصل سوم

سیاست محمد داوود خان پیرامون پشتونستان

۳.۱- ریشه های تاریخی معضل پشتونستان

موضع محمد داوود خان در قبال روابط با پاکستان قبلاً از زمان جنگ دوم جهانی شکل گرفته بود. خاورشناس روسی ی. ن. تیخونوف در پژوهش اش «جنگ افغانی استالین. نبرد برای آسیای میانه» مینویسد که در سال ۱۹۴۱ حکومت انگلیس آماده بدترین نوع انکشاف حوادث در وزیرستان که بیشتر ناشی از توانمندی فعالان سیاسی گروه هوادار آلمان در حکومت افغانستان بود، شد.

طوریکه پیشتر یاد آوری شد، این گروه را سردار داوود خان و وزیر اقتصاد ملی آن زمان عبدالمجید زابلی رهبری میکردند. اخیر الذکر علناً به هاشم خان که در آن زمان صدراعظم افغانستان بود، از لزوم «اتحاد قبایل افغان که در دوسوی مرز هند- افغانستان زندگی میکنند» میگفت، چنانچه با این مرام او در سال ۱۹۴۱ به آلمان نیز سفر کرد.²⁰² مگر صدراعظم نمیتوانست نظرات اطرفیانش را در نظر نگیرد. بنابراین وی با استفاده از زمان مناسب میخواست، اگر همه اش ممکن نباشد، حد اقل بخشی از سرزمینهای پشتوننشین ساحل راست رودخانه سند (اباسین)، به افغانستان بپیوندند. زمانیکه وزیر خارجه افغانستان (علی)²⁰³ محمد خان این درخواست را به نماینده بریتانیا فریزر- تئلر داد، او دفعتاً با ناراحتی به وی گفت که «وزیر امور خارجه به تبلیغات خصمانه گوش میدهد».²⁰⁴ همچنان ی. تیخونوف مینویسد که انگلیسها ناگذیر بودند، با افغانها مذاکرات را آغاز کنند چون به حفظ روابط خوب با افغانستان ضرورت داشتند. مذاکرات در کابل صورت پذیرفته و بکلی محرم بودند. مگر سفیر ایتالیا پ. کاوارونی و کاردار سفارت جاپان در کابل ابواساکی میگفتند که از جریان گفتگوها باخبر اند، چون خود افغانها ادعاهای ارضی شان را نسبت به هند برتانوی پنهان کرده و شاید هم درز اطلاعاتی را سازماندهی میکردند. چنانچه بتاريخ ۱۹ فبروری ۱۹۴۱ پ. کاوارونی در گفتگو با سفیر شوروی ک. میخایلو ف خبر داد، که انگلیسها پس از جنگ بندر گوادر در خلیج عمان در نزدیکی مرز بلوچستان و ایران را در اختیار افغانستان قرار میده ند. گویا انگلیسها وعده داده بودند که خط آهن را از قندهار تا بندر نامیرده از راه چمن اعمار کنند.

مؤلف همچنان میافزاید ورود افغانستان به جنگ علیه بریتانیا، در صورتیکه لشکرهای رازی به قفقاز و ولگا حمله نموده، موفق گودند، ممکن خواهد بود. این امر به معنی شمولیت (افغانستان، مترجم) در جنگ علیه اتحادشوروی نیز خواهد بود.²⁰⁵

زمانیکه نیروهای آلمان در سال ۱۹۴۲ به تهاجم بالای استالینگراد و قفقاز پرداختند، در حکومت افغانستان گروه هوادار آلمان زیر رهبری داوود خان زهرومند تر شد. سفیر شوروی ک. میخایلو ف در یکی از گزارشاتش به مسکو نوشته بود، که داوود خان «سخت طرفدار گسترش خاک افغانستان، درگام نخست از حساب الحاق ساحه قبایل پتان (پشتونها را در هندوستان چین مینامیدند، س. پویا) به افغانستان، است.» این «جوانان» برای رسیدن به مرام شان حاضر بودند افغانستان را به جنگ علیه انگلستان بکشانند.²⁰⁶

²⁰² - Тихонов Ю.Н. Афганская война Сталина. Битва за Центральную Азию. - М., 2008.С.318. -

تیخونوف ی. ن. جنگ افغانی استالین. نبرد برای آسیای میانه. مسکو. ۲۰۰۸ م. ص. ۳۱۸.

²⁰³ - در متن اصلی روسی محمد خان آمده. امکان دارد که منظور از علی محمد خان که در این زمان وزیر خارجه افغانستان بود، باشد، دیده شود: و <http://fekrat.kateban.com/print/1964> میر محمد صدیق فرهنگ، جلد دوم، ص. ۶۴۴-۶۴۶ - (مترجم) -

²⁰⁴ - Тихонов Ю.Н. Афганская война Сталина. Битва за Центральную Азию. - М., 2008.С.318. -

تیخونوف ی. ن. جنگ افغانی استالین. نبرد برای آسیای میانه. مسکو. ۲۰۰۸ م. ص. ۳۱۸.

²⁰⁵ - همانجا ص. ۳۹۸.

²⁰⁶ - همانجا -

داوود خان و افراد پیرامونش آماده شورش مسلحانه در مرز افغانستان- هند شدند. آلمان رساندن اسلحه و مهمات را به شورشیان بعهده گرفت.²⁰⁷ قرار بود محمد هاشم خان و دیگر افراد هوادار انگلیس را از صحنه برداشته و حکومت جدید را که با آلمانیها در راستای تحرک بسوی هند کمک نماید، بقدرت بوسازند. داوود خان به این امر بیک شرط موافقه کرد که به او ضمانت داده شود که خاندان حاکم در رأس قدرت افغانستان بماند.²⁰⁸

مگر آلمان و ایتالیا به داوود خان ضمانت بقدرت ماندن دودمان یحیی خیل را ندادند، که رهبر توطئه گران (داوود، مترجم) نیز به آن تعلق داشت. در برنامه های این دو دولت برگرداندن امان الله خان به تخت سلطنت مطرح بود، شخص که در برلین و روم فکر میکردند، برایشان آسانتر است، تا شورش ضدانگلیسی قبایل را در مرز افغانستان- هند سازماندهی کند. زمامداران آلمان و ایتالیا درست میدانستند که پس از تصرف قفقاز توسط ورماخت (ارتش آلمان نازی، مترجم)، هیچ چیزی مانع تهاجم واحدهای اردوی آلمان و متحدان آن به افغانستان و رسیدن به مرزهای هندوستان نمیشود. بنابراین قبول هر نوع تعهد برای بقای سلسله یحیی خیل در قدرت به معنی بستن دستهایشان بود. چنانچه سفیر آلمان گ. پیلگر و نماینده ایتالیا پ. کوارونی از رهبران شان دستور یافتند، هر نوع درخواست توطئه گران را رد کنند.²⁰⁹ روابط پنهانی داوود خان و نمایندگیهای دیپلماتیک آلمان و ایتالیا در خزان سال ۱۹۴۲ گسستند.

با درک مناسبات سیاستمداران پرنفوذ افغان با آلمان و ایتالیا، بریتانیا علناً حکومت هاشم خان را زیر فشار قرار داد. چنانچه به قول میر غلام محمد غبار انگلیسها در این راستا چنان پیش رفتند که روزی در سینمای وزارت دفاع افغانستان به افسران افغان فیلمی از پیروزیهای ارتش فاشیستی در جنگ را نشان میدادند، در روز بعدی آتشه نظامی سفارت انگلیس در کابل به وزارت دفاع رفته و بدون اجازه و در زدن به دفتر وزیر دفاع شاه محمود خان که در آن جلسه یی باشتراک رییس ارکان قوای مسلح و افسران بلند رتبه دیگر جریان داشت، داخل شد. آتشه نظامی با صراحت به وزیر دفاع گفت: «شما سیاست بیطرفی تان را اعلام کردید، مگر در عمل فیلمهای تبلیغاتی دشمنان بریتانیا را نشان میدید.» و با بیان این کلمات او از دفتر وزیر خارج شد. وزیر دفاع افغانستان خاموش بوده و هیچ چیزی نگفت. مگر فردای آن روز سینما را بستند.

پس از این ادارهء ضبط احوالات افغانستان شبکهء خبرچینانش را در افغانستان گسترده ساخت تا اطلاعاتی از روحیه و برخورد مردم جمعآوری کند.²¹⁰

پس از جنگ دوم جهانی، زمانیکه دیگر هند برتانوی وجود نداشت، بتاريخ ۳ جون ۱۹۴۷ نیمقاره هندوستان به دو دولت هند و پاکستان تقسیم شد،²¹¹ که در ترکیب اخیر الذکر سرزمینهای پشتونهای شرقی نیز شامل شدند. از آزمان خط دیورند سرحد واقعی میان پاکستان و افغانستان بوده و مناسبات دوکشور در دهه نخست موجودیت پاکستان با بغرنجی در سطح منطقه و بین المللی انکشاف مییافت.

از ۶ تا ۱۷ جولای ۱۹۴۷ در پشتونستان ريفراندمی پیرامون تعلق به وابستگی دولتی پشتونها در هند برتانوی پیشین راه اندازی شد. مگر باوجود موقف غفار خان در پرسشنامه رأی پرسی همگانی ماده بی بنام دولت پشتونستان نیامده بود. سؤال فقط در مورد پیوستن به هند و یا پاکستان مطرح شده بود. رهبر پشتونها عبدالغفار خان تقاضا میکرد که به پشتونها حق ایجاد دولت خودی پشتونستان داده شود. کابل کمپاین تبلیغاتی یی را در پشتیبانی از درخواست زعیم پشتونها براه انداخت. مگر نایب السلطنه هند لارڈ مائونبیتین که جدول پرسشنامه را میساخت این درخواست را رد کرد. و در آنحالت رهبر پشتونها از قبایلش خواست ريفراندم را بایکوت کنند.

رهبر ملی مشهور پشتونها عبدالولی خان (فرزند عبدالغفار خان) پیرامون این موضوع نوشته است: «در ولایات دیگر انگلیسها نظر شوراهای ایالتی را میپرسیدند، مگر از ما نپرسیدند، فقط گفتند که درباره نظر مردم برای پیوستن مردم به هند یا با پاکستان ريفراندم راه اندازی میشود. حزب ما مخالف این گونه طرح مسأله بود.

207 - هانجا -

208 - همانجا -

209 - همانجا، ص. ۴۰۱ -

210 - میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ. کابل سال ۱۹۶۷ م. ص. ۲۰۴ -

211 - همانجا، ص. ۲۲۷ -

سپس ما در هنگام نظر خواهی همگانی پیشنهاد پرسش سوم را کردیم: آیا پشتونها می‌خواهند دولت خود را داشته باشند؟ مگر انگلیسها با پیشنهاد ما موافقت نکردند. در آنحالت ما رأی پرسشی همگانی را تحریم کردیم، و آنها بادشواری و نقض صریح توانستند ۵۱٪ رأی را برای الحاق پشتونستان به پاکستان بدست آورده و ما را به زندان افکندند.²¹²

باین گونه بتاريخ ۱۵ اگست ۱۹۴۷ ولایت صوبه سرحد با اکثریت نفوس پشتون بخشی از پاکستان شد.²¹³

افغانستان در دوره صدارت محمد داوود خان دوباره به مسأله پشتونستان پرداخت. پندارها، مرامها و سیاست محمد داوود پیرامون «معضل پشتونستان» که منافع کمتر از نیم نفوس افغانستان را هم بازتاب نمیکرد، باعث تیره گی مناسبات افغانستان با پاکستان که با آنکشور افغانستان روابط تنگاتنگ ملی و مذهبی داشت، شد.²¹⁴

به نظر دکتر غنی احمد زی دلیل اصلی علاقمندی ژرف محمد داوود به پشتونستان تلاشش برای اعاده عدالت که در زمان پدرکانش سلطان محمد خان نقض شده بود، محسوب میشد.²¹⁵

نماینده افغانستان در سازمان ملل متحد یگانه کسی بود که بتاريخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۷ خلاف پذیرش عضویت پاکستان به این سازمان رأی داد،²¹⁶ چون حکومت افغانستان میبنا داشت که ایالت شمالغربی صوبه سرحد خلاف نورمهای حقوقی بین المللی به تشکیل پاکستان شامل شده است. مگر با اینهم سفارت افغانستان در همانسال در کراچی باز شد: یعنی اینکه کابل به نفع پاکستان عقب نشینی کرد.²¹⁷

در مرحله نخست روابط افغانستان- پاکستان بنیانگذار پاکستان محمد علی جناح از روابط نیک همسایگی با افغانستان میگفت، مگر همزمان از موقف آن درباره پشتونستان راضی نبود. حکومت افغانستان بنوبه خود میبنا داشت که باشندگان ایالت شمالغربی صوبه سرحد باید حق داشته باشند یا به ترکیب افغانستان درآیند و یا حق تشکیل دولت مستقل را دارا باشند.²¹⁸

در مسأله مرزهای دولتی پاکستان به اصل تغییر ناپذیر حقوق بین المللی دولت وارث استدلال میکرد. کرسی نشینان کراچی (پایتخت آنزمان پاکستان، مترجم) به معاهدات بی شمار عقد شده میان اداره هند برتانوی و زمامداران افغان (در گذشته) اشاره میکردند. بویژه معاهده عقد شده در پاییز سال ۱۸۹۳ میان امیر عبدالرحمان خان و نماینده زمامداران برتانوی م. دیورند که در این راستا نقش تعیین کننده داشت.

بنابر این موافقتنامه استعمارگران برتانوی بخشی از خاکهای افغانستان را که در آن بیشتر قبایل پشتون زیست داشتند، به هند برتانوی ملحق نموده و کنترل سیاسی بالای قسمت بزرگ قوم پشتون را بدست آوردند.

افغانستان عهدنامه فوق را فقط در سال ۱۹۱۹، زیر فشار اوضاع (بعثت خطر جنگ جدید با انگلستان) برسمیت شناخت. مگر در سال ۱۹۴۹ کابل موافقتنامه های پیشین افغانستان- بریتانیا را باطل شمرده و اعلام کرد که خط دیورند را همچون مرز پاکستان- افغانستان برسمیت نمیشناسد.

ماهیت راستین سیاست محمد داوود در برقراری کنترل بالای سرزمینهای پشتون نشین فرای «خط دیورند» بود. به پندار محمد داوود در تشکیل پشتونستان باید ساحات ایالت مرزی شمالغرب (صوبه سرحد) «قبایل آزاد پشتون»، و ایجنسی قبایل پشتونها («آزاد پشتونستان») شامل میبودند. این مرام با تماسها با اداره پیشین بریتانیا حاصل نشد، مگر پس از ایجاد پاکستان حکومت محمد داوود خان از اندیشه هایش دست برداشت، چون به بی ثباتی و ترکیب چرخ قومی دولت نوین امیدوار بود.

²¹² - ظاهر طنین. افغانستان در قرن بیست... ص. ۱۰۱. -

²¹³ - Caroe O. The Pathans. - Delhi, 1976. P. 430.

²¹⁴ - Fraser-Tytler W.K. Afghanistan. 3d edition. - New York, 1967. P. 320. -

²¹⁵ - Ibid. C. 103.

²¹⁶ - Adamec L.W. Afghanistan's Foreign Affairs to the Mid-Twentieth Century. - Arisona, 1974. P. 264. -

²¹⁷ - م. غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ. کابل سال ۱۹۶۷ م. ص. ۳۳۹.

²¹⁸ - Паничкин Ю.Н. Образование Пакистана и пуштунский вопрос. - М., 2005. С. 177. -

پانیچکین. یو. ن. ایجاد پاکستان و معضله افغانستان. مسکو. سال ۲۰۰۵. ص. ۱۷۷.

۲.۳. رویاروییهای افغانستان- پاکستان (۱۹۵۱-۱۹۵۵) پیرامون معضل پشتونستان

به اینگونه در درازنای صدارت محمد داوود موضوع اصلی توجه و نگرانی وی مسأله پشتونستان بود. حل این معضل به سود قبایل شرقی پشتون برایش امری چون شرافت، غرور ملی و وجبیه و وطنپرستانه پنداشته میشد. با این مسأله در نهایت امر اعتبار بزرگ سیاسی وی در هر دوسوی مرز افغانستان- پاکستان گره خورده بودند. داوود خان و حکومتش رسماً از جنبش آزادیبخش ملی پشتونهای برون مرزی با اتکا به فورمول عدم شناخت پشتونستان به مثابه بخشی از پاکستان، بدون اینکه این پشتونها خود در این امر علاقمندی داشته باشند، پشتیبانی میکردند. همینگونه با تأکید باید نوشت، که موضوع آزادی کامل پشتونستان بشکل علنی و رسمی نه از سوی محمد داوود و نه از سوی دیگر زمامداران دولتی افغان مطرح میشد.

نخستین بار مناسبات افغانستان- پاکستان بخاطر بمباردمان نواحی مسکون مرزی در دوسوی «خط دیورند» بتاريخ ۱۲ جون سال ۱۹۴۹ به وخامت گرایید.²¹⁹ در چنین موقع پاکستان مانع ورود کالاها و مواد سوخت به افغانستان شده و حتی با جنگ کشور همسایه را تهدید کرد. در پاسخ در کابل لویه جرگه دایر شد که با اتفاق نظر از پشتونستان دفاع کرد و از حکومت افغانستان خواست، گامهای لازم را در این راستا بردارد.

در ماه اگست سال ۱۹۴۹ در ناحیه تیره باغ پاکستان جرگه قبیله/فریدی و برخی اقوام دیگر محلی دایر شد، که در آن ساختار نو ملی- اداری بنام پشتونستان بمیان آمد. همچنان اسامبله ملی پشتونستان بنیان هشته شده و پرچم پشتونستان نیز پذیرفته شد.²²⁰

بعلت تحریمهای وضع شده بالای کالاهای صادراتی افغانستان از خاک پاکستان، افغانستان از ایالات متحده امریکا جهت رفع مشکل کمک خواست، مگر چون به درخواستش دست نیازید به اتحاد جماهیر شوروی برای کمک مراجعه کرد. و پس از آنکه اتحادشوروی به انتقال ترانزیت کالاهای افغانستان موافقه کرد، پاکستان این توقیف را رفع کرد.

در ماه جون سال ۱۹۵۱ زمانیکه پاکستان نیروهایش را در مرز افغانستان از سوی بلوچستان متمرکز کرد، باز هم معضل پشتونسلطن شالوده رویارویی پاکستان و افغانستان شد.²²¹ سیاست کراچی پیرامون پشتونها باعث مقاومت روبه رشد شده و جنبش پشتونستان برای آزادی گسترده تر میشد. علت این امر بازداشت برخی روزنامه نگاران و اختلافات درونی حزب حاکم مسلم لیگ بود. توقیف دوباره عبدالغفار خان رهبر ملی پشتونها، باعث خشم حتی آن پشتونهایی که در نخست هوادار آن حزب نبودند، شد. آنها نیز بمبارزه بخاطر استقلال ملی شان پیوستند.

داوود خان در نخستین گفتگوهایش در کراچی هنوز از استقلال پشتونستان و پیوستن آن به افغانستان نگفته و فقط از حل این معضله یادآوری میکرد. چنانچه داوود خان پس از مذاکرات با جانب پاکستان و برگشت به میهن خاطر نشان کرد که معضله پشتونستان رویارویی مرزی میان دوکشور نه، بلکه موضوع حق خود ارادیت مردم پشتونستان است.²²²

در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۳ محمد داوود خان در مصاحبه با تحلیلگر امریکایی جیمز سپین²²³ پندارش را نسبت به پشتونستان بیان کرد. بگفته این تحلیلگر او در این مصاحبه اش بسیار خونسرد بوده و به پاکستان پیشنهاد کرد در مورد پشتونستان یک ریفراندوم را راه اندازی کند. در این مصاحبه صدراعظم تلاش میکرد علاقمندی امریکاییها را جلب کند، چون او سخت از همکاری نظامی ایالات متحده با کشورهای همسایه ایران و پاکستان در هراس بود. وی از عدم همکاری نظامی امریکا با افغانستان گلایه میکرد. تحلیلگر امریکایی میگفت که محمد داوود خان نمیدانست، چرا امریکا به افغانستان ارزشی قایل نیست. صدار عظم افغانستان میگفت که امریکاییها سیاست شان در قبال افغانستان را پیش از اینکه افغانستان اولویتهایش را در سیاست خارجی با ابر قدرتها برگزیند، باید معین کنند. او میگفت که رفع اختلافات پیرامون پشتونستان به سیاست صادقانه پاکستان در این مسأله وابسته است. صدراعظم داوود هم در این مصاحبه و هم در گفتگوها بجانب پاکستانی موقف متعادل را در مورد پشتونستان مراعات میکرد.

محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان، ۲۰۰۷. کابل. ص ۹۰. ²¹⁹

Ghaus, Abdul Samad. The Fall of Afghanistan. Pergamon-Brassey's Defense Publishers. - Virginia, 1988. عبدالصمد غوث؛ سقوط افغانستان، چاپ ویرجینیا، نشر پرگامون- براسیس دیفینس ... سال ۱۹۸۸ ص ۷۱. - P. 71.

Белокреницкий В.Я., Москаленко В.Н., Шаумян. Южная Азия в мировой политике. - М., 2003. С. 84. ²²¹ بیلوکورینتسکی و. یا، موسکالکو و. ن. و. ن. شائومیان. آسیای جنوبی در سیاست جهانی. مسکو سال ۲۰۰۳. ص ۸۴

امین الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ۲۰۰۷. ²²²

James Spain- ²²³

و ایالات متحده بالاخره موفقش را در قبال افغانستان و پاکستان مشخص ساخت. بتاريخ ۱۹ می سال ۱۹۵۴ آمریکا با پاکستان موافقتنامه کمک نظامی را عقد نمود. این امر باعث نگرانی جامعه و زمامداران افغان شد که آنرا بمثابة خطر به صلح و امنیت منطقوی تلقی میکردند.²²⁴

تا اینزمان امریکاییها موضع شان را پیرامون پشتونستان هویدا نمی ساختند، مگر اکنون آمریکا در این قضیه آشکارا جانب متحد «سیاتو»ی خویش پاکستان را برگزیده و از ایجاد ایالت یگانه «(یونت) پاکستان غربی» حمایتش را اعلام نمود. پس از عقد پیمان ترکیه- پاکستان که زیر سرپرستی امریکا صورت گرفت، فشار بالای افغانستان بیشتر شد تا انکشور را برای پیوستن به این پیمان و خودداری از سیاست بیطرفی وادارند.²²⁵

چنین موقف ایالات متحده نمیتوانست باعث نگرانی افغانستان نشود. مگر محمد داوود خان در بیانهایش در محافل رسمی و غیررسمی کشور مانند گذشته به موقف آشتی ناپذیرش دوام داد. همچنان کارمندان بلند رتبه افغانستان هنگام تماس پیرامون روابط پاکستان- افغانستان نیز از بیان پندارشان درباره پشتونستان خودداری نمی کردند. چنانچه در ماه جون سال ۱۹۵۴ دیپلمات نامور و سیاستمدار مشهور و سفیر افغانستان در قاهره صلاح الدین سلجوقی اعلام کرد که دلیل تشنج روابط افغانستان و پاکستان معضل پشتونستان است. تا زمانیکه این مشکل به نفع افغانها رفع نشود، مناسبات افغانستان و پاکستان بهبود نمی یابد.²²⁶

در ماه جولای همانسال جرگه پشتونستان دایر شد. وزارت دربار به افتخار شرکت کنندگان جرگه پشتونستان ضیافتی را در پغمان ترتیب داد. در این محفل محمد ظاهرشاه، صدراعظم محمد داوود و نمایندگان نامور پشتونستان، نماینده ویژه حکومت پشتونستان، مبارز افسانوی ضد استعمار برتانوی فقیر ایپی که بدین مناسبت از محمد ظاهرشاه، حکومت و مردم افغانستان برای پشتیبانی معنوی در راستای مبارزه شان برای استقلال سپاسگذاری کرد، اشتراک داشتند.²²⁷

صدراعظم پیشین افغانستان شاه محمود خان که محمد داوود او را به دلیل عدم قاطعیتش در قبال پشتونستان همواره انتقاد میکرد، نیز ضیافتی به افتخار اشتراک کنندگان جرگه پشتونستان در کابل ترتیب داده بود. او برای آنان پیروزی در امر استقلال شان را آرزو نمود.²²⁸

باید خاطر نشان گردد که جنبش پشتونستان در رأس فقیر ایپی که مبارزه اش را در کوهستانهای منطقه عشایر پیش میبرد، بیشتر یک جریان قبیله ای بود تا ملی. هنوز ملت واحد پشتون وجود نداشت، و نه همه قبیله و سران آنها از پندار مبنی بر ایجاد دولت واحد پشتون، آنهم بدون شالوده دینی دفاع میکردند. کوهنشینان ایجاد حکومت اسلامی پاکستان را چیزی دیگر بغیر از حکومت بیگانه انگلیس میپنداشتند. برای پشتونها مبارزه بر ضد حکومت همکیش دشوار بود، چون شعار جهاد دیگر جذبه نداشت. گرچه فقیر ایپی قادر شد در ماه جنوری ۱۹۵۰ تمام نیروهای پاکستانی را از منطقه قبایل بیرون کند، با آنهم مجبور شد، واقعیت الحاق وزیرستان را به تشکیل پاکستان بپذیرد.

و حتی تا زمان مرگ این چهره افسانوی اداره پاکستان نتوانست کنترلش را بر ساحه ای که زیر اداره وی بود، برقرار کند.²²⁹ فقیر ایپی و همزمانش نتوانستند نه تنها مستقل باشند «(ساحه قبایل آزاد) صوبه سرحد از نگاه حقوقی هنوز هم جزء پاکستان نیست)، بلکه او نتوانست بحیث یک رهبر اتحاد قبایل عرض اندام کند. همکاریاش نیز در قبایل خویش از نفوذ گسترده برخوردار بودند، مگر اینها سران عشایر بودند تا شخصیتهای ملی. جنبش پشتونستان در کوهستانها را پژوهشگر سویدنی ای. یانسون «تجارت کهن سیاسی اسپها»²³⁰ مینامد. این جنبش بیشتر در خارج از ساحه قبایل پشتون پاکستان در افغانستان حمایت میگردید و همچنان هند و اتحاد شوروی بنوبه خود آنرا در این راستا پشتیبانی میکردند.

²²⁴ - История Афганистана с древнейших времен до наших дней / Под ред. Ю.В. Ганковского. - М., 1982.

— تاریخ افغانستان از دوران باستان تا امروز/ تحت نظر ی. و. گانکوفسکی. مسک ۱۹۸۲. ص. ۲۷۱- ... ۲۷۱. C.

²²⁵ - همانجا.

²²⁶ - روزنامه اصلاح از تاریخ ۲۴ جون ۱۹۵۴.

²²⁷ - روزنامه هیواد، مورخ ۶ جولای سال ۱۹۵۴.

²²⁸ - روزنامه انیس مورخ ۷ جولای سال ۱۹۵۴ م.

²²⁹ - Райков А.В. Вершители судеб. Факир из Ипи - борец за свободу Вазиристана. Восток 1995, №3. C.

رایکوف آ. و. تعیین کنندگان سرنوشت فقیر ایپی - مبارز آزادی وزیرستان. نشریه شرق. ۱۹۵۵. شماره ۳ ص ۹۲-۸۳. 92-83

²³⁰ - Jansson E. India, Pakistan or Pakhtunistan. - Uppsala, 1981.

یانسون ای. هند، پاکستان یا پختونستان. نشر اوپسالا، ۱۹۸۱.

در ماه اگست سال ۱۹۵۴ ظاهر شاه بمناسبت ۳۶ مین سالگرد استقلال بیانیه یی ایراد کرد. او در ضمن خاطر نشان ساخت: «ما علاقمندیم تا مناسبات نیکی با کشور های دوست بویژه با ممالک همسایه داشته باشیم. متأسفانه مناسبات ما با حکومت پاکستان تاکنون متشنج است، چونکه حقوق قانونی پشتونها مراعات نمیشود. ما علاقمند حل عادلانه این قضیه و برقراری مناسبات دوستانه میان خلقهای دوکشور هستیم». همچنان صدراعظم داوود و رییس ولسی جرگه عبدالرشید با نطقهای شان گفته های شاه را تایید نمودند.²³¹

قابل یادآوری است که تا اینزمان در چنین موارد شاه هیچگاهی از معضل پشتونستان یاد نمیکرد، چونکه پاکستان آنرا مداخله آشکار در امور داخلی اش تلقی میکرد. از سویی بزرگداشت نهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان ملل متحد در اکتوبر ۱۹۵۴ در افغانستان همچون ریختن هیزم بالای آتش بازتاب یافت. به این مناسبت صدراعظم محمد داوود بیانیه رادیویی ایراد کرد. از جمله او گفت: «ما علاقمند دفاع از آزادی، استقلال، حقوق و اصول دولتها بوده و دقیقاً از تلاشهای خلقهای دیگر در این راستا حمایت میکنیم. در حال حاضر آرزوی قلبی ما اینست که سازمان ملل متحد این مرام را عملی نموده و به اقدامات متجاوزانه بر علیه خلقهای مظلوم و محکوم دست یازد». البته هویدا بود که هدف داوود خان معضل پشتونستان بود.²³²

محمد داوود حتی در زمان صدارت سلفش شاه محمود خان آرزوی آزادی پشتونستان را در سر پرورانده و حتی مداخله نظامی را به منظور حل این معضل مردود نمیدانست. معضل پشتونستان شالوده نكوش وی از صدراعظم پیشین و دلیل قدرت رسیدن وی بود. موقف محمد داوود پیرامون پشتونستان در یادواره های یک افسر گمنام چنین بازتاب یافته است: «در یک روز نیکو من و همصنفی ام، هر دو در لباس نظامی در خیابان قدم میزدیم. ناگهان بما یک موتر نزدیک شده و توقف کرد. راننده شیشه اش را پایین کرد. ما بسوی موتر رفتیم و متوجه شدیم که محمد داوود خان در پشت فرمان موتر نشسته است. ما در سیت عقبی نشستیم، و او با سکوت بحرکت افتاده و پس از لحظه یی از ما پرسید: «فارغ التحصیل استید؟» ما پاسخ دادیم. «بلی». او باز پرسید: «وظیفه یک افسر افغان چیست؟» رفیقم بیدرنگ پاسخ داد: «دفاع از وطن». سردار گفت: «شما درست درس نخوانده اید. حالا بدانید! اردو همراه با دفاع از وطن باید پشتونستان اشغال شده را نیز آزاد کند، در آنصورت اردو وظیفه اش را بصورت مکمل انجام میدهد». ما هر دو بگونه نظامی پاسخ دادیم: «بلی، امرتان اجرا میشود!»²³³

در سال ۱۹۵۴ در افغانستان فراخوانهایی برای پشتیبانی از جنبش پشتونهای ایالت شمالغرب پاکستان که شالوده آنرا همگونی قومی در دوسوی مرز افغانستان- پاکستان تشکیل میداد، پخش شدند. همچنان پندار مبنی بر اتحاد ملی همه پشتونها پیشکش شد.²³⁴

در متن پژوهشی کنونی لازم است بدانیم، چرا در میان خانواده شاهی فقط داوود به پشتونها و مسأله پشتونستان دلچسپی داشت. این مسأله چنانکه یادآوری شد، برای وی موضوع شرف ملی و وجبیه وطنپرستانه پنداشته میشد. با این امر در نهایت نفوذ گسترده سیاسی او در دوسوی مرز افغانستان- پاکستان پیوند خورده بود. برخی کارشناسان میپندارند که احساس ناسیونالیستی و میهنوستانه وی برخاسته از برخورد دلیرانه و مردانه او برای احیای تمامیت ارضی کشور بود.

مگر پندار دیگری درینباره نیز وجود دارد که او فوق العاده شخص جاه طلب بود، تا مدافع منافع ملی کشور. بهر حال، اینکه چه مرامی و چه سودی را داوود در رابطه با پشتونستان دنبال میکرد، مهم نبوده، بلکه با ارزش این بود که اینها تا کدام حدی با منافع ملی افغانستان مطابقت داشتند. همه دولتمردان افغانستان بشمول سرداد محمد داوود خان در سیاست شان پیرامون پشتونستان خواستار استقلال آن بودند، تا الحاق آن به افغانستان که با منافع ملی افغانستان همخوانی داشت.

مگر سیاست پشتونستان خود محمد داوود خان و کرسی نشینان دیگر همچون وی نه تنها امکان دستیابی پشتونهای خارج مرز به استقلال را مساعد میساخت، بلکه استقلال و آزادی خود افغانستان را به خطر مواجه ساخته بود. بر علاوه این سیاست بدلیل قطع بازرگانی ترانزیت از خاک پاکستان خسارات معینی را به اقتصاد کشور وارد کرد.

²³¹ - خبرنامه آژانس اطلاعاتی باخترا مورخ ۲۴ اگست سال ۱۹۴۵ م.

²³² - روزنامه انیس مورخ ۲۵ جوزا سال ۱۹۵۴ م.

²³³ - امین الله دریچ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ۲۰۰۷. ص. ۳۵۳.

²³⁴ - История Афганистана с древнейших времен до наших дней./ Под ред. Ю.В. Ганковского. - М., 1982.

C. 273. -

تاریخ افغانستان از زمان باستان تا امروز./ تحت نظر یو. و. گانکوفسکی. مسکو. ۱۹۸۲. ص. ۲۷۳.

محمد داوود و حکومتش همواره از جنبش ملی- آزادیبخش پشتونهای خارج پشتیبانی میکردند. محمد داوود خان برای دستیابی به این مرام حتی استفاده از زور را بخاطر حل معضل پشتونستان رد نمیکرد. در سال ۱۹۵۴ حکومت محمد داوود خان معاهده سال ۱۹۲۱ افغانستان- انگلستان را که در آن خط دیورند نیز برسمیت شناخته شده بود، ملغاً اعلام کرد.²³⁵

تشنج مربوط به مسأله پشتونستان پس از تصمیم حکومت پاکستان مبنی بر ایجاد ایالت واحد (یونت) پاکستان غربی که در آن همه واحدهای موجود اداری در این منطقه منجمله نواحی پشتونها مدغم شده و (دولت افغانستان) آنرا حق تلفی استقلالیت شان مینداشت، بالا گرفت.²³⁶ مطابق این پروژه چهار ایالت پاکستان (پنجاب، سند، بلوچستان و ولایت مرزی شمالغرب) بنام «ولایت غربی پاکستان» مدغم شدند، تا بیلانی باشد در برابر «ولایت پاکستان شرقی» (بنگله دیش کنونی). این تقسیمبندی آزادی معین پشتونهای آنسوی مرز دیورند را نیز از میان برد. در ماه اپریل سال ۱۹۵۵ این پیشنهاد از سوی پارلمان پاکستان تصویب شد.

مگر افغانستان منتظر فیصله نهایی نمانده و بتاريخ ۳۰ مارچ همانسال در کابل جلسه فوق العاده شورای وزیران در رابطه به اعلامیه گورنر جنرال پاکستان پیرامون الحاق خاک پشتونستان در یونت پاکستان غربی دایر شد.²³⁷ در این رابطه حکومت افغانستان احتجاج رسمی اش را اعلام کرد.²³⁸ ایده سازماندهی «تشکیل واحد»²³⁹ را حکومت افغانستان به مثابه پس گردنی محکم تلفی کرد.²⁴⁰ پس از این محمد داوود با احساساتی که ویژه اش بود، پیرامون این مسأله بیانیه‌یی ایراد کرد. وی از نام حکومت افغانستان با نکوهش و نفرین اعمال حکومت پاکستان را تقبیح را نموده و باز هم حمایتش را از خلق پشتونستان ابراز کرد.

وی در بیانیه خویش گفت:

«هموطنان عزیز! من بحیث شخص مسوول وجبیه خویش میدانم شما را از رویدادهایی که در زندگی امروز و فردای کشور سرنوشت ساز اند آگاه سازم. من شما را در روشنی قرار میدهم، در بیانیه‌یی که دیروز در کراچی پخش شد، آمده است که پاکستان برخلاف اصول و قوانین بین المللی، بدون در نظر داشت حقوق خلق پشتونستان برای تعیین سرنوشت شان و خلاف تقاضاهای حکومت افغانستان در این مورد تصمیم به الحاق خاکهای پشتون نشین به ایالات شمالغرب گرفت. چنین اقدامات باعث نابودی رسوم خودی خلق چند ملیونی برادر پشتون میشود. مسوولیت عواقب سنگین این اعمال که به تخریب صلح و امنیت منطقه خواهند شد، فقط بدوش حکومت پاکستان میباشد. میخواهم باز هم واضح و روشن به زمامداران پاکستان و به همه جهانیان بگویم که مردم و حکومت افغانستان هیچگاهی سرزمینهای پشتون نشین را جزء خاک پاکستان نمی شمارند».

محمد داوود در بیانیه اش گفت که حکومت افغانستان تصمیم گرفته از عواقب ناگوار ناشی از این فیصله حکومت پاکستان را باخبر ساخته و در این رابطه احتجاجش را اعلام ببارد. حکومت افغانستان به کاردار سفارتش در کراچی محمد رفیق دستور داد، اگر اقداماتش نتیجه مثبت را ببار نیآورند، به وطن برگردد.²⁴¹ روزنامه انیس در سرمقاله اش پیرامون بیانیه صدر اعظم نوشت: «۷ میلیون پشتون حق بلا منازع برای ایجاد پشتونستان دارند، و هیچ حکومت و هیچکس نمیتواند با زور بالایشان حکومتش را تحمیل کند. کمک به پشتونها در راستای احقاق خواسته های دیرین و حقه شان وظیفه مقدس هر افغان میباشد».²⁴²

عادلانه خواهد بود اگر بگوییم، که با تفاوت از موقف زمامداران کابل در قبال پشتونهای پاکستان، موضع افغانستان در رابطه با بلوچهای ساکن در آنسوی مرز دهرند، بیانگر بی ثباتی و ناپیگیری انگلیس بود. افغانستان پیرامون اقدامات پاکستان در برابر بلوچها عکس العمل چندانی نه نموده و با وجود درخواستهای مکرر رهبران بلوچستان از حکومت محمد داوود خان برای کمک به آنان «در راستای احقاق خواسته های دیرین و حقه شان» یاری نمیکرد. از آغاز معضل با

²³⁵ - همانجا ص. ۲۷۲ -

²³⁶ - Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., 2004. С. 307.

کارگون و. گ. تاریخ افغانستان در قرن بیستم. مسکو، سال ۲۰۰۴ م. ص. ۳۰۷.

²³⁷ - روزنامه انیس مورخ ۳۰ مارچ سال ۱۹۵۵ م.

²³⁸ -- Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., 2004. С. 307.

کارگون و. گ. تاریخ افغانستان در قرن بیستم. مسکو، سال ۲۰۰۴ م. ص. ۳۰۷.

²³⁹ - در متن اصلی روسی به انگلیسی آمده:

“One unit”.

²⁴⁰ - Fraser-Tutler W.K. Afghanistan. 3d edition. - New York, 1967. P. 321. -

²⁴¹ - روزنامه اصلاح مورخ ۳۰ مارچ سال ۱۹۵۵ م.

²⁴² - روزنامه انیس مورخ ۳۱ مارچ سال ۱۹۵۵ م.

پاکستان افغانستان همواره از حقوق خلق پشتون برای حق خودارادیت شان دفاع کرده و به اینگونه عملاً مسأله حقوق مردم بلوچ را نادیده می‌گرفت، مگر با گذشت زمان شعارها دگرگون شده و موضوع حقوق هر دو خلق برای تعیین سرنوشت شان بمیان آمد.

گفته ه ای محمد داوود خان و تبلیغات حکومتی باعث تظاهرات گسترده ضد پاکستان در چند شهر از جمله- کابل، قندهار و جلال آباد شد. بروز ۳۰ مارچ ۱۹۵۵ در شهر کابل توده اعتراض گران به درون سفارت پاکستان ریخته و پرچم پاکستان را پاره کرد. همچنان قونسلگریهای پاکستان در قندهار و جلال آباد مورد حمله قرار گرفتند. در این تظاهرات محصلان و استادان دانشگاه کابل، شاگردان و آموزگاران لیسه ها و مکاتب کابل سهیم بودند که سپس به آنها باشندگان شهر نیز پیوستند. گروه بزرگ مردم در برابر سفارتهای پاکستان و امریکا دست به تظاهرات زدند. در جریان یوخوردها ۲ پولیس، ۳۵ تظاهرکننده زخمی شده و ۲۰ تن بازداشت شدند. همچنان در شهرهای دیگر افغانستان نیز مظاهراتی بر راه افتادند.²⁴³

پولیس در کابل بروی مظاهره چپان آتش گشود که در نتیجه دهها تن زخمی شدند. اوضاع در مرز میان این دوکشور نیز بشدت وخیم شد. همچنان وضع «منطقه آزاد قبایل» نیز به تشنج گرایید. دو طرف یکدیگر را به تحریک قبایل و نقض سرحدات محکوم میکردند.²⁴⁴

در نهایت ریاست ضبط احوالات وزارت داخله فرمانی را صادر کرد که طی آن هر نوع تظاهر ممنوع شده و تلاش کنندگان برای شرکت در مظاهرات به زندان افکنده میشدند. باوجود این ممنوعیت در بسیاری از شهرهای افغانستان اقدامات احتجاجی علیه اقدامات حکومت پاکستان ادامه داشت.²⁴⁵

در ماه اپریل همانسال تظاهراتی برای محکومیت اقدامات ضد پاکستانی افغانها در کراچی و برخی شهرهای دیگر پاکستان و بویژه در پیشاور شهری با اکثریت باشندگان پشتون بر راه افتاد که در طی آن به نمایندگی تجارتي افغانستان حمله شد. پس از این وزیر خارجه محمد نعیم کاردار سفارت پاکستان را احضار کرده و احتجاج شدیدش را نسبت به این رویداد بیان کرد.²⁴⁶ به نقل از روزنامه انیس مورخ ۴ اپریل نمایندگان شاروالی (شهرداری) کابل به صدراعظم محمد داوود نامه پی فرستاده و طی آن نگرانی عمیق باشندگان کابل را نسبت به حمله به قونسلگری افغانستان و نمایندگی تجارتي آن در پیشاور پاکستان ابراز داشته خاطر نشان نمودند که حمله کنندگان اجیران حکومت پاکستان میباشند.²⁴⁷ روزنامه انیس بتاریخ ۶ اپریل در سرمقاله اش نوشت که اجنتهای مزدور پاکستان قونسلگری و نمایندگی تجارتي افغانستان را در پیشاور تخریب کرده و حکومت پاکستان جلو علاقمندان رفتن به افغانستان را گرفته است.²⁴⁸ بروز ۶ اپریل آژانس اطلاعاتی باختر خبر داد که نمایندگان مجلس پشتونستان شمالی اعلامیه پی را نشر کرده و در آن احتجاج خودرا بر الحاق پشتونستان در ساختار یونت (واحد) پاکستان غربی اعلام نموده اند.²⁴⁹

در روزنامه های پاکستان اعلامیه صدراعظم پاکستان محمد علی پخش شد که گویا کاردار سفارت افغانستان محمد رفیق در جریان ملاقات به وی گفته بود، اگر زمامداران پاکستان بخواه ند، میتواند پرچم سفارت افغانستان در کراچی را، پایین کنند. در این رابطه بتاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۵۵ آژانس باختر خبر داد که سفارت افغانستان در کراچی با رد این خبر از ایجاد شرایط غیر قابل تحمل کار قونسلگری و نمایندگی تجارتي افغانستان در پیشاور توسط پاکستان گلابه کرد.²⁵⁰ بتاریخ ۱۸ اپریل ۱۹۵۵ وزارت خارجه افغانستان از طریق سفیر پاکستان در کابل درخواست توضیحات در اینباره و موانع ایجاد شده در برابر اتباع افغانستان در پاکستان که علاقمند بازگشت به وطن اند، شد.²⁵¹

در همانروز نظر به خبر روزنامه اصلاح سفیر هند در کابل بگوات دایال به قندهار رفت. درست پیش از این رویدادها در آنجا قونسلگری هند کشایش یافته بود که با اعتراض شدید حکومت پاکستان مواجه گردیده بود.²⁵²

²⁴³ - روزنامه اصلاح مورخ ۳۱ مارچ ۱۹۵۵ م.

²⁴⁴ - روزنامه انیس مورخ ۳۰ مارچ سال ۱۹۵۵ م.

²⁴⁵ - انیس مورخ ۳۱ مارچ ۱۹۵۵ م.

²⁴⁶ - روزنامه اصلاح مورخ ۴ اپریل ۱۹۵۵ م.

²⁴⁷ - روزنامه انیس ۴ اپریل ۱۹۵۵ م.

²⁴⁸ - روزنامه انیس مورخ ۶ اپریل ۱۹۵۵ م.

²⁴⁹ - خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۶ اپریل سال ۱۹۵۵ م.

²⁵⁰ - روزنامه انیس مورخ ۱۰ اپریل سال ۱۹۵۵ م.

²⁵¹ - آرشیف وزارت خارجه فدراسیون روسیه: ...- АВР РФ. 1955. Ф. 042. Оп. 44. Пор. 3. Инв. 178, 210. П. 59.

²⁵² - همانجا: آرشیف وزارت خارجه فدراسیون روسیه: ...- АВР РФ. 1955. Ф. 042. Оп. 44. Пор. 3. Инв. 178, 210. П. 59.

بروز ۲۹ اپریل افغانستان اعلام کرد که در رابطه به تخریب سفارت و قونسلیهای پاکستان حاضر به معذرت خواهی از آنکشور است، در صورتیکه جانب پاکستانی نیز از عین عمل را انجام دهد. مگر پاکستان توهین به بیرقش و حملات بالای سفارت و قونسلیهای خویش را غیر قابل پذیرش دانسته و آنرا تهاجم به کشورش تلقی میکرد.

گرچه حکومت افغانستان در رابطه به حادثه رخ داده تأسفش را ابراز کرد، مگر باز هم در پشاور احتجاجها ادامه یافتند: به قونسلگری افغانستان سنگها پرتاب شد، و همچنان بالای نمایندگی تجارتي آن نیز حمله شد.

بتاریخ ۱ می سال ۱۹۵۵ صدراعظم پاکستان محمد علی بیانیه رادیویی داده و طی آن اعلام کرد که چون افغانستان در امور داخلی پاکستان مداخله میکند، بنابراین پاکستان مناسبات دیپلماتیک خود را با اینکشور قطع مینماید. صدراعظم نامبرده همچنان از بستن قونسلگریها و نمایندگیهایش در افغانستان و آغاز انتقال خانوادههای کارمندان سفارت و قونسلگریهای آنکشور گفته و به حمله تبلیغاتی علیه دولت افغانستان پرداخت.

در پاسخ به این بیانیه بتاریخ ۴ می صدراعظم افغانستان محمد داوود اعلام کرد که افغانستان هیچگاهی در امور داخلی پاکستان مداخله نکرده مگر همیشه از خواسته های برحق مردم پشتونستان برای حق شان بخاطر استقلال دفاع کرده است. او خاطر نشان کرد که حکومت افغانستان مجبور است کاردار سفولتتش را از کراچی خارج کند، چون حکومت پاکستان در قبال افغانستان سیاست خصمانه را پیش میبرد.²⁵³

در این زمان بحران مناسبات دوکشور به اوجش رسید. در ماه می سال ۱۹۵۵ حکومت پاکستان مناسبات سیاسی و بازرگانی با افغانستان را قطع نموده، همچنان همه قونسلگریها و نمایندگیهای تجارتي افغانستان بسته شده و ورود ترانزیت کالاهای افغانستان از خاک پاکستان ممنوع شد. کاهش سریع گردش تجارت خارجی بگونه فاحش در اقتصاد افغانستان بازتاب یافت.²⁵⁴

در شرایط روبه افزایش تشنج در روابط با پاکستان حکومت افغانستان بتاریخ ۴ می نفر بری (بسیج) عمومی را اعلام کرد.²⁵⁵ بروز ۵ می اعلامیه حکومت افغانستان نشر شد که در آن آمده بود، که بدلیل آنکه حکومت پاکستان بر مبنای اطلاعات رسمی و غیر رسمی دست به اقداماتی در راستای تهدید تمامیت ارضی و استقلال افغانستان میزند، حکومت افغانستان برای پیشگیری از آنها فرمان رفربری (بسیج) مجلوبان از هشت سن را صادر کرد.²⁵⁶ محمد داوود خان دستور داد قوای مسلح احضارات درجه یک داشته و به حالت آماده باش کامل درآیند.

بتاریخ ۷ می نماینده وزارت خارجه افغانستان به خبرنگار آژانس باخترا گفت که اعلامیه نماینده وزارت خارجه پاکستان درباره آنکه حکومت افغانستان نامه احتجاجیه بی را به حکومت پاکستان، بخاطر حمله قبایل پشتون به خاک افغانستان داده است، بی بنیاد خواند و خاطر نشان کرد که در مرز با افغانستان قبایل رزمنده پشتون، که با افغانستان رابطه نیک دارند، زندگی میکنند.²⁵⁷

همزمان افغانستان تأکید میورزید که حمله را قطعاً پشتونها نه بلکه اجیران پاکستان انجام داده اند و پاکستان میخوهد عکس آنرا تثبیت کند.

درواقعیت امر افغانستان در حالت جنگ با پاکستان قرار داشت. رهبران حکومت کابل از کشورهای مصر، عربستان سعودی، ایران و ترکیه، بخاطر کمک در بحران پیش آمده، خواستار همکاری شدند. بروز ۱۳ می عربستان سعودی آمادگی اش را برای میانجیگری میان دوکشور اعلام نموده و توانست نقش بارزی را در پروسه مذاکرات ایفا کند. بتاریخ ۱۴ می نماینده ویژه شاه عربستان و کاکایش میر مساعد بن عبدالرحمن بهمراهی مشاور شاه جمال حسین و مأموران مسوول وزارت دربار عبدالعزیز عبدالی و عبدالله صالح الفضل به کابل آمدند. نماینده سعودی با شاه،

²⁵³ روزنامه اصلاح مورخ ۴ می سال ۱۹۵۵ م. -

²⁵⁴ - Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., 2004. С. 308 -

کارگون و. گ. افغانستان در قرن بیست. مسکو سال ۲۰۰۴، ص. ۳۰۸.

²⁵⁵ - История Афганистана с древнейших времен до наших дней./ Под ред. Ю.В. Ганковского. - М., 1982.

С. 273. -

تاریخ افغانستان از زمان باستان تا امروز./ تحت نظر یو. و. گانکوفسکی. مسکو. ۱۹۸۲، ص. ۲۷۳.

²⁵⁶ روزنامه انیس مورخ ۵ می سال ۱۹۵۵ م. -

²⁵⁷ روزنامه اصلاح مورخ ۷ می سال ۱۹۵۵ م.

صدر اعظم و وزیر خارجہ افغانستان پیرامون بهبود معضل افغانستان- پاکستان مذاکرہ کرد. ²⁵⁸ در همانروز وزارت امور خارجہ افغانستان اعلامیہ بی را پخش کرد مبنی بر اینکه بعلت بسته شدن نمایندگیهای تجارتی افغانستان در پاکستان، م. اکبر پروانی قونسل و میر غلام فاروق نماینده تجارتی در کویتہ به قندہار برگشتند. ²⁵⁹

همزمان زمامداران کابل از اقدامات میانجیگرانه برخی کشورهای شرق میانه برای حل و فصل معضل افغانستان- پاکستان حمایت میکردند. مگر پاکستان از پروسه حل و فصل جلوگیری نموده از افغانستان تقاضای قطع پشتیبانی از جنبش پشتونستان را مینمود. ²⁶⁰ بتاریخ ۱۶ می سردار محمد نعیم وزیر امور خارجہ در پاسخ به پرسش خبرنگار آژانس باخترا اعلام کرد کہ مذاکرات با نمایندگان شاه سعودی بخاطر میانجیگری پیشنهادشده آن پادشاه در راستای حل و فصل معضل موجود میان افغانستان و پاکستان آغاز شده اند. ²⁶¹ در همانروز میر مساعد کنفرانس مطبوعاتی با نمایندگان رسانه ها دایر کرده و اعلام کرد کہ از نام شاه عربستان سعودی با رهبران افغانستان پیرامون معضل افغانستان- پاکستان گفتگو کرده است. او ابراز امیدواری کرد کہ مذاکرات در کراچی پایتخت پاکستان نیز موفقانه پایان یابند. ²⁶² مگر باوجود تلاشهای دولتهای دوست برای حل و فصل معضل نامبرده، حاکمان پاکستان به «مجازات» افغانستان ادامه داده و از بازکردن مرزهای افغانستان- پاکستان خودداری کردند. در این رابطه کاردار سفارت افغانستان در کراچی محمد رفیق به وزارت خارجہ پاکستان نامہ اعتراضیہ بی فرستاد. ²⁶³ در همانروز نماینده ویژه شاه سعودی میرمسعود برای بحث روی جزئیات گفتگوها از کراچی به کابل آمد. ²⁶⁴

بتاریخ ۲۲ می بقول آژانس باخترا، بعلت موانع ایجاد شده از سوی مأموران پاکستانی تمام فعالیتهای بازرگانی افغانستان در خاک پاکستان متوقف شدند. ²⁶⁵

اوضاع با بیانیه روحانی پرنفوذ افغانستان آخوندزاده تگاب (فخرالمشایخ) بیشتر بغرنج شد کہ در وعظ عید فطر پس از ماه رمضان گفته بود کہ خودداری پاکستان از دادن آزادی برای پشتونستان خطر جدی برای خود پاکستان است. ²⁶⁶ بتاریخ ۳۰ می میانجی سعودی به مذاکراتش با حکومت افغانستان و پاکستان پیرامون حل و فصل معضل نامبرده ادامه داد. بزودی پس از این، او در برابر نمایندگان مطبوعات در کابل اعلام کرد کہ میان هر دو حکومت اصولاً توافقی برای بهبود مناسبت شان حاصل شده است. ²⁶⁷ اما وزارت اقتصاد ملی اعلامیہ بی را به نشر رساند کہ در آن آمده بود، حکومت پاکستان ترانزیت کالاہای افغانی را از خاکش بکلی قطع نموده است. ²⁶⁸

بتاریخ ۱۱ جون حکومت افغانستان به تشکیل یک کمیسیون کہ متشکل از نمایندگان پنج کشور مسلمان- هریک عربستان سعودی، مصر، عراق، ایران و ترکیه بود، موافقت کرد تا حادثہء اہانت به پرچم افغانستان در پشاور را بررسی کند. ²⁶⁹

اظهارات آخوندزاده تگاب کہ در گردهمایی روحانیون در مسجد جامع کابل پیرامون معضل افغانستان- پاکستان بدلیل اہانت به پرچم افغانستان گفته بود، «هر کس در کشور باید دلیرانہ از مشی حکومت دفاع کند» ²⁷⁰ در واقع ہیزم بیشتر بہ آتش نزاع بود.

²⁵⁸ - روزنامہ انیس مورخ ۱۴ می سال ۱۹۵۵ م.

²⁵⁹ - همانجا: روزنامہ انیس مورخ ۱۴ می سال ۱۹۵۵ م.

²⁶⁰ - История Афганистана с древнейших времен до наших дней./ Под ред. Ю.В. Ганковского. - М., 1982. С. 273. -

تاریخ افغانستان از زمان باستان تا امروز./ تحت نظر یو. و. گانکوفسکی. مسکو. ۱۹۸۲. ص. ۲۷۳.

²⁶¹ - روزنامہ انیس مورخ ۱۶ می سال ۱۹۵۵ م.

²⁶² - همانجا: روزنامہ انیس مورخ ۱۶ می سال ۱۹۵۵ م.

²⁶³ - روزنامہ انیس مورخ ۲۱ می سال ۱۹۵۵ م.

²⁶⁴ - همانجا: - روزنامہ انیس مورخ ۲۱ می سال ۱۹۵۵ م.

²⁶⁵ - آرشیف وزارت خارجہ روسیہ: ... 86. П. 2. Д. 67a. Оп. 042. Ф. 1955. РВП - АВП

²⁶⁶ - همانجا: ... 86. П. 2. Д. 67a. Оп. 042. Ф. 1955. РВП - АВП

²⁶⁷ - همانجا: ... 86. П. 2. Д. 67a. Оп. 042. Ф. 1955. РВП - АВП

²⁶⁸ - همانجا: ... 86. П. 2. Д. 67a. Оп. 042. Ф. 1955. РВП - АВП

²⁶⁹ - روزنامہ انیس مورخ ۱۱ جون سال ۱۹۵۵ م.

²⁷⁰ - همانجا. -

مگر نماینده عربستان سعودی امیدش را از دست نداده و بتاريخ ۱۴ جون وزیر دولت مصر محمد انور السادات نیز به او پیوست.²⁷¹ بتاريخ ۲۰ جون هردو میانجی ها با محمد ظاهر شاه و صدراعظم محمد داوود در کابل دیدار کرده و پس از آن به کراچی رفتند.²⁷²

مگر بتاريخ ۳۰ جون اعلامیه وزارت خارجه افغانستان بنشر رسید که در آن از ناکامی تلاشهای میانجیان برای حل و فصل معضل افغانستان- پاکستان تذکر رفته بود.²⁷³

همزمان وزیر امور خارجه افغانستان محمد نعیم در راه بازگشت از سان فرانسیسکو در استانبول با رئیس جمهور ترکیه ملاقات کرد.²⁷⁴ رادیو انقره تبصره بی را پیرامون مذاکرات وزیر خارجه محمد نعیم خان با صدراعظم ترکیه میندرس نشر نمود که در آن آمده بود که هنگام گفتگوها که از ۱۱ تا ۱۳ جولای ادامه داشت، در فضای پراز اعتماد مسایل مربوط به روابط دوکشور و همچنان اختلافات افغانستان- پاکستان مورد مباحثه قرار گرفتند. بخاطر بهبود روابط افغانستان- پاکستان مندرس میانجیگری خودش را پیشنهاد کرد.²⁷⁵

در واقعیت مذاکرات میانجیها باز هم به بن بست مواجه شدند. بتاريخ ۱۶ جولای روزنامه انیس اطلاعاتیه کوتاهی را، مینی بر اینکه در اینروزها سفیر پاکستان در کابل به حضور پادشاه پذیرفته شده است، نشر کرد.²⁷⁶ گرچه در باره جزئیات ملاقات اطلاعاتی داده نشده نبود، مگر بروز ۲۸ جولای وزارت دفاع ملی افغانستان از رفع نفربری سربازان احتیاط که به اساس فرمان بسیج عمومی مورخ ۴ می سال ۱۹۵۵ بسیج شده بودند، اطلاع داد.²⁷⁷ در اینباره صدراعظم محمد داوود بیانیه بی برای مردم ایراد نمود و طی آن از ایشان بخاطر آمادگی جهت دفاع از میهن سپاسگذاری کرد. مگر او به مناسبات افغانستان- پاکستان بکلی تماس نگرفت.²⁷⁸

بتاریخ ۱۳ اگست وزیر امور خارجه محمد نعیم با آژانس باختر پیرامون مناسبات افغانستان- پاکستان مصاحبه بی انجام داده و طی آن به تغییر ناپذیری سیاست حکومت افغانستان در قبال پشتونستان تأکید کرد.²⁷⁹

همزمان تلاشها برای دیالوگ میان دوکشور همسایه ادامه یافت. نخستین ملاقات هیاتهای دوکشور با میانجیگری عربستان سعودی در کراچی تویر یافت. گرچه مذاکرات بسیار بدشواری پیش رفته و طرفین شرایط غیر قابل پذیرش را پیشکش مینمودند، مگر در نهایت همین گفتگوها به عادی شدن روابط دوکشور انجامیدند. بتاريخ ۱۴ سپتامبر در کابل مراسم برافراشتن پرچم پاکستان در ساختمان سفولت پاکستان برگزار شد که در آن سفیر پاکستان، شاه و وزیر خارجه افغانستان م. نعیم بیانیه های متقابل داده و از رویدادهای بوقوع پیوسته با پرچمهای دوکشور ابراز تأسف کردند.²⁸⁰ بتاريخ ۱۵ سپتامبر در شهر جلال آباد مراسم برافراشتن بیرق پاکستان در ساختمان قونسلگری²⁸¹ و بتاريخ ۱۸ سپتامبر قونسل افغانستان در پشاور غلام حسن صافی از کابل به پشاور رفت تا در مراسم برافراشتن پرچم افغانستان بالای ساختمان قونسلگری اشتراک کرده و به وظیفه اش بیاغازد.²⁸²

پیرامون رفع اختلافات درباره حادثهء مربوط به پرچمهای دوکشور وزیر خارجه محمد نعیم با خبرنگار آژانس باختر مصاحبه بی انجام داد که طی آن از جمله خاطر نشان کرد که معضل پشتونستان کماکان نقطه اختلاف سیاسی میان افغانستان و پاکستان است.²⁸³

مگر باوجود اعلام عادی شدن روابط دوکشور جامعه افغانی از سیاست حکومت در رابطه به پشتونستان حمایت میکرد. چنانچه بتاريخ ۸ سپتامبر همانسال روز پشتونستان در کابل برگزار شده²⁸⁴ و به این مناسبت نمایندگان ولسی جرگه

آرشیف وزارت خارجه روسیه پوشه: 59-59. - АВР РФ. 1955. Ф. 042. Оп. 67a. Д. 2. П. 59-59

²⁷¹ - همانجا، پوشه ۵۹ -

²⁷² - همانجا، پوشه ۵۹ -

²⁷³ - همانجا، پوشه ۵۹ -

²⁷⁴ - همانجا، پوشه ۵۹ -

²⁷⁵ - روزنامه انیس مورخ ۱۷ جولای سال ۱۹۵۵ م -

²⁷⁶ - روزنامه انیس مورخ ۱۶ جولای سال ۱۹۵۵ م -

²⁷⁷ - روزنامه اصلاح مورخ ۲۸ جولای سال ۱۹۵۵ م -

²⁷⁸ - همانجا: روزنامه اصلاح مورخ ۲۸ جولای سال ۱۹۵۵ م -

²⁷⁹ - خبرنامه آژانس باختر مورخ ۱۳ اگست ۱۹۵۵ م -

²⁸⁰ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۵۵ م -

²⁸¹ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۵۵ م -

²⁸² - روزنامه اصلاح مورخ ۱۸ سپتامبر سال ۱۹۵۵ م -

²⁸³ - خبرنامه آژانس باختر مورخ ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۵۵ م -

تلگرامهای تبریکه‌یی را بنام رهبران پشتونستان جنوبی و مرکزی و رؤسای شورای محلی پشتونستان شمالی گسیل نمودند.²⁸⁵ همانروز وزیر امور خارجه افغانستان محمد نعیم با تبصره پیرامون بازداشت رهبر پشتونها خان عبدالغفار خان، ضمن مصاحبه با خبرنگار آژانس باختر اعلام کرد که مبارزه ملی هیچ مردمی با زندانی شدن رهبرش متوقف نمیشود. وی باز هم خاطر نشان ساخت که موقف حکومت افغانستان در مسأله پشتونستان همانند گذشته است.²⁸⁶

در نهایت از برخورد میان پاکستان و افغانستان جلوگیری شد، چون هیچیک از طرفین به این امر علاقمند نبود. شوربختانه که تلاشهای حکومت افغانستان بر ضد ایجاد واحد (یونت) پاکستان غربی بی نتیجه ماند. پرسش اصلی این بود که کدام سو از این بحران سود برد؟ آیا افغانستان به مرادش پیرامون پشتونستان دست یازید؟ پاسخها به پرسشها را مؤرخ نامور افغانستان میر محمد صدیق فرهنگ در کتابش «افغانستان در پنج قرن اخیر» میدهد. او نوشته است: «یگانه نتیجه سیاسی که از این کار بدست آمد، این بود که افکار عامه در کشورهای مختلف خصوصاً کشورهای جهان اسلام موضوع اصلی اختلاف بین افغانستان و پاکستان به یک موضوع فرعی و تشریفاتی منحرف گردیده و پاکستان از آن حد اکثر بهره برداری را کرد».²⁸⁷

به نظر ما نمیشود با پندار پژوهشگر شوروی ای. اس. نوخویچ در کتابش «سیاست خارجی افغانستان» که میبندارد، «پاکستان در سال ۱۹۵۵ به محاصره اقتصادی افغانستان پرداخته و حادثه کوچک (پاره کردن بیرق دولتی در سفارت پاکستان) در کابل²⁸⁸ را بهانه قرار داد»، موافق بود، چونکه از نگاه دیپلماسی اینگونه رویداد را نمیتوان «حادثه کوچک» پنداشت. پاکستان از این رویداد مربوط به پرچم بهره برداری کرده، مسأله پشتونستان به موضوع فرعی تبدیل نموده و پشتیبانی دیپلماتیک اکثریت جامعه جهانی را کمایی کرد که نمیتوانست در روابط افغانستان-پاکستان بی تأثیر باشد.

۳.۳. لویه جرگه سال ۱۹۵۵ م.

گرچه در سال ۱۹۵۵ محاصره اقتصادی عملاً رفع شد مگر روابط افغانستان و پاکستان همچنان متشنج بودند. ناکامی سیاست سردار محمد داوود خان در نخستین برخورد با پاکستان او را واداشت تا به ابتکلو جدیدی بر ضد ایجاد ایالت واحد یا «یونت) پاکستان غربی» دست یازد.

با فروکش نمودن دور نخست رویارویی با پاکستان در ماه نوامبر همانسال محمد داوود تصامیم نو گرفته و به تاکتیکهای جدید در راستای حل مسأله پشتونستان متوسل شد. این مشی بر مبنای همکاری مسالمت آمیز با پاکستان نه بلکه با رویارویی با آن استوار بود. گام نخست- باید بهر شیوه بی در جهت تفهیم کراچی و مجبور نمودن آن از خودداری در راستای ایجاد واحد (یونت) پاکستان غربی دست یازید. چنانچه او بتاريخ ۱۱ اکتوبر سال ۱۹۵۵ از همتایان پاکستانی اش خواست روی معضله پشتونستان به مذاکره بپردازند: او به صدراعظم پاکستان چودهری محمد علیخان پیشنهاد کرد برای حل و فصل اختلافات میان دوکشور ملاقاتی را سازماندهی کند. در این رابطه صدراعظم پاکستان از محمد داوود خان دعوت کرد تا به کراچی سفر کند.²⁸⁹ داوود دعوت را پذیرفت ولی بمثابهء پیش شرط به پاکستان پیشنهاد کرد تا از ایجاد ایالت واحد (یونت) پاکستان غربی که شالودهء اختلاف دوکشور بود، خودداری کند. مگر پاکستان شرط ارائه شده را رد کرد.

بتاریخ ۱۶ اکتوبر نماینده رسمی وزارت خارجه افغانستان به نمایندگان مطبوعات اعلام کرد که حکومت افغانستان از طریق کاردار سفارتش در کراچی باز هم به حکومت پاکستان بدلیل الحاق پشتونستان به ایالت واحد (یونت) پاکستان غربی احتجاج نموده و به کاردار مذکور دستور داده شده تا از کراچی بکابل برگردد.²⁹⁰ روزنامه اصلاح خبر رسمی را

²⁸⁴ - روزنامه اصلاح مورخ ۸ سپتامبر سال ۱۹۵۵ م.

²⁸⁵ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ سپتامبر سال ۱۹۵۵ م.

²⁸⁶ - خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۱۹ سپتامبر سال ۱۹۵۵ م.

²⁸⁷ - فرهنگ میر محمد صدیق. افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد ۲، چاپ قم، ۱۹۹۶ م. ص. ۶۹۴.

²⁸⁸ - نوخویچ، ای. اس. سیاست خارجی افغانستان م. چاپ ۱۹۸۶. - Нухович Э.С. Внешняя политика Афганистана. - М., ۱۹۸۶.

1986

²⁸⁹ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۳ اکتوبر سال ۱۹۵۵ م.

²⁹⁰ - اصلاح مورخ ۱۶ اکتوبر سال ۱۹۵۵ م.

مبنی بر اینکه بدلیل الحاق پشتونستان به ولایت واحد (یونت) پاکستان غربی صدراعظم افغانستان از سفر به کراچی برای حل و فصل معضل ناهل پشتونستان خودداری میکند، نشر کرد.²⁹¹

پاکستان به نوبه خود دوباره ترانزیت کالاهای افغانی را از خاکش توقف داده و اعلام کرد که افغانستان واحدهایش را در مرز پاکستان متمرکز کرده است. بتاريخ ۲۶ اکتوبر نماینده وزارت خارجه افغانستان این اتهام را رد کرد.²⁹²

بروز ۶ نوامبر روزنامه انیس فرمان پادشاه مبنی بر دعوت لویه جرگه²⁹³ بتاريخ ۱۳ نوامبر سال ۱۹۵۵ جهت بررسی سیاست بعدی حکومت در مسأله پشتونستان را نشر کرد.²⁹⁴ مگر این جرگه پسانتر از تاریخ ۲۰ تا ۲۵ نوامبر دایر شد که در آن ۳۷۱ نماینده از سراسر کشور اشتراک داشتند.²⁹⁵ گرچه لویه جرگه زیر ریاست محمد ظاهرشاه گشایش یافت، مگر او بزودی پس از افتتاح مجلس آنرا ترک گفته و پس از آن ریاست جرگه را محمد گل خان مومند والی ولایت ننگرهار (مشرقی) بعهده گرفت.

باینترتیب لویه جرگه برای تعیین مشی بعدی حکومت در قبال معضل پشتونستان دعوت شده و در آن محمد داوود خان بیانیه ایراد کرده و موضع حکومت را پیشکش نمود.

از جمله او گفت که حکومت افغانستان در این راستا تمام تلاشهای صلحجویانه اش را برای حل این مسأله بکار گرفت. مگر پاکستان نه تنها با افغانستان همکاری نکرد، بلکه با ایجاد ایالت یونت (واحد) غربی و الحاق ۴ ساحه پشتوننشین به آن این پروسه را عملاً در نظر نگرفت. به اینگونه حکومت پاکستان نهایتش را برای نابودی هویت ملی و حق خود ارادیت پشتونها هویدا ساخت. او در بیانیه اش از تقویه نظامی پاکستان گفته و آنرا خطری برای افغانستان پنداشت. وی اعلام کرد که با کمک نظامی و اقتصادی برخی ابرقدرتها به پاکستان اینکشور توازن نیروها را در منطقه برهم زده و با استفاده از این کمکها حقوق پشتونها را برای داشتن سرزمین خویش نقض میکند. او اضافه کرد، وجبیه اش میدانند، مردم خویش را از خطرهایی که از پاکستان ناشی میشود، باخبر سازد. او در این رابطه دو مسأله را به اجندا مطرح کرد:²⁹⁶

۱. آیا حکومت افغانستان از حقوق حقه و قانونی پشتونها دفاع کند یانه؟
۲. آیا حکومت اقدامات لازمی را برای دفاع کشور که در نتیجه کمک دیگران به پاکستان توازن نظامی در منطقه بهم خورده است، انجام دهد؟

مسائل نامبرده در روزهای بعدی کار لویه جرگه به شور و مباحثه گرفته شدند. لویه جرگه در نشست پایانی خویش سیاست حکومت در قضیه پشتونستان را تایید کرده و توصیه کرد به مردم پشتون در تعیین سرنوشت حقه شان کمک شده و همچنان خرید اسلحه در هر زمان و از هرجایی برای تقویت توانمندی کشور را انجام دهد. جرگه همچنان اعلام کرد که هیچگاهی پشتونستان را جزء خاک پاکستان نمیشناسد.

در جرگه هیچ اختلافی در برابر سیاست حکومت افغانستان در قبال پاکستان و پشتونستان هویدا نشد. هیچکسی از صدراعظم نیرسید که «حقوق دیرین و قانونی» خلق پشتون چه معنی دارد و حکومت افغانستان در این راستا به کدام موازین و قوانین بین المللی متکی است و در نهایت با کدام نیروها و امکانات حکومت از حقوق پشتونها دفاع خواهد کرد. هیچکسی جرأت نکرد بپرسد، میان «حقوق دیرین و قانونی» پشتونهای خارج مرز و منافع ملی مردم افغانستان چه پیوندی وجود دارد. این موضوع در بیانیه های محمد ظاهرشاه و در گزارش سردار محمد داوود بازتاب نیافته بود.²⁹⁷

این لویه جرگه همانند گذشته هایش از جانب زمامداران تدویر یافته بود. ترکیب آن نه از سوی مردم بلکه از جانب حاکمان معین شده بود. لویه جرگه همانند میراث جامعه سنتی افغانی وسیله مطیع سازی در دست زمامداران بود. در حالیکه جرگه های تدویر شده در محلات در اجتماعات سنتی- قبیله ای در حل منازعات و اختلافات کمک میکردند، لویه

همانجا: اصلاح مورخ ۱۶ اکتوبر سال ۱۹۵۵ م. - 291

روزنامه اصلاح مورخ ۲۶ اکتوبر سال ۱۹۵۵ م. - 292

Александров А., Ахрамович Р. Государственный строй Афганистана. - М., 1956. С. 23. - 293

الکساندروف آ. و آخراموویچ ر. ساختار دولتی افغانستان. مسکو سال ۱۹۵۶ م. ص. ۲۳

لویه جرگه نشست عمومی نمایندگان سراسر افغانستان است که بطور غیر نوبتی توسط شاه دعوت شده و در آن حالات فوق العاده بررسی میشود. البته مسایل مورد بحث لویه جرگه از سوی ارگان عالی اجرایی مشخص میشود. در جمله وظایف لویه جرگه مسایل میرم داخلی و سیاست خارجی دولت شامل میشوند که عموماً خصلت توصوی دارند (مولف).

محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان. کابل، سال ۲۰۰۷، ص. ۲۳۲ - 294

محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان. کابل، سال ۲۰۰۷، ص. ۲۳۳ - 295

محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان. کابل، سال ۲۰۰۷، ص. ۲۳۳ - 296

همانجا، ص. ۲۳۴ - 297

جرگه تدویر شده از جانب حکومت مرکزی از ارزش مهمی برای توجیه سیاست حکومت در قبال پشتونستان برخوردار بود.²⁹⁸

در تاریخ کشور سابقه نداشت که در لویه جرگه ابتکارات حکومت تأیید نشود. وکلای لویه جرگه که گویا از جانب مردم محلی انتخاب شده و سردار محمد داوود خان آنها را «وکلائی محترم مردم» خطاب میکرد، هنگام بحث روی سیاست حکومت پیرامون پشتونستان باید در مورد نحوه پیشبرد سیاست خارجی از صدراعظم پرسشهایی را مطرح میکردند. مگر تدویر کنندگان لویه جرگه خود از نام نمایندگان برخوردار آنان را نسبت به سیاست خارجی حکومت توضیح میدادند، چون بگمان بیشتر باهمه چیز از پیش توافق شده بود²⁹⁹.

محمد داوود دوباره روی موقف آشتی ناپذیر و عدم تمایلش به برخورد صلحجویانه و سنجیده اش در قضیه پشتونستان تأکید کرد. او به واقعیت ناتوانی رزمی و کمبود تسلیحاتی کشور پی برده بود، و میدانست که توان مقابله با پاکستان را و یارای رسیدن به مراسم بخاطر پشتونستان را ندارد. به این دلیل او به تدویر لویه جرگه دست یازید.³⁰⁰

۲۵ نوامبر سال ۱۹۵۵ لویه جرگه تصامیم زیر را گرفت³⁰¹:

۱. مطابق درخواست مردم پشتون ما از حق خود ارادیت شان حمایت میکنیم، چونکه پشتونها برادران خونی ما اند. این وجیه مردم و دولت افغانستان است. در این رابطه لویه جرگه به حکومت افغانستان پیشنهاد میکند، مطابق به تقاضای مردم پشتونستان از حق شان برای خود ارادیت دفاع کرند.

۲. بدلیل سیاست حکومت فعلی پاکستان و بویژه بعثت عدم توازن نیروها که در نتیجه تمرکز قوای بزرگ پاکستانی و دادن کمکهای پهناور برخی ابرقدرتها صورت میگردد، امنیت ملی و استقلال افغانستان با خطر جدی مواجه شده است. بادر نظر داشت وضع وخیم بمیان آمده در منطقه ما مسوولیت دولت افغانستان میدانیم، بهر قیمتی که شود باید از آزادی و استقلال ملی مردم افغانستان حمایت کند. لویه جرگه به دولت سپارش میکند تا با هر وسیله ممکن و مناسب دفاع کشور را ممکن سازد.

۳. لویه جرگه همانند ارگان عالی نمایندگی مردم افغانستان اعلام میدارد که خاک پشتونستان نباید جزء پاکستان باشد، زیرا این امر با اراده مردم پشتونستان تفاوت دارد. ما در این رابطه فیصله شماره ۷۲۳ مورخ ۳ اگست سال ۱۹۵۵ (۲۳ میزان سال ۱۳۳۴ خ.) شورای ملی را درست پنداشته و تأیید میکنیم.

باینترتیب، حکومت محمد داوود خان پشتیبانی کلی وکلای لویه جرگه در مسأله پشتونستان و تجهیز قوای مسلح کشور از طرق ممکن را بدست آورد.³⁰²

فیصله های لویه جرگه که با اراده و آرزوی محمد داوود خان مطابقت داشتند، دستش را در راستای پیشبرد سیاست پشتونستان آزاد گذاشتند. این تصامیم همچنان راه را برای همکاری نظامی با اتحادشوروی باز کردند.³⁰³ مگر ایجاد ارتش توانمند بکمک اتحادشوروی در آینده نیز نتوانست عامل مهم حل معضل پشتونستان آنگونه که محمد داوود خان مینداشت، شود. با اینهم تلاشهای وی برای ایجاد و توانمندی اردو بیهوده هم نبودند: در سال ۱۹۷۳ این ارتش بود که اورا بقدرت رساند و همین اردو بهمانگونه نتنها حکومتش را برانداخت، بلکه سر به نیستش نیز کرد.

۳.۴ سفرهای متقابل سران افغانستان و پاکستان (۱۹۵۵ - ۱۹۶۰)

همانجا، ص. ۲۳۴. ²⁹⁸

همانجا، ص. ۲۹۹. ²⁹⁹

محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان اندیشمند. ما و پاکستان. کابل، سال ۲۰۰۷، ص. ۲۳۳. ³⁰⁰

امین الله دریچ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور سال ۲۰۰۷، ص. ۳۶۲. ³⁰¹

- همانجا. ³⁰²

امین الله دریچ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور سال ۲۰۰۷، ص. ۳۶۲. ³⁰³

درست پس از پایان کار لویه جرگه گورنر جنرال پاکستان از طریق رادیو کراچی اعلام کرد که دیدار رهبران پاکستان و افغانستان برای حل و فصل مسایل موجود ضروریست. بتاريخ ۲۸ نوامبر وزیر خارجه افغانستان محمد نعیم در مصاحبه با آژانس باخترا در این رابطه خبر داد که حکومت افغانستان هنوز اطلاعیه رسمی را بدست نیاورده، ولی حاضر است مذاکرات را برای رفع اختلافات آغاز کند.³⁰⁴

بتاریخ ۵ دسامبر دهمین اجلاس اسامبله عمومی ملل متحد برگزار شد که در آن حکیمی عضو هیأت افغانستان هنگام بحث روی مناسبات بازرگانی کشورهای عضو سازمان ملل متحد از موانع ایجاد شده توسط حکومت پاکستان در برابر کالاهای صادراتی و وارداتی افغانستان از خاک پاکستان گلایه کرده خواستار رفع مشکلات موجود شد.³⁰⁵

نخست وزیر پاکستان بنوبه خود افغانستان را متهم کرد که اجتنهاایش را برای تخریبکاری و حمله به پاکستان میفرستد و هواپیماهای افغانی چندین بار به حریم هوایی پاکستان تجاوز نموده اند. مگر آژانس باخترا این ادعاها را رد کرد.³⁰⁶

باوجود افزایش بی اعتمادی میان افغانستان و پاکستان پس از لویه جرگه مذاکرات میان دوکشور ادامه داشتند. مطبوعات افغانستان در سالهای ۱۹۵۶-۱۹۵۷ سفرهای متقابل رهبران دوکشور، گفتگوها برای احیای ترانزیت کالاهای افغانی از خاک پاکستان و عقد موافقتنامه همکاری هوایی را بازتاب دادند. مگر چالشهای مورد اختلاف دوکشور در نشرات بحث نمیشدند.

همزمان با این اوضاع سیاسی همچنان پاکستان متشنج بود. تلاش جنبش ایجاد حزب سراسری دموکرات پاکستان با بازداشت رهبران آن در جون ۱۹۵۶ (منجمله رهبران مخالف با ایجاد ایالت یونت پاکستان شامل عبدالغفار خان) ناکام ساخته شد. مطبوعات افغانستان بگونه گسترده این اقدام را با نشر سرمقاله ها، عکسها و زندگینامه های رهبران بازتاب میدادند.³⁰⁷

وزیر خارجه افغانستان محمد نعیم در مصاحبه با خبرنگار آژانس باخترا³⁰⁸ هنگام تماس روی بازداشت رهبر پشتونستان ابراز اطمینان کرد که... «خواست قانونی مردم پشتونستان برای آزادی شان با چنین اقداماتی نمیتواند، خفه شود». حکومت پاکستان در اثر فشار اجتماعی مجبور شد عبدالغفار خان و دیگر فعالان جبهه را آزاد سازد.

بتاریخ ۷ جون روزنامه انیس³⁰⁹ خبری را مطابق اعلامیه رادیو کراچی نشر کرد، که برشالوده آن رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا بنا به دعوت شاه افغانستان به کابل بروز ۱۸ جون ۱۹۵۶ بحیث مهمان رییس دولت سفر میکند. مگر او با تأخیر بتاريخ ۷ اگست ۱۹۵۶ به پایتخت افغانستان آمده و چند روزی آنجا بود.³¹⁰

در جریان این سفر اعلامیه مشترک سران دو دولت انتشار یافت که در آن آمده بود طرفین تصمیم مشترک گرفته بودند، از طریق مذاکرات دوستانه تمام اختلافات میان شان را حل و فصل کنند. در این اعلامیه خاطر نشان شده بود که شاه دعوت اسکندر میرزا برای سفر به پاکستان را پذیرفته است. در باره اینکه اسکندر میرزا با صدراعظم افغانستان هم دیدار کرده بود، چیزی تذکر نرفته بود.³¹¹

بروز ۱ سپتامبر بطور عنعنوی روز پشتونستان تجلیل شد. در مرکز شهر در میدان پشتونستان تظاهرات کثیر العده بی برگزار شد که در آن شعارهایی بدفاع از خلق پشتونستان و حق شان برای خود ارادیت طنین افگند.³¹²

بزودی صدراعظم پاکستان سهروردی به صدراعظم افغانستان محمد داوود دعوتنامه بی برای بازدید از کراچی فرستاد.³¹³ محمد داوود دعوت را پذیرفت و بتاريخ ۲۴ نوامبر به پاکستان³¹⁴ رفته و با رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا و

³⁰⁴ - روزنامه اصلاح مورخ ۲۸ نوامبر سال ۱۹۵۵ م.

³⁰⁵ - روزنامه اصلاح مورخ ۵ دسامبر سال ۱۹۵۵ م.

³⁰⁶ - روزنامه انیس مورخ ۱۱ دسامبر سال ۱۹۵۵ م.

³⁰⁷ - روزنامه های انیس و اصلاح مورخ ۱۷ می سال ۱۹۵۶ م.

³⁰⁸ - خبرنگار آژانس اطلاعاتی باخترا مورخ ۲۵ می سال ۱۹۵۶ م.

³⁰⁹ - روزنامه انیس مورخ ۷ می سال ۱۹۵۶ م.

³¹⁰ - انیس مورخ ۷ اگست سال ۱۹۵۶ م.

³¹¹ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ اگست سال ۱۹۵۶ م.

³¹² - آرشیف وزارت خارجه روسیه ... پوشه 88. П. 2. Д. 68В. Оп. 042. Ф. 1956. АВП РФ.

صدر اعظم سهروردی مذاکره کرد.³¹⁵ در پایان گفتگوها آنها اعلامیه مشترکی را نشر نموده و از دستیابی به توافقات ابراز خرسندی نمودند. همچنان خبرنامه مشترک افغانستان- پاکستان پیرامون سفر محمد داوود در پاکستان پخش شد.³¹⁶

پس از صدر اعظم داوود وزیر صحت عامه افغانستان عبدالظاهر نیز از پاکستان دیدن کرد. رئیس جمهور اسکندر میرزا هنگام اقامت وزیر در پاکستان تجهیزات شفاخانه را بوی بخشش داد.³¹⁷

در ماه فبروری ۱۹۵۷ شخص محمد ظاهر شاه رسماً به پاکستان سفر کرده و با رهبران آنکشور پیرامون عادی شدن روابط دوکشور گفتگو کرد. دوطرف آمادگی کامل شان را برای تشریک مساعی در راستای دستیابی به این مرام نشان دادند. ظاهر شاه از نتایج این ملاقاتها رضایت کلی داشت.

پس از این، سلسله دیدارهای متقابل نمایندگان پاکستان و افغانستان آغاز شد. از جمله رسانه های افغانی سفر شاعر نامور، دانشمند، سیاستمدار، رییس اداره «پشتو تولنه» گل پاچا الفت را که بتاريخ ۲۴ مارچ سال ۱۹۵۷³¹⁸، صورت گرفت و همچنان بازدید رسمی محمد نعیم خان وزیر خارجه افغانستان را در ماه اپریل سال ۱۹۵۷ بگونه گسترده بازتاب دادند.

بتاریخ ۸ جون ۱۹۵۷ سهروردی صدر اعظم پاکستان از کابل دیدن نموده و با همتایش صدر اعظم محمد داوود ملاقات کرده و از جانب پادشاه افغانستان پذیرفته شد.³¹⁹ در نتیجه گفتگوها یک اعلامیه مشترک تصویب شد. در ماه جون ۱۹۵۷ پس از سفر نخست وزیر پاکستان کار سفیران دو کشور در کابل و کراچی دوباره آغاز شد.³²⁰

به این ترتیب روابط دوکشور انکشاف مییافتند. در ماه جون ۱۹۵۷ هیأت پاکستانی برای مذاکرات بخاطر آغاز ترانسپورت هوایی میان پایتختهای دوکشور به کابل آمد،³²¹ مگر پروازهای منظم میان کراچی و کابل فقط پس از چهار سال عملی شد.

بتاریخ ۲۱ اگست ۱۹۵۷ سفیر جدید پاکستان در کابل که پشتون بود اعتبارنامه اش را به شاه افغانستان پیشکش کرده³²² و بتاريخ ۱۱ سپتامبر همانسال اگریمان حکومت پاکستان برای پذیرش محمد هاشم میوندوال بحیث سفیر نو افغانستان در کراچی صادر شد.

در پایان سال ۱۹۵۷ در پاکستان بحران جدی سیاسی بمیان آمده و به این ارتباط رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا به شاه افغانستان پیامی مبنی بر تأخیر سفرش به پاکستان را فرستاد.³²³

بزودی در شهر لاهور پاکستان کنفرانس علمی بین المللی کشورهای اسلامی دایر شد که جهت اشتراک به آن هیأت دانشمندان افغانستان به آنجا سفر کرد. رییس هیأت عبدالحکیم ضیایی با بیانیه یی از دستاوردهای افغانستان در عرصه های فرهنگ، آموزش و پرورش گفت.³²⁴

باوجود حالت بحرانی پاکستان روابط دوکشور همسایه تحکیم مییافتند. چنانچه در آغاز سال ۱۹۵۸ میان کراچی و کابل ارتباط رادیو تلفونی برقرار شد.³²⁵ همزمان گروهی از دوکتوران افغان برای مجادله با کولرا (وبا) و چیچک به پاکستان شرقی رفتند.

³¹³ - روزنامه انیس مورخ ۸ نوامبر سال ۱۹۵۶ م. -

³¹⁴ آرشیف وزارت خارجه روسیه ... پوشه 88 - АВП РФ. 1956. Ф. 042. Оп. 68в. Д. 2. П.-

³¹⁵ - انیس مورخ ۲۶ نوامبر سال ۱۹۵۶ م. -

³¹⁶ روزنامه انیس مورخ ۲ دسامبر سال ۱۹۵۶ م. -

³¹⁷ آرشیف وزارت خارجه روسیه ... پوشه 88 - АВП РФ. 1956. Ф. 042. Оп. 68в. Д. 2. П.-

³¹⁸ روزنامه انیس مورخ ۲۴ مارچ سال ۱۹۵۷ م. -

³¹⁹ روزنامه انیس مورخ ۹ می سال ۱۹۵۷ م. -

³²⁰ - خبرنامه آژانس باختر مورخ ۱۱ می سال ۱۹۵۷ م. -

³²¹ روزنامه انیس مورخ ۱۳ می سال ۱۹۵۷ م. -

³²² - خبرنامه آژانس باختر مورخ ۲۲ اگست سال ۱۹۵۷ م. -

³²³ - روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ دسامبر سال ۱۹۵۷ م. -

³²⁴ - خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۵ جنوری سال ۱۹۵۸ م. -

³²⁵ - روزنامه اصلاح مورخ ۲۶ جنوری سال ۱۹۵۸ م. -

بدلیل لغو سفر ماه جنوری سال ۱۹۵۸ شاه افغانستان به پاکستان رییس جمهور آنکشور اسکندر میرزا در اول فیروری ۱۹۵۸ دوباره به پادشاه افغانستان دعوتش را فرستاد.³²⁶ و در ماه فیروری سال ۱۹۵۸ محمد ظاهر شاه بار دوم در یکدهه به کراچی رفت.³²⁷

در ماه مارچ سال ۱۹۵۸ شاه به رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا پیام تلگرام تبریکه یی بمناسبت ایجاد جمهوری اسلامی پاکستان فرستاد.³²⁸

در ماه می ۱۹۵۸ رویدادی تراژیک در پاکستان بوقوع پیوسته و یکی از رهبران پشتونها دکتور خان صاحب بقتل رسیده و صدراعظم داوود و وزیر خارجه محمد نعیم پیام همدردی شانرا به رهبر پشتونستان و برادر مقتول خان عبدالغفار خان و فرزند ارشدش عبدالله خان فرستادند.³²⁹

گرچه مرگ خان صاحب میتوانست بازهم به سردی نوبتی مناسبات دوکشور بیانجامد، مگر افغانستان که بعلت بندشدن مرزهایش دچار بحران بود بیشتر به عادی شدن روابطش با پاکستان علاقمند بود. پاکستان از این امر استقبال کرده و بزودی هیات پاکستانی در رأس وزیر مالیه سید امجد علی برای گفتگو روی مسایل ترانزیتی به کابل آمد.³³⁰ در نتیجه این مذاکرات رسماً (ظاهراً) همه موانع موجود در برابر ترانزیت کالاهای افغانی از خاک پاکستان برداشته شد. بتاريخ ۱۷ جون ۱۹۵۸ ترانزیت زمینی محموله های بازرگانی دوباره آغاز شد.³³¹

درماه اگست سال ۱۹۵۸ نخست وزیر پاکستان فیروز خان نون طی یک کنفرانس مطبوعاتی در لاهور از یک طرح هیجان برانگیز مبنی بر ایجاد فدراسیون پاکستان، ایران و افغانستان گفت. ایران با علاقمندی بسیار به این پیشنهاد میدید. مگر پندار افغانستان این بود که این یک مانور سیاسی پاکستان است که میخواهد توجه همگانی را از رویارویی میان دوکشور دور سازد. در این امر شالوده نگرانی افغانستان از دست دادن ناگزیر استقلال کشور و از میان رفتن داعیه پشتونستان در برابر پاکستان بود.

در این میان سفرهای متقابل هیاتهای افغانستان و پاکستان ادامه داشت. چنانچه هیأت نمایندگی افغانستان که در ترکیب آن رییس امور تجارتي وزارت تجارت یونسی، رییس پشتتی تجارتي بانک چنت غوروال، معاون شرکت «نساجی» م. ا. ضایی، رییس اداره ترانسپورت ولی احمد، معاون بخش گمرک وزارت مالیه سلطان عزیز ذکریا شامل بودند به آنجا رفت.³³²

هیأت افغانی روی عقد قرارداد ترانزیتی افغانستان- پاکستان مذاکره کرد. جانب پاکستان از شرایط امتیازی برای کالاهای افغانی خبر داد که از محصول وارداتی مانند گذشته آزاد میشدند. همچنان امور و اسناد گمرکی، تجارتي ترانسپورت راه آهن بخاطر انتقال کالاهای نامبرده در خاک پاکستان آسانتر شد. اداره بندر کراچی جاهای ویژه یی را برای کالاهای افغانی تخصیص داد. عواید یکه قبلاً از حساب انتقال کالاهای افغانی حاصل اداره بندر کراچی میشدند، ۱۵٪ عاید عمومی را تشکیل میدادند، در حالیکه در ۱۰ روز نخست پس از قرارداد این ارقام به ۴۰٪ و در روزهای بعدی ۶۰٪ عاید کل بندر را تشکیل میساختند. همچنان ساحه ترانزیت نامبرده میتوانست برای کالاهای صادراتی افغانی نیز استفاده شود. همچنان برای حفاظت کالاهای افغانی ساختمانهای لازمی در پشاور تخصیص یافته بود.

همچنان برای ساختمان شاخه راه آهن چمن- سپین بولاک نیز توافق شد. راههای آهن پاکستان برای کالاهای افغانی امتیازات و تسلیهاتی را آماده میکردند. هر شکایتی در رابطه به در اختیار قرار دادن واگونها ی قطار برای کالاهای افغانی با درک و همکاری مکمل پاسخ داده میشد. همچنان برای انتقال کالاهای افغانی توسط قطار مسافربری و یا از راه هوایی نیز امتیازاتی به جانب افغانی داده میشد.³³³

³²⁶ روزنامه اصلاح مورخ ۵ جنوری سال ۱۹۵۸ م.

³²⁷ - روزنامه اصلاح مورخ ۸ فیروری سال ۱۹۵۸ م.

³²⁸ - روزنامه اصلاح مورخ ۲۶ مارچ سال ۱۹۵۸ م.

³²⁹ روزنامه انیس مورخ ۱۰ می سال ۱۹۵۸ م.

³³⁰ - روزنامه اصلاح مورخ ۲۴ می سال ۱۹۵۸ م.

³³¹ روزنامه اصلاح مورخ ۱۷ سال ۱۹۵۸ م.

³³² روزنامه اصلاح مورخ ۳ نوامبر سال ۱۹۵۸ م.

³³³ خیرنامه سفارت پاکستان، شماره ۳، مورخ ۱ جنوری سال ۱۹۵۹ م.

پایان موفقانه مذاکرات پیرامون انتقال ترانزیت کالاهاى افغانى از طريق پاکستان در خبر نامه سفارت پاکستان در کابل نیز بازتاب یافته بود.

مگر در این میان اوضاع پاکستان دوباره به خرابی گرایید. رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا حالت اضطرار را در کشور اعلام کرده، قانون اساسی سال ۱۹۵۶ را بحالت تعلیق درآورده و جنرال محمد ایوب خان را رییس حکومت مؤقت در دوره حالت اضطراری تعیین کرد. بتاريخ ۷ اکتوبر سال ۱۹۵۸ جنرال ایوب خان که ملیتش پشتون بود، بحیث رییس حکومت تعیین شد.³³⁴ زیر فشار هیأت جنرالها اسکندر میرزا اعلام کرد که از مقامش کناره گیری کرده و زمام دولت را به جنرال ایوب خان میدهد، که در نتیجه وی رییس جمهور پاکستان شد. پست صدارت از میان رفته و حکومتی بشکل ریاستی بوجود آمد که اعضای آن توسط رییس دولت انتصاب میشدند.

گرچه در دوره ایوب خان پشتونها نقش و اضحتری در اداره دولت بازی میکردند مگر این امر به احیای ایالت صویه سرحد پاکستان تأثیری نداشت. همچنان تغییر حاکمیت در پاکستان به بهبود روابط میان دوکشور نیانجامید. گرچه رییس جمهور جدید پاکستان پشتون بود، مگر با تفاوت از داوود خان میخواست نه بحیث یک ناسیونالیست، بلکه بمثابه یک دولتمدار عمل کند و بنابراین به فشار وارد نمودن بالای پشتونهای پاکستان ادامه داد.

ایوب خان که از نگاه خوی و کردار و طرز اداره دولت دیکتاتور بود، فعالیت همه احزاب سیاسی در کشورش را ممنوع اعلام کرد. در نواحی پشتون نشین باوجود ممنوعیت نفوذ حزب مردم پاکستان ارتقا یافت. در ماه فبروری سال ۱۹۵۸ تعداد اعضای حزب نامبرده در این مناطق به ۲۰۰ هزار نفر رسید.³³⁵ برنامه حزب زمینه حمایت گسترده باشندگان پشتون را مهیا میساخت.

ازسویی قشر مالکان بزرگ زمین موسوم به جاگیرها و زمینداران پنجاب و سند دیگر نفوذ قاطع در سیاست دولت نداشت. متشبثان بازرگانی- صنعتی و زمینداران متوسط که با تجارت و تشبث خصوصی پیوند داشتند و بویژه از پنجاب و ولایت صوبه سرحد پاکستان بودند، نقش عمده را بدست آوردند.

در ماه جنوری سال ۱۹۶۰ نعیم خان به کراچی سفر کرد تا با موقف رهبری جدید پاکستان در مورد پشتونستان آشنا شود. مگر در آنجا محمد نعیم خان با بی میلی مواجه شد. رهبری جدید موضع شدیدتری را نسبت به گذشته در قبال پشتونستان گرفت. سفر محمد نعیم بی نتیجه بود. بر علاوه ایوب خان همانند یک نظامی میخواست توانمندی قوتهای مسلح خود را نشان دهد، که تلاشی بود برای تفهیم افغانستان که هر تلاشی در راستای ایده پشتونستان میتواند برای افغانستان عواقب بدی داشته باشد.³³⁶

در جریان مذاکرات حرفی درباره پشتونستان بمیان نیامد و بقول خاورشناس- مورخ و دیپلمات امریکایی لیون پولادا جنرال نعیم خان را توهین و تهدید کرد. پولادا مینویسد: «بقول نعیم خان، ایوب خان نمیخواست بطور جدی صحبت کند و میخواست فقط یادداشت دست داشته اش را بخواند. و بخاطریکه محمد نعیم را تحقیر کند با افتخار بزبان پشتو گپ میزد چون میدانست که نعیم خان این زبان را نمیدانست و بنابراین وی خودرا راحت احساس نمیکرد. با استفاده از برخی منابع، او شکایات و اسناد محرمی را بخواندن گرفت که گواه توانمندی پاکستان درجهت نابودی افغانستان بود... نعیم ناگذیر شد که ملاقاتش را ناگهانی قطع کند».³³⁷

این موضوع را دیپلمات برجسته افغانستان و مؤلف کتاب «زوال افغانستان» عبدالصمد غوث نیز تأیید میکند. او مینویسد که «جنرال ایوب خان که خودش از نگاه قومی پشتون بود، بجای آنکه بحرف نعیم خان گوش دهد، وی را با قوت نظامی اردوی پاکستان و اینکه کابل را در چند ساعت تسخیر کند، تهدید کرد. سردار نعیم دانست که پیشبرد گفتگوهای بیشتر بیهوده اند و بنابراین بسرعت بکابل برگشت».³³⁸

³³⁴ - M.Asgar Khan. Generals in Politics. Pakistan-1982.

1958- - Delhi, 1983. p. 6.

م. اصغر خان. جنرالها در سیاست پاکستان. سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۲ م. دهلی، سال ۱۹۸۳. ص. ۶.

³³⁵ - Плешов О.В. Ислам и политическая культура общества. Парадоксы консервативной традиции. // Азия и Африка сегодня. №2. 2003.

پلیشوف او. و. فرهنگ اسلامی سیاسی جامعه. تناقضات سنن محافظه کارانه. مجله آسیا و آفریقای امروز شماره ۲ سال ۲۰۰۳ م. -

³³⁶ محمد اکرام اندیشمند، ماو پاکستان، کابل ۲۰۰۷، ص. ۲۴۲.

³³⁷ - Poullida B.P. Reform and Rebellion in Afghanistan. - Cornell University Press, 1973. -

³³⁸ - محمد اکرام اندیشمند. ما و افغانستان. ص. ۲۴۲.

در ماه جنوری سال ۱۹۶۰ هنگام سفر نعیم خان به پاکستان با منظور قادر وزیر خارجه آنکشور مسأله پیوستن پشتونهای افغانستان به پاکستان مطرح شد. وزیر خارجه پاکستان بزیرکی و بگونه ناگهانی «پیشنهادی» را ارائه کرد: 339 «خلق پشتون در هر دوسوی خط دیورند باید مشخص سازند که در ترکیب کدام دولت- پاکستان یا افغانستان میخواهند شامل شوند. از آنجاییکه پشتونهای ساکن پاکستان در طی ریفراندمی کشور شان را انتخاب کرده اند، باید نظرخواهی مشابهی در افغانستان نیز راه اندازی شود. اگر انتخاب شان بسود پاکستان باشد، بهتر، در غیر اینحالت مذاکرات و بررسی مفصل ضرور است». نعیم خان گفت که او برای گفتگوهایی از این قبیل نیآمده است. پس‌انتر بتاريخ ۷ مارچ قادر علناً پیشنهادش را تکرار کرد: «چونکه ۲/۳ پشتونها در پاکستان زندگی میکنند و فقط ۱/۳ آن در افغانستان پس عاقلانه است که اقلیت به اکثریت ببینند».

در آنزمان در مطبوعات افغانستان مقالاتی از جمله درباره تاریخ پیدایش پاکستان و الحاق نادرست مناطق پشتونها در ترکیب آن به نشر رسیدند. چنین بود سرمقاله های جراید افغانی: «زمانیکه انگلیسها میخواستند هند را ترک گویند، آنها دو قلمرو را بوجود آوردند. در آنزمان هویدا بود که خلق هند میخواهد انگلیسها را بیرون رانده و حکومت خود را مطابق میل خویش بمیان آورد. انگلیسها با طرح ایجاد هند و پاکستان ریفراندمی را سازماندهی کردند. مگر مردم پشتون طرح خورا پیشکش کرد که بر شالوده آن برای ایجاد پشتونستان نیز باید نظرخواهی میشد. رهبران مسلم لیگ و هواداران شان به این پیشنهاد ارزشی قابل نشدند. بخاطر فریب تودهها به مشترکات اسلامی و غیره پیوندهای مردم اتکا شد. آنها آنوقت میگفتند که کسیکه خود را مسلمان میندازد، باید رأیش را به مسلم لیگ بدهد. پس از راه اندازی باصطلاح ریفراندم که بدعوت عبدالغفار خان از سوی هموطنانش بایکوت شده بود، رهبران پشتونها فعالیت گسترده خویش را ادامه داده و بخاطر ایجاد پشتونستان تلاش میکردند».

با بررسی مناسبات پاکستان و افغانستان در سالهای نخستین پس از زوال هند برتانوی میتوان نتیجه گیری کرد که آنها بسیار متشنج بودند، بویژه در سال ۱۹۵۵ که ایالت واحد (پونت) پاکستان غربی ایجاد شد. به پندار برخی مورخان خاورشناس علت بحران میان دوکشور تلاش محمد داوود خان برای رسیدن به بحیره عرب بود. مگر در جریان کار روی رساله علمی حاضر ما به سندی دال به این گفته برنخوریم. فکر میکنیم که «معضل پشتونستان» محصول سیاست جاه طلبانه محمد داوود و برشالوده خواسته های ناسیونالیستی وی استوار بود.

۳.۵. گسست روابط افغانستان و پاکستان (۱۹۶۱-۱۹۶۳)

مرحله نو رویارویی ه ۱۰ در آغاز سالهای ۶۰ بوجود آمد، زمانیکه هر دو دولت بر خوردهای مسلحانه میان دو قبیله پشتون را حمایت کردند. در چنین حالت تشنج به اوجش رسید. حکومت پاکستان نیروهایش را در نزدیکی خط دیورند جابجا کرد. پاکستان افغانستان را متهم میکرد که در ماه می سال ۱۹۶۱ نظامیان افغان ملبس به پوشاک شخصی، مرز را عبور کردند، تا خان جندول از قبایل مرزی افغان را که با شلار خان در باجور پاکستان میجنگید، کمک کنند. گرچه جانب افغانی اتهامات به آدرسش را رد میکرد، مگر برخورد میان دو قبیله رخ داده به معنی مرحله جدید رویارویی میان دوکشور بود.³⁴⁰

در ماه جون همانسال محمد داوود خان بمباردمان مناطق قبایل پشتون و بازداشت رهبران آنها را محکوم کرد. وضع با یک حادثه دیگر به وخامت بیشتر گرایید: هواپیمای جاسوسی امریکایی لوکهدیو- 2 که از پایگاه نظامی ایالات متحده در پشاور پرواز کرده بود، در خاک افغانستان سقوط کرد، که در نتیجه حکومت افغانستان به حکومتهای ایالات متحده و پاکستان احتجاج کرد.

در اوج جنگ تبلیغاتی میان دوکشور بروز ۸ جون ۱۹۶۱ محمد ظاهر شاه تقاضای استقلال پشتونستان را کرد.

و حید مژده. مناسبات سیاسی ایران و افغانستان. کابل سال ۲۰۱۰. ص. ۸۰. - 340

در ماه اگست سال ۱۹۶۱ در پاسخ به اعلامیه ظاهر شاه حکومت ایوب خان قونسلگریهایش را در جلال آباد و قندهار بست و همه توافقات گذشته با افغانستان پیرامون کالاهای بازرگانی از خاک خویش را ملغی اعلام کرد.³⁴¹ در ماه سپتامبر ۱۹۶۱ محمد داوود بر علاوه بستن دفاتر قونسل افغانستان، گسست روابط دیپلماتیک با پاکستان را نیز اعلام نمود. در پاسخ جانب پاکستانی نیز با قطع روابط دیپلماتیک با افغانستان مرزهای میان دو کشور را بست.

این امر باعث برهم خوردن مهاجرت عنعنوی کوچیهای افغانستان شد که در خزان از مرزها گذار کرده برای گذراندن زمستان به پاکستان و در بهار به افغانستان میآمدند. در نتیجه در نواحی مرزی در حدود ۳۰۰ هزار کوچی با ربه ها و حیوانات شان گیر مانده بودند. در خواست پاکستانیها که ورود کوچیها را بداشتن پاسپورت سفر، دفترچه صحت و ویزه پاکستان مشروط کرده بودند، توهین واضحی بشمار میرفت. بنابراین کابل بسرعت برای جابجایی تودههای کوچی در نواحی گرم جنوب و جنوبشرق کشور دست به کار شد. در نتیجه کوچیها از هر دو کشور آزرده شدند.³⁴²

در ماه اکتوبر همانسال در ناحیه مرزی میان کنر و باجور دوباره برخوردهای مسلحانه روی دادند که قربانی هم گرفتند. بقول مورخ نامور افغانستان صدیق فرهنگ، افراد بظاهر ملکی اما مسلح افغانستان که به عنوان شرکت در جرگه قومی از سرحد گذشته و به باجور رفته بودند، مورد حمله قیاطهان طرفدار پاکستان قرار گرفته، با دادن تلفاتی که تعداد شان پنجصد نفر تخمین شده است، به افغانستان بازگشتند. قیاطیلان پاکستانی به تعقیب آنان به خاک افغانستان داخل شده و تا کنار رودخانه کنر در نزدیکی آسمار پیش آمدند. دولت افغانستان از فعالیتهای پاکستان نگران بوده و بنابراین نایب الحکومه مشرفی غلام فاروق خان عثمان را با عجله و شتاب به عنوان مسؤول حادثه از وظیفه برطرف ساخته،³⁴³ به جایش معاون رییس ارکان حرب افغانستان خان محمد خان را به آن ولایت فرستاد.³⁴⁴ «وی موفق شد که با وارد نمودن فشار همه جانبه، اما بدون خونریزی مزید، پاکستانیها را از خاک افغانستان خارج سازد و دفع الوقت به بحران پایان دهد. حکومت پاکستان نمایندگان رسانه های بین المللی را در منطقه یی که زدوخورد رخ داده بود، برده و اسلحه یی را که افغانان بجا گذاشته بودند، با افراد اردوی افغانستان که گفته میشد قیاطیلان اسیر کرده اند، به ایشان ارائه کرد. مقامات پاکستانی مدعی بودند که تنها یک نفر از سران قیاطیل به نام پاچاگل³⁴⁵ معادل ۱۷۰ میلیون افغانی اسلحه، مهمات و سایر اشیاء مثل ساعت و رادیو و امثال آن را از جانب افغانستان در بین مردم سرحد به مقصد تحریک علیه پاکستان توزیع کرده است.»³⁴⁶

³⁴¹ - Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., 2004. С. 320.

کارگون و. گ. تاریخ افغانستان. قرن بیستم. مسکو. سال ۲۰۰۴ م. ص. ۳۲۰.

³⁴² - Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., 2004. С. 321.

کارگون و. گ. تاریخ افغانستان. قرن بیستم. مسکو. سال ۲۰۰۴ م. ص. ۳۲۱.

³⁴³ - Ежов. Г.П. Афганистан. Краткий биографический справочник. - М., 2004. С. 216. -

- یژوف گ. پ. افغانستان رهنمای کوچک بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴ م. ص. ۲۱۶.

غلام فاروق عثمان فرزند سردار محمد عثمان خان از طایفه محمد زایی بود. در سال ۱۹۲۶ کارمند شفر بود. سپس دستیار اداره «موتر» بود. خواهرش زن میاجان مجددی بود که بدستور امان الله خان با پدرش حضرت صاحب شوربازار در سپتامبر ۱۹۲۸ زندانی شده بود. در ماه اکتوبر سال ۱۹۲۸ وی از زندان رها شد. او سپس افغانستان را ترک گفته و با سردار محمد هاشم خان در ماه مارچ سال ۱۹۲۹ دوباره برگشت. وی در میان قیاطیل مومند بکار تبلیغاتی به نفع هاشم خان مشغول بود. در ماه دسامبر ۱۹۲۹ معین وزارت داخله شد. در ماه دسمبر سال ۱۹۳۰ والی مشرفی شد. در جنوری ۱۹۳۲ با دختر غلام محمد ازدواج کرد. همسر نخستش که دختر سردار محمد عزیز و برادرزاده محمد هاشم خان بود، پیشتر وفات کرده و پسری بنام اسماعیل از خویش بجا مانده بود. او بتاريخ ۱ دسامبر ۱۹۳۲ والی قندهار شد. سپس والی هرات شده و پس از آن (۱۹۳۸) دوباره والی قندهار و پسرها والی کابل شد. سپس دستیار وزیر داخله بود (۱۹۳۹). در سال ۱۹۴۶ وزیر داخله شد. در سال ۱۹۵۸ والی مشرفی بود. او تلاشهای بیهوده یی را برای تشکیل یک حزب سیاسی نیز انجام داد.

³⁴⁴ - Ежов. Г.П. Афганистан. Краткий биографический справочник. - М., 2004. С. 321.

-- یژوف گ. پ. افغانستان رهنمای کوچک بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴ م. ص. ۳۲۱.

- خان محمد خان پشون به قبیله مومند ولایت مشرفی تعلق داشت. در سال ۱۹۲۴ در جمله نخستین دانشجویان برای تحصیل به اکادمی نظامی ترکیه رفت. در زمان محمد ظاهر شاه به جنرالی رسیده و معاون لوی درستیز (ریاست ستاد کل ارتش) شد. در سال ۱۹۶۳ سفیر یکی از کشورهای عربی بود. در ماه دسامبر ۱۹۷۳ بجرم شرکت در «توطئه میوندوال» اعدام شد.

- این نقل قولها مطابق متن اصلی دری کتاب فرهنگ آورده شده اند. در متن روسی کتاب پاچا خان بجای پاچا گل آمده و در اینجا نام متن³⁴⁵ اصلی از کتاب فرهنگ نقل شده است. (مترجم)

میرمحمد صدیق فرهنگ. افغانستان در پنج قرن اخیر جلد ۲. چاپ جدید سال ۱۳۷۱ خ. قم. ص. ۶۹۲-۶۹۱.

- همانجا. ³⁴⁶

برخی سیاستمداران در افغانستان خواستار طرح معضل پشتونستان در سازمان ملل بودند. مگر در جریان اجلاس نخست کنفرانس جنبش کشورهای غیر منسلک در بلگراد محمد داوود به مشوره‌های نماینده دائمی افغانستان در ملل متحد عبدالرحمن پژواک که در این نشست او را در ترکیب هیأت افغانی همراهی میکرد، وقعی نگذاشت. عضو دیگر این هیأت سیدقاسم رشتیا در این رابطه نوشته است: «در روز نخست کنفرانس در وقفه میان جلسه ما با سردار و پژواک سه نفر گردهم آمدیم. پژواک به وی سوالی را (درباره قطع مناسبات دیپلماتیک با پاکستان) مطرح کرد. سردار بما مفصلاً گفت که پس از رویداد باجور، پاکستان بطور یکجانبه دفترهای قونسل‌های ما را در پشاور و کویته بسته و بستن قونسلگریهایش در جلال آباد و قندهار را اعلام کرد. این عمل بذات خود یک امر خصمانه از جانب پاکستان بود که همواره ادعا میکرد قونسلگریهای افغانستان در امور داخلی شان مداخله می‌کنند. ما با چنین تصورات موافق نبودیم و اعلام کردیم که اگر آنها در جریان یک هفته به فعالیت دوباره قونسل‌های ما اجازه ندهند، پس روابط سیاسی ما را بطور کلی با آنها قطع میکنیم.

اکنون همه چیز مربوط به پاکستان است: آیا به اعلامیه ما عکس العمل مثبت نشان میدهد یا تصمیم به قطع روابط با ما را میگیرد. پژواک با لحن بسیار آرام به گفته اش چنین ادامه داد: «شما به اقدامات درستی متوسل شدید، مگر مهلت پیشنهادی تان بسیار کم است، و این به یک اتمام حجت (اولتیماتوم) میماند. هیچ دولت مستقل فشار و اولتیماتوم را ولو که خطر منافع ملی را هم در قبال داشته باشد، نمی‌پذیرد. بنابر این بجا خواهد بود که اعلام شود، اگر در مدت زمان قابل پذیرش پاکستان به بازگشایی قونسلگریهای ما موافقه نکند، دولت افغانستان اجباراً مسأله دوام و یا قطع روابط مناسبات سیاسی را با آنها بررسی خواهد کرد». سردار محمد داوود سخنش را قطع کرده و گفت: «شما به نزاکتهای دیپلماتیک توجه دارید، مگر ماهیت قضیه در یک نکته نهفته است: آیا پاکستان میخواهد به روابطش با افغانستان دوام دهد یا نه؟ ما به وضاحت در این مسأله ضرورت داریم». ³⁴⁷ من (رشتیا) از موقع استفاده نموده و اجازه سخن خواستم. سردار با ناخرسندی اجازه گفتن داد. من گفتم که هنوز فرصت داریم، در کنفرانس حاضر رؤسای جمهور برخی کشورهای دوست و متحابه حضور دارند. ³⁴⁸ میشود بطور سری از آنها خواستار همکاری شد. و در آنصورت بکمک آنها از قطع روابط با پاکستان جلوگیری کرد. فکر میکنم، جمال عبدالناصر، مارشال تیتو و غیره رهبران دول حاضر در این کنفرانس مستقلانه و یا بطور جمعی میتوانند نقش مثبتی را در حل و فصل چالش بمیان آمده بازی کنند. آنها میتوانند از هر دو جانب معضله درخواست کنند، از تصامیم عجولانه خودداری کرده و امکان حل مناسب قضیه را جستجو کنند. یعنی اینکه ما از تعجیل در اخذ تصمیم دوری میجوییم.

من میخواستم اضافه کنم، که با پژواک میتوانستیم با وزیران خارجه مصر و یوگوسلاویا در این باره گفت و گو کنیم، مگر سردار جمله ام را قطع کرده و گفت که رجالی را که من نام بردم از طریق سفیران شان در جریان قضایا اند. اگر آنها بخواهند مداخله کنند، میتوانند خودشان پیشنهاد میانجیگری را کنند. من عادت ندارم، التماس کنم: هرچه بادا باد. من باز هم جرأت کرده و گفتم، که درخواست از آنها باید سری باشد. سردار با بیحوصلگی و با زهرخندی گفت: «اگر پاکستان به قطع روابط با ما مبادرت ورزد، بهمه جهان واضح خواهد شد که آنها به تحریم اقتصادی دست میزنند، تا ما از داعیه عادلانه و بشردوستانه حمایت از پشتونستان دست برداریم. در آنصورت همه دنیا و ابرقدرتها حتی بدون خواهش ما، به این موضوع علاقمند شده و مسأله اساسی درباره سرنوشت مردم هشت ملیونی پشتون مطرح خواهد شد. هرچه که خواست خدا باشد. لازم نیست تشویش داشته باشیم، بدون قبول خطر و قربانی هیچ هدفی بدست نمیآید. پس از آن او دستش را تکان داده و از جایش برخاست». ³⁴⁹

پس از خرابی مناسبات با پاکستان محمد داوود کار تقویت نیروهای مسلح را آغاز کرده و همزمان مرزهای جنوبی کشور با پاکستان را بست. بعلت قطع مناسبات دوکشور امارات متحده عربی نماینده منافع افغانستان در پاکستان و عربستان سعودی نمایندگی منافع پاکستان را در افغانستان عهده دار شدند.

گسست روابط با پاکستان که بدون شرکت سردار محمد داوود صورت نگرفته بود، بیانگر نارضایتی وی در برابر سیاست پشتونستان پاکستان بود. البته این قطع روابط به تحلیل و جستار ژرف ضرورت دارد تا دانسته شود که کدام دولت اینبار سود برد و کدام کشور خساره مند شد.

347

محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان. کابل 2007. ص. 246

247- ص. 2007—محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان. کابل 348

- همانجا، محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان. کابل 2007. ص. 247- 349

صبح‌الدین کشکی³⁵⁰ آخرین وزیر اطلاعات و فرهنگ محمد ظاهر شاه میگوید که از قطع روابط فقط افغانستان خساره دید. او مینویسد: «کسانیکه، مقامهای بلند دولتی و حکومتی را داشتند، از سال 1960 (آغاز روریایی) تا سال 1963 دچار نگرانی و اضطراب بودند. در جریان این 18 ماه زمانیکه انتقالات ترانزیت از کراچی متوقف بود، افغانستان باوجود تلاش برای استقلال اقتصادی بتدریج به دام کرملین نزدیک شد.

از دست دادن راه ترانزیت از خاک پاکستان تاوان مستقیم را به کشاورزی افغانستان وارد کرد. سپتامبر عموماً ماه مهم صدور میوه‌های تازه افغانستان به کشورهای دیگر است. در این مدت یعنی در میان سالهای 1961-1962 افغانها قادر به صدور محصولات شان نبودند. مسکو زیر نام «باید به افغانها کمک کرد» کمپاین وسیع تبلیغاتی را پیش برده و اعلام میکرد که آماده وارد نمودن میوه‌های افغانی از راه هوا به اتحادشوروی است. ولی از آنجایی که این صادرات بسیار محدود بوده و رهبری شوروی شرایط سختی را برای کیفیت میوه‌های افغانی طرح کرده بودند، این میوه‌ها در کشتزارها و یا میدانهای هوایی از بین میرفتند»³⁵¹.

محمد صدیق فرهنگ مینویسد: «حکومت محمد داوود خان با این اقدام مهمترین وسیله ارتباط را با جهان خارج باحق عبور اموال و افراد از خاک پاکستان و دسترسی به دریا‌های آزاد که در معاهدات دوجانبه و عرف و رواج بین‌المللی (میان افغانستان و پاکستان، مؤلف) مسجل شده بود، داوطلبانه از دست داد و مشکلات نهایت بزرگ را برای خود و عامه مردم، بازرگانان و کشورها و مؤسسات کمک دهنده به افغانستان فراهم کرد، بدون آنکه در مقابل هیچگونه منفعتی از آن بدست آورده باشد»³⁵². برخی از پژوهشگران افغانستان همانند داوود خان گمان میکردند که متحدین پاکستان و در گام نخست ایالات متحده آمریکا نمیتواند مقاطعه افغانستان را با جهان غرب تحمل نمایند و پاکستان را وادار میسازند تا راه را دوباره مطابق شرایط افغانستان باز کند و به این صورت زمامداران افغانستان در نزد افکار عامه به پیروزی نایل میشوند. مگر در نهایت غرب و جهان اسلام افغانستان را حمایت نه کردند. برعکس، اتحادشوروی در انظار عامه نفوذ کرد، چنانچه یک مقدار ناچیز میوه تازه افغانستان را که آماده صدور بود، خریداری نموده و از میدانهای هوایی کابل و قندهار به اتحادشوروی فرستاد. به این ترتیب اتحادشوروی ذهنیتی را نزد جامعه افغانی ایجاد نمود که گویا افغانستان با اتکا به اتحادشوروی میتواند، دشواریهایش را حل کند.

در این میان صدراعظم داوود با لجابت سرسختانه به مقابله با پاکستان ادامه داد. در سالهای ۱۹۶۲-۱۹۶۳ بدستور وی در مناطق قبایل پشتون در خاک پاکستان چندین گروه تخریکار گسیل شد که یکی از آنها را افسر مشهور اردوی افغانستان جگرن-کماندو صافی رهبری میکرد. این گروه‌ها که زیر نام «مجاهدین ملی پشتونستان» فعالیت میکردند، پلها، خطوط اتصالات و مؤسسات مهم اقتصادی را تخریب نموده، بالای پسته‌های مرزی و قطعات پولیس حمله مسلحانه کرده، کارمندان دولتی را کشته و در دسته‌های خویش باشنندگان پشرون و غیره محلی را جذب میکردند.

مگر این فعالیتها کامیابی را در قبال نداشت. آنها در امر در دادن آتش جنگ پارتیزانی ناکام شده و بر علاوه شخص مبتکر این فعالیتهای تخریبی محمد داوود خان استعفا کرد. واقعیت جالب اینکه: در ماه مارچ سال ۱۹۶۳ روزنامه پایتخت-انیس از کناره گیری محمد داوود از مقام صدارت عظمی خبر داده و با چاپ زندگینامه کوتاه وی در صفحه اصلی البته با کنایه یادداشتی را نیز پیرامون فعالتهای «مجاهدین ملی پشتونستان» نشر کرد.³⁵³ ظاهراً این آخرین خرابکاران افغانی بودند، چون با بقدرت رسیدن حکومت جدید گسیل این نوع دسته‌ها به پاکستان متوقف شدند.

به این ترتیب قطع نوبتی روابط با پاکستان که وابسته به سیاست پشتونستان افغانستان بود، همانند گذشته‌ها به جز خسارات سیاسی و اقتصادی به دو طرف سودی را ببار نیاورد. مورخ افغان و پروفیسور پیشین پوهنتون (دانشگاه) کابل حسن کاکرمیندرد که افغانستان نباید پاکستان را بمثابه یگانه پنجره به جهان خارج از دست میداد. افغانستان باید به خلق پشتونستان حق انتخاب آزادانه سرنوشت را داده و از اراده آنها حمایت میکرد. بزرگمردان افغانستان باید خوب میدانستند که برای تطبیق برنامه رشد اقتصادی و عصری سازی (مدرنیزاسیون) خویش باید با پاکستان مناسبات نیک

- صباح‌الدین کشکی در سال ۱۹۳۳ زاده شده بود. او سومین پسر برهان‌الدین کشکی بود. پس از پایان رساندن لیسه- غازی برای³⁵⁰ تحصیل ژورنالیزم به ایالات متحده آمریکا (۱۹۵۸-۱۹۵۳) رفت. او مدیر مسوول روزنامه اصلاح (۱۹۵۹)، مدیر در رادیو افغانستان، رییس آژانس اطلاعاتی باختر (۱۹۶۱) و رییس رادیو افغانستان (۱۹۶۵) بود. از سال ۱۹۶۸ صاحب امتیاز جریده کاروان (بمدیریت مسوول عبدالحق واله) بود. در سال ۱۹۷۲ بمقام وزارت اطلاعات و فرهنگ رسید. از ماه می ۱۹۷۸ تا جنوری ۱۹۸۰ در زندان پلچرخ بندی بود. در سال ۱۹۸۰ به ایالات متحده آمریکا رفت. عضو شورای فرهنگی تنظیمهای جهادی در اسلام آباد بود.

محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان. کابل ۲۰۰۷. ص. ۲۴۹-۳۵۱

-- میرمحمد صدیق فرهنگ. افغانستان در پنج قرن اخیر. جلد دوم. قم سال ۱۳۴۷. ص. ۶۹۲-۳۵۲

- روزنامه انیس مورخ ۹ مارچ سال ۱۹۶۳ م.³⁵³

همسایگی داشته باشند. راه دیگری وجود نداشت. یک مقام بلندرتبه پیشین وزارت امور خارجه افغانستان عبدالصمد غوث میپندارد که مهمترین دلیل استعفای محمد داوود خان نادرستی سیاست وی در معضله پشتونستان بود.³⁵⁴

با بازنگری راه دشوار محمد داوود خان بمتابیه سیاستگذار و دولتمدار در دورهء زمانی سالهای ۵۰ و آغاز سالهای ۶۰ میتوان گفت که او بخوبی روان اجتماعی را درک و احساس نموده و بمتابیه سیاستمدار پخته در برابر آنها عکس العمل سریع نشان میداد. در سالهای ۱۹۶۲-۱۹۶۳ سردار طی نامه هایی عنوانی شاه از رشن رادیکالیزم در میان حلقه های جوانان و روشنفکران هوشدار داده، تأکید میکرد که «مردم خسته اند»، و اینکه حفظ ساختار فوق العاده امتیازی اشرافی - قبیله یی در جامعه مانع رشد اجتماعی کشور میشود. به این دلیل او به شاه پیشنهاد میکرد در کشور رژیم دموکراسی پارلمانی را برقرار ساخته و از جمله صلاحیتهای قدرتمندان محلی، سران قومی، خانهای طوایف و رهبران مذهبی را محدود نموده، سیستم دوحزبی را در شیوه اداره دولت پیاده کرده، حکومت را تابع پارلمان ساخته و وظایف شاه را به فعالیتهای تشریفاتی محدود سازد. البته این پیشنهادات مورد پسند ظاهرشاه قرار نگرفتند. بنابراین داوود خان از نگاه سیاسی محکوم به ناکامی بود.

- همانجا: محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان. کابل ۲۰۰۷. ص. ۲۵۱-۳۵۴

سخن پایانی

با استفاده از منابع و اوراق در دست داشته، مولف نتیجه گیری های خود و پژوهشگران را در چند پاراگراف درجه بندی نمود:

دوره ای صدارت محمد داود خان (۱۹۵۳-۱۹۶۳)، که از یک طرف کشور را به رشد سریع اقتصادی کشاند و از طرفی هم موجب رویاروییهای سیاسی بین دو کشور همسایه افغانستان و پاکستان گردید. با نام محمد داود خان یک دهه که ویژه گی آن پهنای رشد اقتصادی افغانستان میباشد، پیوند خورده است. در دوران حاکمیت محمد داود خان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی کشور دگرگونیهای جهشی رخ دادند، ولی رییس حکومت قادر نشد که سیستم فرسوده ساختارهای سیاسی کشور را تغییر داده، زندگی اجتماعی را دموکراتیزه نموده و وضعیت اقشار گسترده مردم را بهتر نماید. در نهایت او ناخواسته حمایت محافظان لیبرال- بورژوازی و مترقی کشور را که در واقعیت اساسیترین شالوده اجتماعی او را پس از بقدرت رسیدن بحیث صدر اعظم تشکیل میدادند، از دست داد. بر علاوه آن اقشار جامعه افغانی که از هواداران سیاست غرب بشمار میرفتند، نیز از سیاست داخلی و خارجی او ناراض بودند. آنها از حکومت محمد داود به دلیل مداخله بیجای آن در اقتصاد داخلی و خرابی مناسبات پاکستان- افغانستان که تحدید مناسبات تجاری- اقتصادی را با کشورهای غرب در قبال داشت، انتقاد شدید مینمودند.

سیاست داخلی و خارجی صدر اعظم محمد داود خان در چندین راستا پیش برده میشد:

۱. شالوده سیاست اقتصادی داود خان را «اقتصاد رهبری شده» تشکیل میداد که در نتیجه آن نقش دولت و سکتور دولتی در زندگی اقتصادی کشور افزایش یافت. مگر در زمان حکومت محمد داود خان وضعیت اقتصادی همچنان بی ثبات بلقی ماند.

داود خان همانند یک میهن دوست واقعی تلاش داشت به پسماندگی قرون در کشور پایان دهد. مگر مینداشت که افغانستان بدون کمک تخنیک- اقتصادی از خارج نمیتواند، پیشرفت کند چون به این منظور ذخایر داخلی مالی را ندارد. مگر سیاست مبتنی بر کمک بیرونی کشور را به پذیرنده دایمی تعاون تبدیل کرده و علت اصلی وابستگی افغانستان به شرق و غرب شد.

تمایل مشی اقتصادی محمد داود خان به جلب کمکهای خارجی باعث فعالیت مناسبات با بسیاری کشورهای اروپای غربی و شرقی شد. واقعا، در سالهایی که داود خان در رأس حاکمیت قرار داشت، از خارج امکانات گسترده اقتصادی بکشور داده میشد: افغانستان غله را از اتحادشوروی و ایالات متحده، اسلحه را از اتحاد شوروی میگرفت؛ بکمک کارشناسان خارجی نیروگاههای برق، کارخانه ها، سیستمهای آبیاری و ترانسپورتی و بسیاری پروژههای دیگر ساخته شده و کانهای معادن در داخل کشور تثبیت شدند. باوجود این، میتوان گفت که افغانستان بصورت عموم در برابر کشورهای دیگر یک مصرف کننده بود، چون از پارتنرهایش بیشتر میگرفت تا به آنها چیزی بدهد. به این ترتیب، همکاری با افغانستان برای دولتهای خارجی عملا به کمک یکجانبه تبدیل شده بود. باوجود این به استفاده فعال از کمکهای تخنیک و مالی خارجی، حکومت داود خان بنیان رشد عرصه های مهم اقتصاد ملی را گذاشت. بنابراین، بیجا و شگفت انگیز نیست که برخی پندارهای سیاسی محمد داود خان تا کنون در سیاست معاصر افغانستان بازتاب یافته و از نفوذ نیرومند در روان و شعور فعالان سیاسی افغانستان برخوردار اند.

۲. دوره زمامداری محمد داود خان و ریاست حکومت او با تشکل سیستم دوقطبی در سیاست جهانی و «جنگ سرد» دو ابر قدرت و مبارزه آنها برای گسترش ساحه نفوذشان در جهان سوم همراه بود.

مشی سیاست خارجی افغانستان بر شالوده سیاست بیطرفی مثبت استوار بود، که در یکسوی همسایه بی مانند اتحادشوروی قرار داشته و از جانب دیگرش شاهد پیدایش پیمانهای نظامی (سنتو و سیاتو) در منطقه بود. افغانستان به بلوکهای نظامی نیویست، چون این امر از جانب این پیمانها و ایالات متحده امریکا همچون متحد پاکستان به چشمپوشی از داعیه پشتونستان مشروط بودند. پیوستن به بلوکهای نظامی تحت رهبری اتحادشوروی (پیمان وارسا) بر اساس ایدئولوژیکی برای افغانستان ناممکن بود. در نتیجه افغانستان به سازمان «جنبش عدم انسلاک» پیوست که این امر و مرام آن یعنی جلب همکاری همه جانبه از هر دو ابر قدرت، مانعی در راستای برقراری روابط تنگاتنگ با اتحاد شوروی و ایالات متحده پنداشته نمیشد.

در آن زمان اتحادشوروی نیز به افغانستان سخت علاقمندی داشت. برای محمد داود خان پاکستان منبع تهدید بود، بنابراین، وی از یکسو میخواست به سلاحهای روسی دسترسی داشته باشد و از سوی دیگر اصلاحات اقتصادی را پیش ببرد که

برای آنها نیاز به تمویل داشت. مناسبات کابل با مسکو باگذشت هر روز بسرعت انکشاف مییافتند و افغانستان هرچه بیشتر و بیشتر به اتحادشوری وابسته میشد.

۳. روابط پاکستان و افغانستان که در دهه نخست پس از استقلال آنکشور و تقسیم هند برتانوی گاه با تب و تاب و گاه با گسست مؤقتی همراه بود در سال ۱۹۵۵ بعلت ایجاد «یونت» یگانه³⁵⁵ پاکستان غربی به وخامت گرایید. دلیل این تشنج تلاش زمامداران افغانستان بویژه پس از بقدرت رسیدن محمد داوود بود که میخواست از «معصل پشتونستان» برای احیای عدالت تاریخی استفاده کند.

قطع متواتر مناسبات با پاکستان که از سیاست حکومت داوود خان در مورد پشتونستان ناشی میشد، به دوطرف هیچ چیزی را بجز زیان سیاسی و اقتصادی ببار نیآورد. در نتیجه، افغانستان و مردم پشتونستان، هیچ مفاد اقتصادی و سیاسی را نصیب نشدند. افغانستان نباید پاکستان را هم‌انند دهلیز به جهان خارج از دست میداد، چون بیشتر از ۷۰٪ تمام کالاهای ترانزیتی از جمله کمکهای خارجی از خاک پاکستان میگذشتند. افغانستان باید به خلق پشتونستان امکان حق خود ارادیت را در انتخابشان داده، فقط از خواست شان حمایت نموده و نباید در اینمورد با پاکستان به دشمنی میپرداخت. رهبری افغانستان باید بخوبی میدانست که برای عملی نمودن برنامه های رشد اجتماعی و مدرنیزه ساختن کشور به داشتن روابط دوستانه با پاکستان ضرورت است.

معصل پشتونستان شالوده چالشها در مناسبات دوکشور افغانستان و پاکستان بود. تحلیل تاریخی دوره صدارت محمد داوود خان نشان میدهد، که سیاست رویارویی پیرامون مسأله پشتونستان در گام نخست برای خود افغانستان نتایج وازگونه داشت. سیاست جانب افغانی و عکس‌العملهای پاکستان بیشتر باعث وخامت اوضاع میشدند. مسأله ناهل پشتونستان در آینده نیز مانع رشد مناسبات افغانستان- پاکستان و عامل نامؤثریت کار سیاستمداران هر دو کشور خواهد بود. باگذشت زمان، هویداتر میشود که باید راههای نوین حل و فصل معصل پشتونستان را جستجو کرد.

نظر به نتایج حاصله مؤلف این اثر پیشنهاد میکند تا مرکز بین‌المللی تحت نظر ملل متحد ایجاد شود، که در آن نه محافل سیاسی بلکه کارشناسان، دانشمندان و مورخان، نه فقط از دوکشور، بلکه ممالک منطقه، بکمک ایالات متحده امریکا و روسیه تحلیل همه‌جانبه اوضاع در منطقه شمالغربی قبایل پشتون را با استفاده از اسناد محفوظ و مواد غنی آرشیفی انجام دهند. و برسیاستمداران دوکشور است، که باید مؤقتاً بحث مسأله پشتونستان را تا پایان پژوهشهای این مرکز توقف دهند. پرواضح است که این کاری دشوار و پرزحمت است و برای بدست آوردن نتایج و فیصله های لازمی یک سال کافی نبوده، بلکه این امر سرآغازی مناسب برای رفع تشنج و تحقق پروژههای اقتصادی منطقوی توسط سیاستگذاران دوکشور خواهد شد.

355 - "One Unit"

فهرست منابع و رویکردها

۱. اسناد بایگانی آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه

- АВП РФ. Ф.042. 1954. Оп. 66. Д.1. П. 83
АВП РФ. Ф. 042. 1954. Оп. 66б. Д. 1. П. 88
АВП РФ. Ф. 042. 1954. Оп. 66б. Д.1. П. 83
АВП РФ. Ф. 042. 1954. Д. 1. П. 88
АВП РФ. Ф. 042. 1954. Оп. 66б. Д. 1. П. 88
АВП РФ. Ф. 042. 1954. Оп. 67а. Д. 1. П. 88
АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 042. Д. 3. Инв. 178, 210. П. 59
АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 044. Д. 3. Инв. 178, 210. П. 59
АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 66б. Д. 1. П. 88
АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 67а. Д. 2. П. 86
АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 67а. Д.2. П. 86
АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 66б. Д. 1. П. 88
АВП РФ. Ф. 042. 1956. Д. 2. П. 88
АВП РФ. Ф. 042. 1956. Оп. 68в. Д. 2. П. 88
АВП РФ. Ф. 042. 1956. Оп. 67а. Д. 2. П. 86
АВП РФ. Ф. 042. 1957. Оп. 69. П. 83. Д. 1
АВП РФ. Ф. 042. 1958. Оп. 62а. Д.2.П. 86.

۲. آرشیف دولتی تاریخ معاصر روسیه

- РГАНИ. Ф. 5. Оп. 28 р. 5/27. Д. 251.
РГАНИ. Ф. 5. Оп. 28 р.5 /54. Д. 347.
РГАНИ. Ф.5. Оп. 28 р. 5/92. Д. 467.

رسانه ها

۱. روزنامه انیس (سالهای ۱۹۵۴-۱۹۶۱)
۲. روزنامه اصلاح (سالهای ۱۹۵۴-۱۹۵۹)
۳. روزنامه هیواد (۱۹۵۶)
۴. بولتن اخبار مطبوعات افغانستان از سال ۱۹۵۹.

آرشیف آژانسهای خبررسانی

۱. خبرنامه های آژانس باخترا (سالهای ۱۹۵۴-۱۹۵۹)

بولتن سفارتخانه ها

۱. خبرنامه سفارت ایالات متحده امریکا (۱۹۵۵-۱۹۵۸)
۲. خبرنامه سفارت پاکستان ۱۹۵۹.

نشریات علمی و مطبوعاتی

۱. مجله آسیا و افریقای امروز سالهای ۲۰۰۰-۲۰۱۱
۲. مجله «وستوک» (شرق) سالهای ۲۰۰۱-۲۰۱۰.

اسناد رسمی

۱. سالنامه وزارت پلان افغانستان از سال ۱۹۵۸.

رویکردهای اینترنتی

1. www.works.tarefer.ru/54/100120/index.html
2. www.works.tarefer.ru/54/100120/index.html
3. <http://afg-hist.ucoz.ru/publ/8-1-0-12>

منابع دری و پشتو:

۱. محمد اکرام اندیشمند. ما و افغانستان. کابل ۲۰۰۷
۲. محمد اسحاق الکو. داودخان د کی جی بی په لومو کی. کابل ۲۰۰۸.
۳. امین الله دریچ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور ۲۰۰۷.
۴. وحید مزده. روابط سیاسی ایران و افغانستان در قرن بیستم. کابل ۲۰۱۰.
۵. میر غلام محمد غبار. افغانستان در مسیر تاریخ کابل ۱۹۶۷۶.
۶. میر محمد صدیق فرهنگ. افغانستان در پنج قرن اخیر. جلد دوم. قم سال ۱۳۷۴
۶. ظاهر طنین افغانستان در قرن بیستم (۱۹۰۰-۱۹۹۶). تهران ۲۰۰۶.
۷. محمد ابراهیم عطایی. نگاهی مختصر به تاریخ افغانستان معاصر افغانستان. کابل ۲۰۱۰.
۸. صباح الدین کشکی. دهه قانون اساسی. اسلام آباد. ۱۹۸۶.
۷. سید مهدی فرخ. تاریخ سیاسی افغانستان. قم ۱۹۹۳.

منابع انگلیسی زبان:

1. Abdul Ghaffar Khan. Marsh of Pakhtunistan. - Bombay, 1636.
2. Adamec L.W. Afghanistan's Foreign Affairs to the MidTwentieth Century. -Arisona, 1974.
3. Adamec L.W. Historical and Political Who's Who of Afghanistan / L.W. Adamec. Graz Akad. u. Verlag. – Austria, 1975.
4. Adamec L.W. Historical dictionary of Afghanistan. Second Edition. - Lanham, 1997.
5. Asghar M. Khan. Generals in Politics. Pakistan 1958-1982. - Delhi, 1983.

6. Ayub Khan Muhammad. Pakistan today. Text of the Address of the R. Inst. of Intern Affairs. - Karachi, 1966.
7. Ayub Khan Muhammad. Speeches and Statements. - Karachi, 1960.
8. Ayub Khan Muhammad. Towards a New Political System. Inauguration Speech. - Karachi, 1966.
9. Azmat Hayat Khan. The Durand Line. Its Geo-Strategic Importance. - Peshawar, 2005.
10. Caroe O. The Pathans, 550 B.C. to A.D. - London, 1964.
11. Dupree L. Afghanistan. - New Jersey, 1973.
12. Fraser-Tytler W.K. Afghanistan. A Study of Political Developments in Central and Southern Asia. - London, 1967.
13. Fraser-Tytler W.K. Afghanistan. - London, 1957.
14. Ghaus, Abdul Samad. The Fall of Afghanistan. Pergamon-Brassey's Defense Publishers. - Virginia, 1988.
15. Poullada B.P. Reform and Rebellion in Afghanistan. - Cornell University Press, 1973.
16. Poullada, L.B. Afghanistan and the United States: the Crucial Years // The Middle East Journal. - Spring 1981. - Vol. 31, №9.
17. Sykes, Sir W. Kerr. Afghanistan: A Study of Political Developments in Central and Southern Asia. - Oxford, 1953.
18. Tanner S. Afghanistan. A Military History from Alexander the Great to the Fall of the Taliban. - New York, 2002.

منابع روسی:

1. Авдеев. Россия - Афганистан. Ч.1. – М., 1984.
2. Александров А., Ахрамович Р. Государственный строй Афганистана. - М., 1956.
3. Арунова М.Р. Афганская политика США в 1945-199 гг. - М., 2000.
4. Ахрамович Р.Т. Афганистан после Второй мировой войны. Очерк истории. - М., 1961.
5. Белокреницкий В.Я., Каменев С.Н., Москаленко В.Н. Пакистан, страны Южной Азии и Среднего Востока: история и современность. - М., 2004.
6. Белокреницкий В.Я., Москаленко В.Н. История Пакистана XX век. - М., 2008.
7. Белокреницкий В.Я., Москаленко В.Н., Шаумян Т.Д. Южная Азия в мировой политике. - М., 2003.
8. Булганин Н.А., Хрущев Н.С. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. – М., 1955 г.
9. Вопросы экономики Афганистана. Отв. ред. Н.М. Гуревич. - М., 1963.
10. Гуревич Н.М. Очерки истории торгового капитала в Афганистане. - М., 1967.
11. Гуревич Н.М. Афганистан. Некоторые особенности социально-экономического развития. 1919-1977. - М., 1913 .
12. Гуревич Н.М. Внешняя торговля Афганистана в новейшее время. - М., 1981.
13. Гуревич Н.М. Экономическое развитие Афганистана. - М., 1972.
14. Демьяненко А.П. Советский союз и крах гитлеровской политики в Афганистане. // Народы Азии и Африки. 1985. №9.
15. Джабборов Т.Д. Северо-Западная Пограничная провинция Пакистана. - М., 1977.
16. Ежов. Г.П. Афганистан. Краткий биографический справочник. - М., 2007.
17. История Афганистана. /Отв. ред. Ю.В. Ганковский. - М., 1982 .
18. История внешней политики СССР 1911-1980. / Под ред. Громыко А.А., Пономарева Б.Н. - М., 1981.
19. История вооруженных сил Афганистана. 1747-1977. ИВ РАН. / Отв. ред. Ю.В. Ганковский. - М., 1985.
20. История Востока: в 6 т. / ИВ РАН Ред. кол.: Рыбаков Р.Б. и др. - М., 2006. - Т. 5.

21. Коргун В.Г. История Афганистана XX век. - М., 2004.
22. Коргун В.Г. Россия и Афганистан: исторические пути формирования образа России в Афганистане. - М., 2009.
23. Коргун В.Г., Арунова М.Р., Сикоев Р.Р. Афганистан на переходном этапе. - М., 2002.
24. Кредит и кредитные системы стран Азии / ИНА АН СССР / Отв. ред. А.И. Динкевич. - М., 1968.
25. Ляховский А.А. Трагедия и доблесть Афгана / А.А. Ляховский.- 2-е изд., перераб. и доп.- Ярославль, 2004.
26. Массон В.М., Ромодин В.А. История Афганистана. - М., 1965. Т. 2.
27. Независимый Афганистан / Отв. ред. Р.Т. Ахрамович. - М., 1958.
28. Нухович Э.С. Внешняя политика Афганистана. - М., 1986.
29. Паничкин Ю.Н. Образование Пакистана и пуштунский вопрос. - М., 2005.
30. Плешов О.В. Ислам и политическая культура общества. Парадоксы консервативной традиции. // Азия и Африка сегодня. №2. 2003.
31. Райков А.В. Факир из Ипи - борец за свободу Вазиристана.//Восток, №3, 1995.
32. Рейснер И.М. Афганистан. - М., 1948.
33. Рейснер И.М. Независимый Афганистан. - М., 1928.
34. Снесарев А.Е. Афганистан. - М., 2002.
35. Теплинский Л.Б. История советско-афганских отношений. 1919-1987. - М., 1988.
36. Теплинский Л.Б. 50лет советско-афганских отношений. 1919-1969. - М., 1971.
37. Теплинский Л.Б. Советско-афганские отношения. 1919-1960. - М., 1961.
38. Теплинский Л.Б. СССР и Афганистан. - М., 1982.
39. Тихонов Ю.Н. Афганская война Сталина. Битва за Центральную Азию. - М., 2008.